
واژه نامه
مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

واژه نامه مهدویت

نویسنده:

مجله حوزه

ناشر چاپی:

مجله حوزه

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

واژه نامه مهدویت

مشخصات کتاب

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ا – آ» آغاز می شود

آثار و نتایج قیام قائم

هنگامی که حضرت قائم (عج) قیام کنند، جهان دگرگون خواهد شد، و از مسیر این دگرگونی و تحوّل آثار و نتایجی باقی خواهد ماند که ثمره ی دلنشین آن کام همگان را شیرین خواهد کرد.از جمله ثمرات آن، می توان به این موارد اشاره کرد:۱- جهان بافروغ جمال آرایش منوّر گردد.۲- ثروت به طور مساوی تقسیم شود.۳- جهان در آسایش و آرامش بی نظیر قرار گیرد.۴- امّت اسلامی مجد و عظمت فوق العادّه ای پیدا کند.۵- همه ی بدعتهای جاهلی ریشه کن شود.۶- حسد و حیله از بین برود.۷- همه بی نیاز شوند و از پذیرش پول امتناع کنند.۸- همه ی شیعیان جهان از اقطار و اکناف جهان در اطراف شمع وجودش گرد آیند.۹- هر حقّی به صاحب حق بر گردد.۱۰- در روی زمین ویرانه ای نمی ماند جز اینکه آباد گردد و... (برای آگاهی بیشتر ر.ک به مقدّمه ی کتاب «او خواهد آمد»)

ابراهیم

نام یکی از پسران حضرت صاحب الامر (عج)، «ابراهیم» است.رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

ابراهیم بن صالح انماطی

«ابواسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی کوفی اسدی» از اصحاب حضرت موسی بن جعفر علیه السلام است. او پیش از تولّد حضرت قائم علیه السلام کتابی درباره ی «غیبت» نوشته و «ابن قولویه» آن را با یک واسطه از مؤلّف نقل کرده است. («فهرست» شیخ طوسی، ص ۷۵)

ابراهیم بن محمد تبریزی

از جمله کسانی که به ملاقات با امام قائم (عج) نائل شده، «ابراهیم بن محمّد تبریزی» است. وی آن حضرت را، هنگام نماز خواندن بر بدن شریف پدر بزرگوارش، امام حسن عسکری علیه السلام دیده است. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۶)

ابراهیم بن محمد همدانی

«ابراهیم بن محمّد همدانی» از سوی حضرت ولی عصر (عج) با واسطه، نیابت داشته است و بدون اینکه از آن حضرت، درباره ی او سؤالی شود، توقیعی در و ثاقت و مورد اطمینان بودن او صادر شده است.«ابراهیم بن محمّد» چهل مرتبه به حج مشرّف شده است. وی همچنین با امام رضا علیه السلام و امام جواد علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام هم عصر بوده است. («جامع الرواة»، ج ۱، ص ۳۳)

ابراهیم نیشابوری

«ابراهیم بن محمّد بن فارس نیشابوری» از ملاقات کنندگان حضرت حجّت (عج) در پنج سال نخست زندگی ایشان، در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السلام بوده است. («منتخب الاثر»، ص ۳۵۴)

ابر مخصوص قائم

در روایات اسلامی وارد شده، از خصایص حضرت قائم (عج) این است که، خداوند تبارک و تعالی برای آن حضرت ابری مخصوص ذخیره کرده که در آن رعد و برق است و ایشان بر آن سوار شده و در راههای هفت آسمان و هفت زمین سِیْر می کنند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۲)رجوع شود به واژه: سایه انداختن ابر سفید

ابدال

«اَبْدال» جمع «بَدَل» یا «بَدیل» است و عدّه ای معلوم از صُلَحا و خاصّان خدا که گویند هیچگاه زمین از آنان خالی نباشد و جهان به خاطر آنان برپاست و هرگاه، یکی از آنان بمیرد خدا تعالی دیگری را به جای او برانگیزد، تا آن شمار که به قولی هفت و به قولی هفتاد است، همواره کامل ماند. («فرهنگ فارسی معین»؛ ج ۱، ص ۱۲۰)در روایات آمده است که اینها از یاران حضرت مهدی (عج) در شام هستند و هنگام خروج و ظهور آن حضرت، خود را به مکّه می رسانند و با آن حضرت بیعت می کنند. (المجالس السنیه، ج ۵، ص ۶۹۹)همچنین شخصی از امام رضا علیه السلام در مورد «اَبْدال» پرسید، آن حضرت فرمود: «اَبْدال اوصیاء پیامبران هستند». (سفینهٔ البحار (ماده ی بدل))

ابقع

«اَصْهَب»، نام یکی از سه گروه دارای پرچم است که در آخر الزّمان، در شام بر علیه امام قائم (عج) خروج می کند. این مطلب در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:«در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می کنند: اَصْهَب، اَبْقَع و سفیانی.» («اعلام الوری»، ص ۴۲۸)سفیانی ابتدا با «اَبْقَع»، برخورد می کند و می جنگد و پیروان وی را می کشد و سپس «اَصْهَب» را هم می کُشد. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۷)

ابن بابویه

«علی بن حسین بن موسی بن بابویه» معروف به «ابن بابویه»، پدر بزرگوار شیخ صدوق، فقیه و پیشوای مردم قم بوده است. به گفته ی ابن ندیم، وی ۲۰۰ جلد کتاب نوشت و در سال ۳۲۹ هـ ق رحلت کرد.وی از کسانی است که، توقیعاتی به خطّ شریف حضرت قائم (عج) برای او ارسال شده است. («حضرت مهدی (عج) فروغ تابان ولایت»، ص ۲۷۵)

ابن خلدون

هیچ کس از سنّی و شیعه، منکر این نیست که موضوع حضرت مهدی (عج) موضوعی است که پیامبر از آن خبر داده و اوست که پرچم اسلام را در روی کره ی زمین افراشته می کند و عدالت، سرتاسر جهان را فرا می گیرد.تنها «ابن خلدون» («ابوزید عبدالرحمن بن محمّد» معروف به «ابن خلدون» از بزرگان و حکما و مورّخان معروف (متولد ۷۳۲ هـق در تونس و متوّفی ۸۰۶ یا ۸۰۸ هـق) است. کتاب تاریخ او موسوم به کتاب «العبر و دیوان المبتداء و الخبر فی ایام العرب و العجم و البربر» معروف است. (فرهنگ فارسی

معین، ج ۵، ص ۸۳)) است که در مقدّمه ی تاریخ خود، احادیث مربوط به امام زمان (عج) را با حدیث بی اساس و مجعولی که می گوید:«لامَهْدی اِلّا عیسی بْنِ مَرْیَم: مهدی جز حضرت عیسی بن مریم نیست».مورد ایراد قرار می دهد.چون در عصر «ابن خلدون» نظر به شرایط خاصّی که در جهان اسلام پیش آمده و تب مهدی پرستی بالا گرفته بود، افراد فرصت طلب برای پیشبرد اهداف خود از عنوان مهدی موعود استفاده می کردند. لذا «ابن خلدون» به خاطر سوء استفاده از این حقیقت، به خود عقیده نیز، بی اعتقاد شده و در صحّت احادیث شبهه کرده است.او فصلی از کتاب خود، بالغ بر ۲۰ صفحه را به بحث درباره ی مهدویّت و انتظار مردم درباره ی منجی موعود، اختصاص داده است. وی به نقل و نقد احادیث سی و شش گانه ای که بزرگان علم و حدیث آنها را درباره ی ظهور حضرت مهدی (عج) یادآور شده اند، پرداخته است. البتّه او به شهرت این احادیث اعتراف کرده است و انگیزه ی مخالفت او، با این احادیث تعصّبهای خاصّ مذهبی و پاره ای از مصلحت اندیشیهای بی دلیل است.برخی گفته اند؛ تحلیل سیاسی از مقدّمه ی او گویای این است که انکار او جنبه ی سیاسی دارد، زیرا در برابر فاطمیین که ادّعای مهدویّت کرده بودند، او هم انکار مهدویّت نموده است. امّا بزرگان، پیشوایان و دانشمندان اسلام گفتار او را ردّ کرده اند. بخصوص «ابن عبدالمؤمن» که کتاب ویژه ای نوشته و سی سال قبل در شرق و غرب انتشار یافته است. («آخرین امید»، ص ۱۹۸، ۲۰۳ و ۲۲۹ - زندگانی ۱۴ معصوم (ع)، ص ۱۷۵)رجوع شود به واژه: احمد امین مصری

ابن مهزیار

سیّد بن طاووس، «محمّد بن ابراهیم بن مهزیار» و پدرش «ابراهیم بن مهزیار» را از وکلاء و نوّاب معروف امام عصر (عج) دانسته، که شیعیان امامیّه در نیابت او و پدرش اختلافی ندارند. («جامع الرواهٔ»، ج ۱، ص ۴۴)شیخ صدوق، نیز او را جزء وکلای منصوب از ناحیه ی امام قائم (عج) دانسته و در توقیعی که در شأن او وارد شده، چنین آمده است:«ما تو را به جای پدرت منصوب کردیم، پس خدا را سپاسگزار باش». («مهدی موعود»، ص ۶۳۱)رجوع شود به واژه: علی بن مهزیار

ابو ابراهیم

«ابو ابراهیم» از کنیه های حضرت ولی عصر (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۵۹)

ابوالادیان

«ابوالادیان» از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام بود. وی از جمله کسانی است که امام قائم (عج) را ملاقات نمود.امام حسن عسکری علیه السلام در آخرین لحظات عمر، او را به حضور طلبید و بعد از دستوراتی، چندین نشانه ی امام پس از خود حضرت مهدی (عج) را طی سؤالاتی که ابوالادیان از ایشان پرسید، ارائه فرمودند. («حضرت مهدی (عج) فروع...»، ص ۳۰ (باتلخیص))

ابوالحسن

«ابوالحسن»، از کنیه های حضرت صاحب الزّمان (عج) است. «ابوالحسن» کنیه ی مولی الموحّدین، حضرت علی علیه السلام هم، است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۰)

ابوالقاسم

کنیه ی حضرت ولی عصر (عج)، «ابوالقاسم» است. همانگونه که در «تاریخ ابن خَشّاب» از امام صادق علیه السلام روایت شده،

ایشان فرمود: «خلف صالح از فرزندان من است. اوست مهدی. اسم او همنام من است، کنیه ی او ابوالقاسم».در برخی اخبار از کنیه گذاشتن به «ابوالقاسم»، اگر اسم «محمّد» باشد، نهی شده و بعضی به حرام بودن ذکر آن حضرت به کنیه در مجالس تصریح کرده اند. (همان مدرک، ص ۵۹)

ابوبکر

«ابوبکر» کنیه ی حضرت مهدی (عج) است. «ابوبکر» یکی از کنیه های امام رضا علیه السلام نیز هست. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۶۰)

ابوبکر بغدادی

«ابوبکر، محمّد بن احمد بن عثمان» معروف به «بغدادی»، برادر زاده ی «محمّد بن عثمان» (نائب دوم امام عصر (عج)) و نواده ی «عثمان بن سعید»، (نائب اوّل) است.او ادّعای نیابت از سوی امام زمان (عج) نمود و عدّه ای را دور خود جمع کرد. از جمله ی آنه شخصی بنام «ابودِلْف محمّد بن مظفّر کاتب» بود. («الغیبه»، ص ۲۵۹ - «آخرین امید»، ص ۱۲۹)رجوع شود به واژه: ابودِلْف کاتب

ابوتراب

«ابوتراب کنیه ی مهدی موعود (عج) است. «ابوتراب» کنیه ی حضرت علی علیه السلام نیز هست. یکی از وجوه قرار دادن این کنیه، آن است که شاید مراد از «ابوتراب» صاحب خاک و مربّی زمین باشد. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه ی:«وَ اَشْرَقَتِ الْأرضُ بِنُورِ رَبِّها (زمر/۶۹): و زمین (در آن روز) به نور پروردگارش روشن می شود».فرمودند: «هنگامی که قائم (عج) ما قیام کند، زمین به نور پروردگارش روشن می شود، و بندگان از نور آفتاب مستغنی می شوند و ظلمت بر طرف می گردد». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۰ - «تفسیر نمونه»، ج ۱۹، ص ۵۴۵)رجوع شود به واژه: ربّ الارض

ابوجعفر

«ابوجعفر» کنیه ی امام غائب (عج) است. (همان مدرک، ص ۵۹)

ابودجانه انصاری

«سمّاک بن خَرَشه» معروف به «ابودجانه»، از طایفه اوس و از بزرگان انصار و از دلاوران نامی عرب بود. در جنگ بدر و اُحُد و یمامه و سایر جنگهای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم حاضر بود. او در باغ «حدیقهٔ الرحمان» در جنگ بالشکریان «مُسَیْلمه ی کذّاب» به شهادت رسید. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۹۷)در احادیث اسلامی، او را از یاران حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور و پس از رجعت دانسته اند. امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود:«(همراه ظهور قائم (عج)) بیست و هفت نفر از پشت کوفه (نجف اشرف) ظاهر شده (و به حضرت صاحب الزمان (عج) می پیوندند)، پانزده نفر آنها از قوم حضرت موسی علیه السلام هستند که به سوی حق هدایت می کنند و حاکم به حق و عدالتمند. و هفت نفر آنها اصحاب کهف اند و بقیّه عبارتند از: «یوشع بن نون»، «سلمان فارسی»، «ابودجانه انصاری»، «مقداد» و «مالک اشتر». اینها در خدمت امام زمان (عج) به عنوان یاران و فرماندهان آن حضرت به شمار می آیند». («اِعلام الوری»، ص ۴۳۳ «الارشاد»، ص ۳۹۹)رجوع شود به واژه: اصحاب کهف یوشع بن نون، سلمان فارسی، مقداد، مالک اشتر

ابودلف کاتب

«ابودِلْف، محمّد بن مظفّر کاتب»، از کسانی است که ادّعای نیابت نمود. او قبلاً کارش جمع آوری خمس اموال شیعیان بود، زیرا وی در میان شیعیان کَرخ تربیت شده و شاگردی آنها را کرده بود، مردم کرخ هم خمس مال خود را می پرداختند و هیچ یک از شیعیان در این خصوص تردید نداشت. امّا او بعد ها منحرف شد. («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۷۹)وی به «ابوبکر بغدادی» ایمان آورد و ابوبکر به هنگام مرگش به او وصیّت کرده و او را نائب خود دانست. بعد از فوت «علی بن محمّد سِیْمُری»، «ابودِلْف» ادّعای نیابت و سفارت از سوی امام زمان (عج) کرد، با این که از آن حضرت توقیعی صادر شده بود که دیگر بعد از «علی بن محمد سِیْمُری» نائب خاص نخواهد داشت.او به هر مجلسی که سر می زد مورد سرزنش و توهین قرار می گرفت. شیعیان اندک مدّتی با وی آشنا شدند، سپس از او و همکاران وی دوری جستند. («آخرین امید»، ص ۱۳۰ - «جامع الرواة»، ج ۲، ص ۴۶۹)رجوع شود به واژه: ابوبکر بغدادی، توقیع

ابوصالح

در کتاب «ذخیرة الالباب» ذکر شده که حضرت قائم (عج) مکنّی به «ابوالقاسم» و «ابوصالح» است. «ابوصالح» کنیه ی معروف آن حضرت در میان عربهای بلدی و بادیه نشین است و پیوسته در توسّلات و استغاثات خود آن جناب را به این اسم می خوانند و شعراء و ادباء در قصاید و مدایح خود ذکر می کنند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۰)رجوع شود به واژه: دعاء توسّل به قائم (عج)

ابوعبدالله

«ابوعبدالله» کنیه ی امام زمان (عج) است. «حذیفه» از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم نقل کرده که فرمود:«اگر نماند از دنیا مگر یک روز، هر آینه خداوند، مردی را که اسم او، اسم من و خلق او، خلق من و کنیه ی جمیع اجداد طاهرین خود است بیاید». (همان مدرک، ص ۵۹)

ابوعبدالله محمد بن تومرت

«ابوعبدالله، محمد بن تومرت»، از مدّعیان مهدویّت است که مؤسّس سلسله ی موحّدون در مغرب بود. وی در سال ۵۲۴ درگذشت. («آخرین امید»، ص ۲۱۲)

ابوغانم

«ابوغانم»، از خادمان امام حسن عسکری علیه السلام بود. او بارها سعادت یافت که امام قائم (عج) را ملاقات کند. از جمله در روز سوّم ولادت با سعادت آن سرور، به دیدار حجّت خدا نائل شده و اوصاف مبارکش را نقل کرده است. «اکمال الدین و...»، ص ۴۳۱)

ابومحمد

«ابومحمّد»، کنیه ی حضرت قائم (عج) است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۹)

ابونصر ظریف

«ابو نصـر ظریف»، خادم امام حسن عسـکری علیه السـلام بود. او از جمله کسانی است که به دیـدار حضـرت مهدی (عج) نائل شده است. پس از مـدّتی که حضرت قائم (عـج) متولّد شد، درحالیکه در گهواره آرمیده بود، به ابونصـر فرمود: «مرا می شناسـی؟... من «خاتم الاوصیاء» هستم. خداوند به وسیله ی من بلاها را از اهل و شیعیانم دفع می کند». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۹ و ۶۰)

ابو هارون

«ابوهـارون» از کسـانی است که سـعادت زیـارت حضـرت قـائم (عـج) در اوان کودکی آن حضـرت، نصـیبش شـده است. او که در روزهای اوّل تولّـد، ولی عصـر (عج) را دیده است، می گوید:«من صاحب الزّمان (عج) را دیدم، در حالیکه صورتش چون ماه شـب چهارده بود». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵)

ابوهاشم جعفری

«ابوهاشم، داوود بن قاسم بن اسـحاق بن عبدالله بن جعفر بن ابی طالب» از نائبان بی واسـطه ی ولی عصـر (عج) بوده است.«شیخ حرّ عاملی» درباره ی او می گویـد: «وی از اهالی بغـداد بود. ثقـهٔ و جلیل القـدر و دارای شخصـیتی ارزنده و مورد احترام ائمه می باشد. امام جواد علیه السـلام امام هادی علیه السـلام، امام عسکری علیه السلام را درک کرده و در خدمت آنها بوده است و گفته شده که حضـرت رضا علیه السلام را هم درك کرده است». («وسائل الشیعه»، ج ۲۰، ص ۱۹۰)ابوهاشم عبدالله رجوع شود به واژه: محمد بن حنفیّه

ابی خلف اشعری

بنا به روایت «شـیخ صدوق»، «ابی خلف اشـعری»، حضـرت مهدی (عج) را هنگام کودکی در منزل پدر بزرگوارش دیده، که گویی مشغول بازی بوده است. («اکمال الدین و...»، ص ۲۵۱)

احادیث مهدویت

نصوص مربوط به امام عصر (عج) از طریق شیعه و سنّی بسیار است و در کتابهای مختلف ذکر شده است، در اینجا فهرست برخی از آنها را که مؤلّف محترم «منتخب الاثر» در کتاب خود آورده، نقل می شود:۱- درباره ی این که امامان دوازده نفرند و اوّل آنها علی علیه السـلام و آخر آنها مهدی (عج) است. ۹۱ حدیث۲- احادیثی که به ظهور آن حضـرت مژده می دهـد. ۶۵۷ حدیث۳- روایاتی که آن حضـرت را از دودمان پیغمبر صـلی الله علیه و آله و سلّم می داند. ۳۸۹ حدیث۴- روایاتی که می گویـد: اسم و کنیه او مانند پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلّم است. ۴۸ حدیث۵- روایاتی که آن حضـرت را از فرزندان امیرالمؤمنین علیه السـلام می داند. ۲۱۴ حدیث۶- روایاتی که آن حضـرت را از فرزندان حضـرت فاطمه سلام الله علیها می داند. ۱۹۲ حدیث۷- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام حسن علیه السـلام می داند. ۱۸۵ حدیث۸- روایاتی که آن حضـرت را از فرزندان امام حسـین علیه السلام می داند. ۱۴۸ حدیث۹- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام سجّاد علیه السلام می داند. ۱۸۵ حدیث۱۰- روایاتی که آن حضرت را از فرزندان امام باقر علیه السلام می داند. ۱۰۳ حدیث۱۱- روایاتی که آن حضـرت را از فرزندان امام صادق علیه السلام می داند. ۱۰۳ حدیث۱۲- روایـاتی کـه آن حضـرت را از فرزنـدان امـام کـاظم علیه السـلام می دانـد. ۱۰۱ حدیث۱۳- روایـاتی که می گویـد، او

چهارمین فرزند امام رضا علیه السلام است. ۹۵ حدیث۱۴- روایاتی که می گوید، او سوّمین فرزند امام جواد علیه السلام است. ۹۰ حدیث۱۵- روایاتی که می گوید، او از فرزندان امام هادی علیه السلام است. ۹۰ حدیث۱۶- روایاتی که می گوید، او فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. ۱۴۶ حدیث۱۷- روایاتی که می گوید، اسم پدرش حسن علیه السلام است. ۱۴۷ حدیث۱۸- روایاتی که می گوید، او جهان را از عدالت پر می کند. ۱۲۳ حدیث۱۹- روایاتی که غیبت او را طولانی می داند. ۹۱ حدیث۲۰- روایاتی که در رابطه با طول عمر آن حضرت می باشد. ۳۱۸ حدیث۲۱- روایاتی که می گوید او امام دوازدهم و پایان بخش امامان است. ۱۳۶ حدیث۲۲- روایاتی که می گوید دین اسلام به وسیله ی او جهانی می شود. ۴۷ حدیث۲۳- روایاتی که درباره ی ولادت آن حضرت رسیده است. ۲۱۴ حدیثبا توجّه به ارقام یاد شده و با اضافه ی ۲۵۱۵ روایت دیگر که پیرامون حضرت مهدی (عج) در منابع شیعه وارد شده، آشکار می گردد، روایتهایی که درباره ی آن حضرت رسیده، فوق حدّ تواتر (تواتر از «باب تفاعل»، یعنی: پی در پی آمدن. حدیثی را که به حدّ تواتر رسیده باشد متواتر گویند. حدّ تواتر چیست؟ هر حدیثی که در همه ی طبقات راویان (نسلهای روایتی و حدیثی)، راویانی متعدّد - میان ۱۰ تا ۲۰ راوی - و از جاهای مختلف، داشته باشد، به طوری که نتوان آن راویان را، به تبانی و کذب، منسوب داشت، به «حدّ تواتر» رسیده است و «متواتر» است. حدیث متواتر را می توان «حدیث ثابت و قطعی» خواند. («علم الحدیث؛ ص ۱۴۴»)) است و در کمتر موضوعی از موضوعات دینی تا این حدّ روایت نقل شده است. (در کتاب منتخب الاثر، جمعاً ۶۲۰۷ حدیث، با ذکر مأخذ، از ۱۵۴ کتاب معتبر سنّی و شیعه درباره ی مهدی موعود نقل شده است)

احتجاج قائم با پیروان ادیان مختلف

مطابق روایات، امام قائم (عج) با معتقدان به ادیان مختلف، مناظره و احتجاج می کند و با توراتیان به تورات، با انجیلیان به انجیل، با صحفیان به صحف و با قرآنیان به قرآن و...، و همه ی آنها به حقّانیّت امام عصر (عج) پی می برند و سوگند یاد می کنند که تورات و انجیل و صحف و قرآن حقیقی همانست که امام (عج) به آنها نشان می دهد. سر انجام آنها به اسلام حقیقی می گروند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۵۱)در عین حال حضرت قائم (عج) با کمال قاطعیّت به کتاب (قرآن) عمل می کند و هر گونه منکرات را نابود می سازد. و برای برقراری حکومت جهانی قیام به شمشیر (نهضت نظامی) می کند، در حدّی که به فرموده ی امام صادق علیه السلام.«وقتی که امام زمان (عج) قیام به شمشیر می کند (از منحرفان و طاغوتیان و توطئه گران) از هر هزار نفر، ۹۹۹ نفر آنها را به هلاکت می رساند». («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۷۷)رجوع شود به واژه: شمشیر

احسان

«احسان»، از القاب حضرت قائم (عج) است. این لقب در کتاب هدایه ذکر شده است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۱)

احمد

«احمد»، از اسماء امام قائم (عج) است. شیخ صدوق در «اکمال الدین و...» از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده که فرمود: «مردی از فرزندان من در آخر الزّمان قیام می کند... برای او دو اسم است: اسمی مخفی و اسمی ظاهر. امّا اسم مخفی او «احمد» است».در «الغیبة» شیخ طوسی، از «حذیفه» روایت شده که گفت: شنیدم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم که مهدی (عج) را ذکر کرد، پس فرمود: با او میان رکن و مقام بیعت می کنند، اسم او احمد و عبدالله و مهدی (عج) است. پس اینها نامهای اوست». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۵)

احمد امین مصری

«احمد امین مصری» هم مانند «ابن خلدون» در صدور روایات از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم پیرامون حضرت قائم علیه السلام تردید کرده است. قرائنی وجود دارد که انگیزه ی آنان در این کار ضعف اخبار نبوده، بلکه فکر می کردند روایات مربوط به مهدی مشتمل بر مسائلی است که به سادگی نمی توان آنها را باور کرد، یا به خاطر این که نتوانسته اند احادیث درست را از نادرست جدا کنند. («آخرین امید»، ص ۲۲۲)رجوع شود به واژه: ابن خلدون

احمد بن اسحاق

«احمد بن اسحاق اشعری قمی»، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود. مسجد امام حسن عسکری علیه السلام در قم (در چهار راه بازار) به دست ایشان و به امر حضرت ساخته شده است.او از جمله کسانی است که امام قائم (عج) را در طول حیات پدر بزرگوارشان ملاقات کرده است. وی هنگامی که به محضر امام حسن عسکری علیه السلام می رسد، می پرسد: «امام بعد از شما کیست؟».امام عسکری علیه السلام وارد خانه می شود، حضرت مهدی (عج) را بغل کرده، می آورد. «احمد بن اسحاق» می گوید: «کودک سه ساله ای بود که صورتش چون ماه شب چهارده بود». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴ - «کشف الغمه»، ج ۲، ص ۵۲۶)شیخ طوسی می گوید: «در دوران نیابت نوّاب خاصّه، عدّه ای مورد اعتماد و اطمینان بودند، که از سوی حضرت به وسیله ی نوّاب توقیعاتی برای آنها صادر می شد، یکی از آنها «احمد بن اسحاق» است».

احمد بن عبدالله هاشمی

یکی از ۳۹ نفری که پشت سر حضرت قائم (عج) و به امامت ایشان بر پدر بزرگوارش (امام عسکری علیه السلام) نماز خوانده، و حضرت ولی عصر (عج) را از نزدیک مشاهده کرده است، «احمد بن عبدالله هاشمی» است.

احمد کسروی

«سیّد احمد کسروی»، دانشمند و مورّخ و زبانشناس ایرانی، در سال ۱۲۶۹ هـ ش در تبریز متولّد و در سال ۱۳۲۴ هـ ش در تهران به دست برادران امامی (از فدائیان اسلام) به ضربت خنجر به قتل رسید. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۵۷۷)او مردی تند خو و نسبت به روحانیّون سخت دشمن بوده تا جائیکه پارا فراتر نهاد و گستاخی به ساخت مقدّس ائمه اطهار علیهم السلام حتّی شخص پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم نمود؛ و جسارتها به مذهب شیعه و اعتقاد به امامت مهدی موعود (عج) و غیبت آن حضرت نمود.او در یکی از کتابهایش می نویسد: «عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، حسین بن روح و ابوالحسن سیمری، که ادّعای نیابت امام ناپیدا کرده اند، افرادی گمنام بوده، و کسی آنها را نمی شناخته و خواسته اند؛ از این راه به ریاست برسند، و نیابت آنها و شخص امام ناپیدا دروغ بوده است». («مهدی موعود»، پاورقی ص ۶۹۶)

احمدیه

فرقه ی «احمدیّه» یا «قادیانی»، یکی از فِرَق مذهبی در جامعه ی مسلمانان هندوستان و پاکستان است. مؤسّس و بانی آن «میرزا غلام احمد قادیانی» بود. او در شهر قادیان پنجاب هندوستان در سال ۱۸۷۹ م. درگذشت. هنوز پیروان او در هندوستان، پاکستان، آفریقا و اندونزی بسیارند.«احمدیّه»، در مبادی اصولی تابع اسلام می باشند و فقط در سه اصل اختلاف دارند:۱- عقیده به رجعت مسیح

۲- اصل جهاد ۳- مسأله ظهور مهدی (عج)در باب مسیح بر آنند که عیسی علیه السلام مقتول نگردید و بر روی صلیب نَمُرد، بلکه ظاهراً به نظر مردم چنین آمد، پس او را در قبری دفن کردند و او بعد از ۴۰ روز برخاست و به هندوستان رفت و در کشمیر اقامت کرد و به نشر دعوت انجیل پرداخت و پس از ۱۲۰ سال عمر در شهر «سِرینَگَر» در گذشت.در باب مسأله جهاد معتقدند که جهاد با شمشیر با دشمنان دین اسلام حرام است، بلکه باید این تکلیف شرعی با وسایل مسالمت آمیز اعمال شود، به همین مناسبت «احمدیّه» نسبت به دولت انگلیس وفادار بوده اند.در باب مهدویّت بر آنند که مهدی (عج)، مظهر «عیسی علیه السلام» و «رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم» و چون بعضی روایات اسلامی ظهور مهدی منتظر (عج) را در اوایل قرن ۱۴ هـ ق خبر داده بودند؛ «غلام احمد» خود را «مهدی وقت» معرّفی کرد.«احمدیّه» مرجعی به نام انجمن «احمدیّه» دارند که مرکز آن «لاهور» و رئیس آن مکلّف به رسیدگی امور دینی و ارشاد پیروان است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۰۴ – «آخرین امید»، ص ۲۱۳)

اختلاف بنی عباس

در روایاتی که در کتب حدیث ثبت شده، اختلاف بنی عبّاس و انقراض دولت آنها، از علائم حتمیّه ی قبل از ظهور حضرت مهدی (عج) اعلام شده است.آنان قبل از قیام حضرت قائم (عج) از سمت خراسان منقرض خواهند شد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

اخیار

«اَخْیار» جمع کلمه ی «خَیِّر» و به معنی مردمان بسیار نیکوکار و دیندار است.در برخی از روایات یاران حضرت مهدی (عج) با عنوان «اَخْیار» خوانده شده اند. («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۳۸)

ازفت الازفَهُ

«اَزِفَتِ الازِفَهُ» یعنی «وقت ظهور فرا رسیده است».این جمله یکی از سه صدایی است که در هنگام ظهور قائم (عج)، همگان آن را می شنوند: «ای گروه مؤمنان وقت ظهور فرا رسیده است».دو صدای دیگر با این عبارات شنیده می شود: یکی «لعنت خدا بر کسانی باد که بر محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و آل محمّد علیه السلام ستم روا داشتند» و دیگری اینکه، سیمایی بر خورشید ظاهر شده، ندا می دهد: «خداوند، ولی عصر حضرت محمّد بن الحسن، مهدی را برانگیخته است، به سخنان او گوش فرا دهید و او امر او را اطاعت کنید. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۸)»

ازلی

«ازلی» منسوب به «صبح ازل» است. آیین ازلی شعبه ای منشعب از بابیّه است، که توسط «یحیی نوری» تأسیس گردید.رجوع شود به واژه: یحیی نوری

اذن سامعه

یکی از لقبهای حضرت حجّت (عج) «اُذُن سامعه» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۱)

استخاره حضرت قائم

در باب دوّم از کتاب «باقیّات صالحات» که در حاشیه ی کتاب «مفاتیح الجنان» نگاشته شده، کیفیّت استخاره ای که منسوب به امام عصر (عج) می باشد، چنین بیان شده است: «علاّمه مجلسی از پدر بزرگوارش نقل کرده که ایشان از استاد بزرگوارش «شیخ بهایی» نقل می کرد که می گفت: «چندی از مشایخ در باب استخاره با تسبیح از حضرت قائم (عج) مذاکره می کردند که حضرت فرموده است: « [هر که می خواهد با تسبیح استخاره نماید باید] تسبیح را به دست گیرد و سه مرتبه صلوات بفرستد و یک قبضه از تسبیح را بگیرد و دو تا دو تا بشمرد.پس اگر یکی باقی مانـد بجا آورد و اگر دو تا باقی مانـد بجا نیاورد.همچنین در کتاب «جواهر» استخاره ای منسوب به حضرت قائم (عج) وجود دارد و کیفیّت آن بـدین گونه است که:«بعـد از قرائت دعا یك قبضه از تسبیح را بگیرد و هشت هشت جدا کن. پس اگر یکی باقی ماند، فی الجمله نیك است، و اگر دو تا باقی ماند یك نهی از آن است و اگر سه تا ماند، اختیار دارد (که آن را انجام دهـد یا ندهـد)، چون انجام و ترك آن مساویست و اگر چهار تا ماند، دو نهی از آن است و اگر پنج تا ماند، بعضـی گفته اند که سختی و رنج دارد و بعضی گفته اند که در آن ملامت است و اگر شش تا ماند، نهایت خوب است و باید تعجیل در آن کار کرد، واگر هفت تا ماند حکمش مثل پنج تا است، و اگر هشت تا مانده چهار نهی از آن است».

استغاثه به قائم

«یکی از تکالیف بنـدگان نسبت به امام عصـر (عـج)، اسـتمداد و اسـتغاثه به آن حضـرت در هنگام شدائـد و بلاها و امراض و روی آوردن شـبهات و فتنه از اطراف و جوانب و نديـدن راه چاره است و اينكه از ايشان بخواهيم تا بلا را دفع و غم و اندوه را رفع نمايد. خود آن حضـرت در توقیعی که برای شـیخ مفید فرسـتادند، مرقوم فرمودند:«علم ما به خبرهای شـما محیط است و هیچ چیز از اخبار شما و بلایی که به شـما می رسـد از ما پوشـیده نیست («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۸)».از جمله اسـتغاثه ای که به امام زمان (عج) می شود این است که هر کجا باشی، دو رکعت نماز به حمد و هر سوره ای که خواهی می گذاری، سپس رو به قبله می ایستی و می گوید:«سَـلامُ الله الْکامِلُ التّامُّ الشّامِلُ الْعآمُّ وَ صَلَواتُهُ الدّآئِمَهُ وَ... («مفاتیح الجنان»، فصل ۷، دعاء ۱۴)رجوع شود به واژه: مسجد سهله، شیخ مفیداسحاقیّه رجوع شود به واژه: محمّد بن نصیر نمیری

اسفار تورات

«اَسفار»، یا «اسفار تورات»، یا «پنج سِفْر موسی علیه السلام»، کتابهای پنجگانه ای را گویند که در اوّل مجلّد عهد عتیق (تورات) واقع است و آن شامل: «سِـفْر خلقت» یا تکوین (پیدایش)، «سِفْر خروج»، «سِفْر لاویان»، «سِفْر اعداد»، «سِفْر تثنیه» یا استثناء است و مجموع کتـاب، نظامـات و قواعـد دین موسـی را بیان می کنـد. («فرهنگ فارسـی معین»، ج ۵، ص ۱۴۲)در روایات اسـلامی وارد شـده که حضـرت قـائم (عـج) به وسـیله ی «اسـفار تورات» بـا یهود، احتجـاج و اسـتدلال می کنـد و بسـیاری از یهودیـان مسـلمان می شونـد. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۷۱۰)رجوع شود به واژه: انطـاکیه، احتجاج قائم (عـج) با پیروان ادیان مختلفاسـماعیل بن جعفر صادق علیه السلام رجوع شود به واژه: اسماعیلیّه خالصه

اسماعیل نوبختی

«ابوسـهل، اسـماعیل بن علی نوبختی»، از دانشمندان بزرگ شیعه بوده که در سالهای ۲۳۷ تا ۳۱۱ هجری قمری می زیسته است. وی یکی از متفکّران و متکلّمان برجسته جهان تشیّع، در قرق سوّم، است که او را در شمار «فلاسفه ی شیعه» ثبت کرده اند. از وی بیش از ۳۰ تألیف، در رشته هایی چند از علوم عقلی کلامی و تحقیقی بر جای مانده است. («فلاسفه شیعه»، ص ۱۷۲)این عالم فیلسوف و متفکّر بزرگ، از اصحاب حضرت امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین کسی است که در عهد آن حضرت، به دیدار حضرت

ولی عصر علیه السلام نائل شده است.«ابوسهل» در واپسین لحظات زندگی حضرت عسکری علیه السلام به دیدار امام رفت و در حالی رسید که امام می خواستند کاسه ای را که در آن مَصْطَکی (چیزی شبیه سَقّز که از ساقه ی درخت مصطکی بیرون می آید) با آن جوشیده بود میل کند و از شدّت بیماری قادر نبودند و از فرزندش حضرت مهدی (عج) خواستند که او را یاری کند.حضرت قائم (عج) کاسه را به دست مبارک گرفته، پدر بزرگوارش را یاری کرده تا آن را تناول فرموده است. آنگاه فرمود: «مرا آماده ی نماز کنید» حضرت حجّت (عج) ایشان را یاری کرد تا اینکه وضو ساخت و خطاب به فرزند بزرگوارش فرود:«مژده باد تو را، فرزندم! تو «صاحب الزّمان»، «مهدی» و «حجّت الله» در روی زمین هستی. تو پسر و جانشین من هستی...»ابو سهل می گوید: «سخنان امام حسن عسکری علیه السلام پایان یافت و همان لحظه جان به جان آفرین تسلیم کرد.» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۶)

اسماعیلیه خالصه

«اسماعیلیّه خالصه»، نام فرقه ای است که منکر فوت اسماعیل، پسر حضرت امام صادق علیه السلام شدند و او را بعد از آن حضرت، امام حیّ و مهدی قائم (عج) می دانند. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

اسماء و القاب قائم

اسماء و القاب و کنیه های شریف حضرت مهدی (عج) که در قرآن مجید و سایر کتب آسمانی و اخبار اهلبیت علیه السلام و روایات و ادعیّه ذکر شده، فراوان است.مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری در کتاب «نجم الثاقب»، در باب دوّم، به ثبت ۱۸۲ اسم از آن بزرگوار، همّت گماشته است.اسامی مذکور در خلال این کتاب و بر اساس حروف الفباء آمده است.رجوع شود به واژه: نجم الثّاقب، اوصاف قائم (عج)

اشرط الساعهٔ

«اشرط الساعهٔ» یعنی علایم قیامت. ظهور مهدی موعود (عج) از «اشرط الساعهٔ» است. یکی از علائم و نشانه های حتمی قیام قیامت و فرا رسیدن رستاخیز، ظهور امام قائم (عج) است. مهدی صاحب الزّمان (عج) پیش از قیامت می آید و تا او نیاید و حکومت عدل را در جهان برپای ندارد، عمر جهان به سر نمی رسد، و قیامت برپا نمی گردد. («خورشید مغرب»، ص ۲۶۹)اشعث رجوع شود به واژه: ثقیف

اصحاب قائم

یکی از مسائل غیر قابل انکار در پیروزی ها و حرکتهای انقلابی حضور مردم در صحنه است. مردم با رهبری و هدایت پیشوای خود می توانند به سر منزل مقصود برسند. همچنین تا زمانی که این حضور آگاهانه و قاطع و با امید و توکّل به خدا باشد، رهبر انقلاب با خیالی آسوده گامهای پیروزی را سریعتر بر می دارد. در این رهگذر قیام جهانی مهدی موعود (عج) که جهان را به تکاپو واخواهد داشت، مستثنی از این قاعده و قانون کلّی نیست.البتّه در قیام قائم (عج) هر کسی لیاقت این را ندارد که در زمره ی اصحاب آن حضرت قرار گیرد.در روایات به وفور نامی از یک گروه ۳۱۳ نفری به میان آمده است که این افراد از نژاد «عجم» هستند و برخی از آنها بدون وعده ی قبلی در مکّه به حضور امام قائم (عج) شرفیاب می گردند. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۹۲)در قرآن کریم، این کتاب انسان ساز و حرکت آفرین در رابطه با یاران نمونه ی حضرت مهدی (عج) یک آیه ی بسیار امید بخش و سازنده وجود دارد. در سوره ی مائده آیه ی ۵۴ خداوند به طور مستقیم، مؤمنان را در مورد خطاب قرار داده و می فرماید:«ای مؤمنان هر کس از

شما مرتّد شده و از اسلام بیرون رفت، خداوند در آینده جمعیّتی را می آورد که دارای این پنج امتیاز هستند:۱- هم خداوند آنها را دوست دارد و هم آنها خدا را دوست دارند.۲- در برابر مؤمنان خاضع و مهربانند.۳- در برابر مشرکان و دشمنان، سرسخت و نیرومندند.۴- به طور پی گیری در راه خدا جهاد و تلاش می کنند.۵- در مسیر انجام وظیفه از سرزنش هیچ سرزنش کننده ای نمی هراسند. این فضل خدا است که به هر کس بخواهد (و شایسته ببیند) می دهد، فضل و رحمت خدا وسیع است و او بر همه چیز آگاه است.»در روایات برای این آیه مصادیق مختلفی بیان شده، از جمله اینکه: این آیه در مورد یاوران حضرت قائم (عج) است که با این ویژگیها با تمام قدرت، در مقابل مرتّدین و کارشکنان می ایستند، و برای بر قراری حکومت عدل امام منتظر (عج) و بر قراری عدالت در کلّ جهان تلاش می کنند. («مجمع البیان»، ج ۳، ص ۲۰۸)و در عبارتی امام صادق علیه السلام فرمود:«صاحب این امر (حضرت مهدی (عج)) در پرتو این آیه (در حمایت چنین یاران آگاه و دلاور) محفوظ است («تفسیر برهان»، ج ۱، ص ۴۹۷)».همچنین در وصف اصحاب قائم (عج) به واژه هایی مانند اوتاد، عصائب، ابدال، اعاجم، رفقاء و نجباء بر می خوریم، که با توجّه به معانی این عناوین با ویژگیهای اصحاب صاحب العصر (عج) نیز آشناتر می شویم. («حضرت مهدی، فروغ...»، ص ۲۰۷)در این کتاب، درباره هر کدام از عناوین، به ترتیب حروف الفباء، توضیح داده شده است.رجوع شود به واژه: سیصد و سیزده نفر، ایرانیان و قائم (عج)

اصحاب کهف

«اصحاب کهف»، جمعیّت با ایمانی بودند که خداوند بزرگ را پرستش می کردند، امّا ایمان خود را از دستگاه شاه جبّار مکتوم می داشتند. آنان به غاری پناه بردند و سالهای متمادی به قدرت خداوند در آنجا به خواب رفتند و پس از گذشت آن سالهای طولانی بیدار شدند و پس از مدّتی در همان جا رحلت کردند.داستان «اصحاب کهف» در قرآن کریم (سوره کهف) ذکر شده است. (برای آگاهی بیشتر ر.ک به «تفسیر نمونه»، ج ۱۲، ص ۳۵۲)در روایات مربوط به ظهور حضرت قائم (عج) آمده است که «اصحاب کهف» از یاران ایشان در آخر الزّمان و هنگام خروج خواهند بود. («المجالس السنیه»، ج ۵، ص ۷۱۰)

اصل

«اصل»، از اسماء شریف ولی عصر (عج) است. حضرت مهدی (عج)، اصل هر علم و خیر و برکت و فیض هستند و هیچ حقّی در دست احدی نیست، مگر آنکه ناگزیر به آن حضرت منتهی شود، و نعمتی به احدی نمی رسد مگر به خاطر ایشان. و مرجع و پناهگاه بندگان در دنیا و برزخ و آخرت هستند و حضرت قائم (عج) مقصود اصلی از خلقت جمیع عوالم می باشند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۶)

اصهب

«اَصْهَب»، نام یکی از سه گروه دارای پرچم است که در آخر الزّمان، در شام بر علیه امام قائم (عج) خروج می کند. این مطلب در حدیثی از امام باقر علیه السلام نقل شده که فرمود:«در شام سه گروه دارای پرچم، خروج می کنند: اَصْهَب، اَبْقَع و سفیانی.» («اعلام الوری»، ص ۴۲۸)سفیانی ابتدا با «اَبْقَع»، برخورد می کند و می جنگد و پیروان وی را می کشد و سپس «اَصْهَب» را هم می کُشد. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۳۷)

اعاجم

«اعـاجم» عنوان گروهی از یـاران حضـرت مهـدی (عـج) است. «اعـاجم» یعنی غیر عربها، چنانکه هم اکنون نیز ما نشانه هایش را در ایران، افغانسـتان و پاکسـتان و... می بینیم، امام زمان (عـج) یاران بسـیار مقاوم و خسـتگی ناپذیر و مخلص در این کشورهای عجمی دارد. همین افراد می توانند هسـته ی مرکزی ارتش نیرومند امام عصـر علیه السـلام را در کشور های عجمی تشکیل دهند و سپس به توسعه ی آن اقدام جدّی کنند. («حضرت مهدی، فروغ...»، ص ۲۴۱)افریس رجوع شود به واژه: زندافریس

اقامتگاه قائم در غیبت کبری

از روایات معصومین علیهم السـلام استفاده می شود که امام قائم (عج) هم اقامتگاه مخصوص و هم همسر و هم فرزند دارد.در مورد اقامتگاه آن حضـرت و فرزندان و بستگان و یاران مخصوص، چندین مکان مانند: مدینه، دشت حجاز، کوه رضوی، کرعه، خرابات، سرزمین هـای دور دست، جزیره ی خضـراء و... گفته شـده است. همچنین آن حضـرت همه سـاله در مراسم حـج شـرکت می کنـد. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۱)امام هادی علیه السـلام در باره ی اقامتگاه قائم (عـج) فرمود: «حضـرت مهدی (عج) و فرزندانش در جزیزه هـایی بسیار بزرگ و پهنـاور در دریـا زنـدگی می کنـد و عـدد شـیعیان آنجـا بسـیار زیـاد اسـت». («اثبـاة الهـداة»، ج ۷، ص ۵۸)آنگونه که از داستان مفصّل و معروف «انباری» بر می آید، «جزایر مبارکه» از اقامتگاههای قائم (عج) است. این جزایر شامل پنج جزیره به نامهـای: مبـارکه، زاهره، صـافیه، ظلوم و عنـاطیس است که همگی مسـلمان و شـیعه هسـتند، و بر آنها پنـج نفر از فرزنـدان حضرت صاحب الزّمان (عج)، حکومت می کنند که نامهای آنها طاهر، قاسم، ابراهیم، عبدالرحمن و هاشم است. (خلاصه ی داستان انبـار در کتاب «اثباة الهـداة»، ج ۳، ص ۵۷۹، نقل شـده است)«بَلَد مهدی»، یکی دیگر از اماکن سـکونت حضـرت ولی عصـر (عج) اسـت. «بَلَـد مهـدی» شـهری نیکـو و محکـم اسـت، کـه آن را مهـدی فـاطمی بنـا کرده و برای آن قلعه ای قرار داده است. («العبقری الحسان»، ج ۱، بساط ۳، ص ۵۸)در آخرین مطلب از باب هفتم کتاب «نجم الثاقب»، اینگونه آمده است:«مسکن آن جناب (حضرت قائم (عـج)) در جزیره ی خضـراء است، در بحرابیض، از جزایر خالدات مغربیّه، معروف به خرابات، برکوهی که در دو فرسـخی این بلـده ی مبـارکه است و سایر جزایر مثل علقمیّه و ناعمه ی مبارکه و صالحیّه و بیضاویّه و نوریّه که حاکمنـد در آنها امرای آن جناب که از فرزندان اویند:وَ اذا ارَأَیْتَ ثَمَّ رَأَیْتَ نَعیماً وَ مُلْکَاً کَبیراً. (انسان/۲۰): (و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پُر نعمت و کشوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت.)از بررسـی مجموع احادیث اسـتفاده می شود که حضرت مهدی (عج) اقامتگاه و فرزندان بسـیاری دارند که همه از اولیاء و صُلَحا و شرفا هستند، امّا سِمَت امامت ندارند، که امامت منحصر به دوازده معصوم است و جایگاه واقعی آن حضرت بر همگان پوشیده است.رجوع شود به واژه: همسر قائم (عج)

اقدس

«اقـدس» نـام کتاب «حسـینعلی نوری» ملقّب به «بهاء الله» است که درباره ی احکام دین خود و به زبان عربی نگاشـته است.او در این کتـاب بیشتر احکـام دین «بـاب» را که سر به افتضـاح برداشـته، و باعث مسـخره ی خرد و کلان بود، نسـخ کرد، و چیز بهتری که به عقلش می رسـید جای آن گذاشت.بهاءالله درباره ی کتاب «اقدس» خود، معتقد بود که آن را مانند قرآن نوشته است.رجوع شود به واژه: بهاء الله، باب

اکمال الدین و اتمام النعمهٔ

کتاب «اکمال الـدّین و اتمام النّعمـهٔ»، تألیف «محمـد بن علی بن بابویه» معروف به «شـیخ صـدوق» (متوفّی ۳۸۱ هـ ق) است.محتوای کتاب ارزشـمند «اکمال الدین...» بر مأخذ اصلی شیعه «الاصول الاربعمأهٔ» که قبل از سال ۲۶۰ هـ ق، توسط امام صادق علیه السلام و

دیگر امامان گرد آوری شده، تکیه دارد. شیخ صدوق به خاطر این که پدرش «ابن بابویه» از فقهای عالیقدر و وکیل امام علیه السلام در قم بوده، توانست اطّلاعات موثّقی را درباره ی ارتباطات پنهانی بین وکلاء و امام قائم (عج) به وسیله ی چهار سفیر ارائه دهد. وی همچنین فصلی را درباره ی معمّرینی که بیش از صد سال عمر کرده اند، اختصاص داده، تا طول عمر امام دوازدهم (عج) را توجیه کند.مرحوم «صدوق» می نویسد: «کتاب خود را زمانی که در نیشابور بوده جمع آوری و انشاء کرده است، زیرا غیبت امام عصر (عج) موجب حیرت و تحیّر در بین اکثریت شیعیانی که او را ملاقات می کردند، شده و در نتیجه باعث انحراف آنها گردیده بود».رجوع شود به واژه: البرهان علی صحهٔ طول عمر الامام صاحب الزمان (عج)، ابن بابویه

امام حسن عسکری

حضرت امام حسن عسکری علیه السلام پدر بزرگوار امام عصر (عج) و امام یازدهم شیعیان است. ایشان در روز جمعه هشتم ربیع الثّانی سال ۲۳۲ هـ ق در مدینه متولّد شد.اسم شریف آن حضرت «حسن» و کنیه اش «ابو محمّد» و مشهور ترین القابش «زکی» و «عسکری» است. به آن حضرت و همچنین پدر و جدّش «ابن الرّضا» هم می گفتند.پدرش امام علی النّقی علیه السلام بود و مادر آن حضرت «حدیث» و به قولی «سلیل» بوده و او را «جدّه» می گفتند.ایشان شش سال امامت کرد و در سنّ ۲۸ سالگی در اوّل اذان صبح روز جمعه، هشتم ربیع الاوّل سال ۲۶۰ هجری بر اثر مسمومیّت توسط «معتمد»، خلیفه ی عباسی (لعنهٔ الله علیه) در منزل شخصی خود در سامراء به شهادت رسید و در کنار پدر بزرگوارش به خاک سپرده شد.مهدی موعود (عج)، یگانه فرزند امام حسن عسکری علیه السلام است. این مطلب در ۲۹۳ حدیث (ر.ک به احادیث مهدویّت، در همین کتاب موارد ۱۶ و ۱۷) تصریح شده است. سنّ مبارک حضرت قائم (عج) در هنگام شهادت پدر بزرگوارش، چهار سال و پنج ماه و هفت روز بوده است. («منتخب التواریخ»، ص ۸۵۷)رجوع شود به واژه: احادیث مهدویّت

امام زمان

یکی از القابی که حضرت مهدی (عج) را با آن می خوانند و بسیار هم شایع است، لقب «امام زمان (عج)» است. شاید این لقب بر گرفته از این حدیث معروف نبوی باشد که:«مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ اَمامَ زَمانُهُ، ماتَ مَیْتَةً جاهلیَّةً («اصول الکافی»، ج ۱، ص ۳۷۵): کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیّت است»و شاید به این دلیل که در این دوره از زمان، هیچ امام حیّ و حاضر دیگری به جز حضرت مهدی (عج) فریادرس و امید بی پناهان نیست، ایشان را با لقب «امام زمان» ندا می کنند.رجوع شود به واژه: مرگ جاهلی

امیر الامره

یکی از القاب حضرت قائم (عج)، «امیر الاَمَره» است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام را نیز به همین لقب می خوانند. امام صادق علیه السلام، بعد از ذکر پاره ای از فتنه ها و جنگها و آشوبها فرمود: «دجّال خروج می کند و بسیاری را گمراه می سازد و در این هنگام، «امیر الاَمَره» و «قاتل الکَفَره» و «سلطان المأمول»، خروج می کند». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۱)

انتظار فرج

انتظار به معنی آینده نگری، و به معنی ناراضی بودن از وضع موجود، و به راضی شدن از آینده ی بهتر، است و انتظار فرج یعنی آماده بودن برای ظهور امام زمان (عج) و تشکیل دولت حقّه ی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم و حکومت جهانی آخرین

سفیر الهی، انتظار فرج یعنی مهیّا ساختن روح و جسم خود، برای روزی که با طلوع پیشوای غائب جهان، گشایش در کلیّه ی شئون زندگی بشریّت پدید می آید، روزی که تمام بدبختیها، ناکامیها، بیدادگریها و ظلمها از میان می رود. و فقر و تنگدستی، بیکاری و بیماری و بالاخره تمام مصائب و ناراحتیها یکباره و برای همیشه رخت از جان بر می بندد و به وسیله ی آن حضرت، حکومت عدل واحد جهانی در سراسر گیتی بر قرار می گردد، و برای چنین روزی باید خیلی انتظار کشید و امیدوار بود.در همین رابطه امام صادق علیه السلام می فرماید:«کسی که دوست دارد از یاران قائم (عج) باشد، باید در انتظار ظهور باشد، و حتماً باید کارهایش بر اساس تقوی، پاکی و اخلاق نیک باشد، چنین کسی منتظر امام (عج) است. در این راه بکوشید و آماده باشید، گوارا باد بر شما ای جوانمردان که رحمت خدا با شما است». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۴۰)انتظار فرج امام عصر (عج) از برترین اعمال شمرده می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم در همین زمینه فرمود:«اَفْضَلُ اَعْمالِ اُمَّتِی اِنْتِظارُ الْفَرَجِ مِنَ اللهِ عَزَّ وَجَلَ: بهترین و برترین اعمال امّت من انظار فرج (مهدی موعود (عج)) از نزد خدای عزیز و جلیل است». (همان مدرک، ص ۱۲۸)همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس از شما، در حال انتظار ظهور حاکمیّت خدا درگذرد، مانند کسی است که در خدمت قائم (عج) باشد و در خیمه ی او... نه بلکه مانند کسی است که در رکاب قائم (عج) بجنگد، نه به خدا سوگند، بلکه مانند کسی است که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم شهید شده باشد». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۲۶)و نیز امام علی علیه السلام فرمود:«اِنتِظارُ الْفَرَجِ بِالصَّبرِ، عِبادَةٌ: چشم به راه فرج (رسیدن گشایش الهی) داشتن، با صبر و بردباری، عبادت است» (همان مدرک، ص ۱۴۵)

انطاکیه

در احادیث اسلامی آمده است که «حضرت مهدی (عج)»، نخست به «انطاکیه» می رود، و از غاری در آنجا، تورات موسی)(نسخه ی اصلی)، را بیرون می آورد... عصای موسی علیه السلام و انگشتری سلیمان نیز در آن غار است». (همان مدرک، ص ۳۹۰)آنچه در مآخذ، درباره ی انطاکیه آمده است، با موضوع یاد شده، مناسبت دارد: «...انطاکیه ی کنونی (انطاکیه، در جنوب ترکیه، بر رود اورونتس، نهر العاصی، ۲۲ کیلومتری ساحل مدیترانه قرار دارد)، فقط قسمت کوچکی از انطاکیه ی قدیم را اشغال کرده است. از شهر قدیم، باروها، آباره، تئاتر و قلعه ای باقی است. در کاوشهایی که در آنجا و در اطرافش به عمل آمده، موزائیکهای عالی، از شش قرن اوّل میلادی، به دست آمده است.جام بزرگ انطاکی، که در ۱۹۱۰ به دست آمده، به زعم بعضی، همان جام مقدّس است». («خورشید مغرب»، پاورقی ص ۲۹۵)

انگشتری سلیمان

«انگشتری سلیمان علیه السلام» همان انگشتر و مُهر حضرت سلیمان علیه السلام است که گویند اسم اعظم الهی بر آن نقش بسته بود و سلطنت وی بر اِنس و جِن، وابسته آن بود، و دیوی، به شکل حضرت سلیمان علیه السلام، آن انگشتری را به دست آورد و چندی سلطنت کرد تا بار دیگر، انگشتری به دست حضرت سلیمان علیه السلام افتاد و سلطنت خود را باز یافت. نامهای دیگر آن: «خاتم جم»، «خاتم جمشید»، «انگشتری جم» و «انگشتری جمشید» است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۹۰)یکی از خصائص حضرت قائم (عج) در هنگام ظهور، دارا بودن انگشتری سلیمان علیه السلام است. امام رضا علیه السلام در ضمن روایتی فرمود: «قائم (عج) کسی است که هر گاه خروج کند... انگشتری سلیمان علیه السلام و عصای حضرت موسی علیه السلام، همراه اوست». («اعلام الوری»، ص ۴۰۷، – «کشف الغمه»، ج ۳، ص ۴۴۵)رجوع شود به واژه: انطاکیه، عصای حضرت موسی علیه السلام

اوتاد

کلمه ی «اوتاد» جمع «وَتَد» به معنی میخ است. خداوند در قرآن کریم می فرماید:«وَ الْجِبالَ اَوْتاداً (نبأ/۷): ما کوهها را میخهای زمین قرار دادیم».امّا «اوتاد» مورد نظر در اینجا، طبق روایات به سی نفر از کسانی که همواره در خدمت امام قائم (عج) به سر می برند، و هر کدام از آنها که از دنیا بروند، فرد شایسته ی دیگری جانشین او می گردد، گفته می شود. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۸)از پیوند دو مطلب، نتیجه می گیریم که این یاران از مردان بسیار خالص و دلاور هستند که همچون کوهِ استوار، در خدمت آن حضرت به سر می برند.

اوصاف قائم

درباره ی مقام شامخ و اوصاف و ویژگیهای امام عصر علیه السلام در روایات فراوان، نامهای گوناگونی دیده می شود که نوشتن همه ی آنها در یک جا و توضیح و دلیل انتخاب آن اوصاف و القاب جزوه ای جداگانه می طلبد. بیشترین اوصاف در ادعیّه و زیارات وارد شده است. در ذیل برخی اوصاف ذکر می شود:حاصد فروغ الغی و الشقاق – طامس آثار الزیغ و الاهواء – قاطع حبایل الکذب و الافتراء – طالب بذحول الانبیاء و ابناء الانبیاء – طالب بدم المقتول بکربلاء – منصور علی من اعتدی علیه و افتری – فاتق کل رتق – محقق کل حق – مبطل کل باطل – محیی المؤمنین و مبیر الکافرین – مهدی الامم – سفینهٔ النجاهٔ – التقی – حافظ اسرار رب العالمین – معدن علوم النبویهٔ – حجهٔ الله فی ارضه – الرضی – باب الله و خازن کل علم – شاهد الله علی عباده – سبب المتصل بین الارض و السماء – حجهٔ المعبود و کلمهٔ المحمود – صاحب الصمصام – قاصم الشوکهٔ المعتدین – منیر الحق – مؤمل لاحیاء الکتاب و حدوده – قائم بقسط الله – معز الاولیاء و مذل الاعداء – الزکی – دین المأثور – جامع الکلم – بقیهٔ الله من الصفوهٔ منتجبین – النقی – عین الله فی خلقه – عین الحیوهٔ – قمرالزاهر – السیف الشاهر – صاحب الشرف – وتر الموتور – مؤلف شمل الصلاح و الرضا – عَلَم المنصوب – خلف السلف – وارث الانبیاء – العدل المشتهر – هادم ابنیهٔ الشرک و النفاق – مُدَّخِرُ لتجدید الفرایض و السنن – مفرج الکرب و مزیل الهَمّ – نور الباهر – صدر الخلایق ذوالبرّ و التَقوی – جامع الکلمهٔ علی التقوی – متخیر لاعادهٔ الملهٔ و الشریعهٔ – مبید اهل الفسوق و العصیان و الطغیان – الکتاب المسطور – فائز بامر الله – خالق الهامّ – شمس الظلام و بدر التمام – مستأصل اهل العناد و التضلیل و الالحاد – صاحب یوم الفتح و ناشر رایهٔ الهدی – عین الله الناظره – وجه الله الذی الیه یتوجه الاولیاء – ربیع الانام– نضرهٔ الایام – امنیهٔ شایق یتمنّی من مؤمن و مؤمنهٔ.رجوع شود به واژه: اسماء و القاب قائم (عج)

اوقات مخصوص قائم

در باب یازدهم کتاب «نجم الثاقب» به توضیح درباره ی اوقات مخصوص قائم (عج) پرداخته شده است. در اینجا تنها عناوین این اوقات ذکر می شود:شب قدر، روز جمعه، روز عاشورا، از وقت زرد شدن آفتاب تا غروب آن در هر روز، عصر دوشنبه، عصر پنجشنبه، شب و روز نیمه شعبان و روز نوروز.

اوقیدمو

از اسماء حضرت ولی عصر (عج)، «اوقیدمو» است. «میرزا محمّد نیشابوری» در کتاب «ذخیرهٔ الالباب»، معروف به «دوائر العلوم» ذکر کرده که اسم آن حضرت در تورات به لغت ترکوم، «اوقیدمو» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۸)

اهداف قیام قائم

مقصود از «هدف» قیام قائم (عج)، چیزی است که آن حضرت برای دست یافتن به آنها با تحقق آنها حرکتی جدّی را آغاز خواهد

کرد. فهرستی از اهـداف مقدّس به این صورت است:۱- احیـای اسـلام که بر اثر کجرویها زنگار گرفته است.۲- تأمین قسط و عدل اجتماعی و اجرای قانون شرع.۳- اصلاح جامعه و به حرکت در آوردن امّت.۴- حاکم ساختن حقّ و نیرو بخشیدن به حق پرستان.۵- احیای سنّت نبوی و سیره ی علوی.۶- از بین بردن بـدعتهای جاهلانه.۷- آزاد سازی اراده ی ملّت از محکـومیّت سلطه و زور.۸- آگـاه ساختن مسلمانان و افشای ماهیّت واقعی جبّاران.۹- از بین بردن سلطه ی اسـتبدادی خودکامگان بر جهان اسلام.۱۰- تأسیس یک مکتب عالی تربیتی و شخصیّت بخشیدن به جامعه.این هدفها، هم در اندیشه و عمل حضـرت قائم (عج) جلوه گر خواهد بود و هم در یاران و سـربازانش. (اهـداف مـذکور همان اهـداف عاشوراست، زیرا حسـین علیه السـلام و مهدی (عج) پیروان یک مکتبند. ر.ک به «فرهنگ عاشورا»، ص ۶۲)

اهل سنت و انتظار

انسان مسلمان که به قرآن کریم معتقد است، و آن را، کتاب خدا می داند، و به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم معتقد است و او را پیـام آور و وحی می دانـد، و تعـالیم او را تعالیم الهی می شـناسد، بایـد به «مهـدی (عـج)» و «انتظار» معتقـد باشـد، و به «آداب انتظار» عمل کند و خویشـتن را برای چنان ظهور عظیم، آماده سازد.توجّه و تأمّل در این همه حدیث نبوی و اقوال صحابه و تابعین و این همه راوی و سـند و کتـاب و تـألیف و قول و تصـریح و این همه محتوای غنی و مسلّم قرآن کریم، ایجاب می کنـد، که سراسـر جهـان تسـنّن، از وجـود ایـن ولیّ بزرگ الهی غافـل نماننـد، و همـه ی آنـان، از هر مـذهب و در همه کشـور دارای این جهـان بینی اسـلامی، یعنی: اعتقـاد به ظهور قـائم (عـج)، برای نـابود کردن ظلم جهان، باشـند و ماننـد شـیعه، توجّهات و توسّـلاتی نیز به ساحت اعلای آن امام، داشته باشـند.علمای بزرگ اهل سنّت، در زمینه ی مهـدویّت کتابهای خاصّ نوشـته و منتشر کرده انـد و برخی در کتابهایشان، بخشـی را به این موضوع عظیم اختصاص داده اند، که این خود بیانگر اهمیّت انتظار در بین اهل سنّت است. («خورشید مغرب»، ص ۸۵)

ایرانیان و قائم

در روایتی می خوانیم، هنگـامی که از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلّم در مورد آیه ی ۵۴ سوره مائـده سؤال کردند، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلّم دست خود را بر شـانه ی سـلمان فارسـی نهـاد و فرمود: «منظور از این یاران، هموطنان این شـخص هستند».سپس فرمود:«لَوْ کانَ الدّینُ مُعَلَّقاً بِالثُّرَ یّا لِتَناوَلَهُ رِجالٌ مِنْ اَبْناء الْفارْسِ: اگر دین به ستاره ی ثریا بسته باشد و در آسمانها قرار گیرد، مردانی از فـارس آن را در اختیار خواهنـد گرفت («نورالثقلین»، ج ۱، ص ۶۴۲)(در بعضـی از روایات بجای دین، «علم» آمده اسـت. («حلیه»، ج ۶، ص ۶۴))طبق بعضـی از روایات آن ۳۱۳ نفر از یاران مخصوص حضـرت مهـدی (عج) از عجم هسـتند. («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۹۲)شـگفت نیست که چشـمت به این دیار افتد که بهترین رقم انتظار، ایرانی استرجوع شود به واژه: اصـحاب قائم (عج)

ایزدشناس

«ایزدشناس» و ایزدنشان»، دو نام حضرت ولی عصر (عج) در نزد «مجوس» است. شیخ بهایی، در «کشکول» فرموده که «فارسیان» آن حضرت را به این نام می خوانند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۵۸)ایزدنشان رجوع شود به واژه: ایزدشناس

ایدی

«اَیْدی» از القاب حضرت قائم (عج) است. ظاهراً مراد از «ایدی» که جمع «ید» است، در اینجا، به معنی نعمت باشد.شیخ صدوق در «اکمال الدین» و ابن شهر آشوب در «مناقب»، از امام کاظم علیه السلام روایت کرده اند که حضرت در تفسیر آیه ی شریفه ی:«وَ أسْبَغَ عَلَیْکُمْ نِعَمَهُ ظاهِرَهً وَ باطِنَهً (لقمان/۲۰): و (خداوند) نعمتهای ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان گردانیده است». فرمود: «نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطنه، امام غایب است و در مواضع بسیاری از قرآن، نعمت به امام عیه السلام تفسیر شده است (نجم الثاقب، باب دوّم، ص ۶۱)».

ایستاده

«ایستاده»، از اسامی حضرت صاحب الزمان (عج) است. در کتاب «ذخیرهٔ الالباب» ذکر شده که، «ایستاده»، نام آن حضرت در کتاب «شاکمونی» («شاکمونی» از بزرگان کفّار هند به شمار می رفته و به گمان آنان پیامبر آسمانی بوده است) است.(نجم الثاقب، باب دوّم، ص ۵۸)

ایقان

کتاب «ایقان» از آثار «میرزا حسینعلی نوری»، معروف به «بهاء الله» است.او این کتاب را در بغداد پیش از تبعید به ترکیه نوشته است و هر کس آن را مطالعه کند، گمان می کند، مؤلّف آن یک نفر صوفی عارف مسلک بسیار غلیظ است.وی همچنین صاحب کتاب «اقدس» است.رجوع شود به واژه: بهاء الله، اقدسحضرت مهدی (عج)طَلَبُ الْمَعارِفِ مِنْ غَیْرِطَریقِنا اَهْلِ الْبَیْتِمُساوِقٌ لِاِنْکارِناجُستجوی معارفجُز از راه ما خاندان پیامبر،برابر با انکار ما خواهد بود.«دین و فطرت جلد۱»

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ب» آغاز می شود

باب

سیّد علی محمّد شیرازی معروف به «باب»، فرزند سید محمّد رضای بزّاز در سال ۱۲۳۵ هـ ق در شیراز متولّد شد. او چندین بار سرِ درس سیّد کاظم رشتی، شاگرد شیخ احمد احسایی، (که خود در ادّعاهای عجیب و غریب مهارتی بسزا داشت و یک دسته از طلّاب افراطی در درس وی اجتماع می کردند) حاضر شد و مورد توجّه او قرار گرفت. پس از فوت سیّد کاظم، مورد توجّه عدّه ای از شاگردان او گردید. در سن ۲۵ سالگی (۱۲۶۰ هـ ق) تحوّلی در فکر او ایجاد شد و نخست دعوی «بابیّت» و سپس دعوی «مهدویّت» کرد. از این به بعد به «علی محمّد باب» یا «سیّد باب» مشهور گشت.او مردم را پنهانی به ارادت خویش دعوت می نمود و می گفت: «من باب الله هستموَ أتُواْ الَبُیُوتَ مِنْ اَبْوابِها (بقره/۱۸۹): و از در خانه ها وارد شوید».در مدّتی اندک ۱۸ تن به او گرویدند و آنان به «حروف حیّ» («حیّ» به حروف ابجد، معادل عدد است. به این ترتیب که ح = ۸ و ی = ۱۰) موسومند. او به مرید های خاصّش می گفت: «من آن مهدی صاحب الامر هستم»، سال بعد در مکّه معظّمه دعوت خود را اظهار نمود و گفت:«علی علیه السلام و محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم دو کس بودند، اینک آن هر دو منم، لذا نام من علی و محمّد است». وی بدعتهای زیادی در دین خدا گذارد، بعد به طرف شیراز آمد.بعدها دعوت او بالا گرفت و به سبب شورشهای پیاپی در مازنداران، زنجان و نیریز گروه بسیاری از بابیان به قتل رسیدند. به دستور میرزا تقی خان امیر کبیر و موافقت ناصر الدین شاه، در تبریز مجلس مباحثه ای بین علماء و «باب» و باحضور ولیعهد شاه تشکیل شد و سرانجام علماء حکم به قتل «باب» دادند.بالاخره او را در روز دوشنبه بیست و هفتم شعبان المعظّم سال ۱۲۶۶ هـ ق در میدان مشق تبریز به دار آویخته شد و بدنش را هدف گلوله کردند و جسدش را چند روز

در میان شهر گردانیدند. آنگاه در بیرون دروازه شهر انداختند و خوراک جانوران ساختند. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۲۲ – «منتخب التواریخ»، باب ۱۴، ص ۸۶۸)

بابی

«بابی» (بابیّه) نام فرقه ای است که «سیّد علی محمّد شیرازی» معروف به «سیّد باب» تشکیل داد.رجوع شود به واژه: باب

باسط

«باسط» از القاب حضرت ولی عصر (عج) است. «باسط» یعنی فراخ کننده و گستراننده.فیض آن حضرت، چنانچه خود ایشان فرمودند، مانند آفتاب به همه جا رسیده و هر موجودی از آن بهره دیده و در ایّام حضور و ظهور، عدلش چنان منبسط و عام شود که گرگ و گوسفند با هم چرا کنند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

بئرمعطله

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بئرمعطّله» است. علی بن ابراهیم در تفسیر خود، از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در تفسیر آیه شریفه ی:«... وَ بِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَ قَصْرٍ مَشِیْدٍ (حج/۴۵): و چه بسیار چاه پر آب که بی صاحب ماند، و چه بسیار قصرهای محکم و مرتفع».فرمود: «که این مَثَلی جاری برای آل محمّد علیه السلام است. «بئرمعطّله» چاهی را گویند که از آن، آب کشیده نمی شود و همچنین آن امامی که غایب شده است».پس، از او تا وقت ظهور، علمی اقتباس نمی شود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۲)

بتریه

«بتریّه» نام یک گروه است که با حضرت مهدی (عج) به مبارزه می پردازند. حضرت قائم (عج) پس از ظهور، از مکّه به مدینه آمده و در آنجا همراه دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه رهسپار می شوند.در کوفه حدود ده هزار نفر که «بتریّه» نام دارند، جلوی آن حضرت را می گیرند و به او می گویند، از همانجا که آمده ای برگرد، ما نیازی به فرزندان فاطمه (س) نداریم، امام (عج) با آنها می جنگد و همه ی آنها را به هلاکت می رساند، آنگاه وارد کوفه شده و هر منافق شکّاک را می کشد، و کاخ های عظیم ظلم را ویران می سازد، و جنگ افروزان را به قتل می رساند تا خداوند خشنود گردد.این روایت از امام باقر علیه السلام هم نقل شده است. («اِعلام الوری»، ص ۴۳۲)

بحارالانوار

«بحارالانوار فی اخبار الائمۀ الاطهار»، کتاب ارزشمندی از علاّمه ی مجلسی است. این کتاب به زبان عربی و شامل ۲۶ جلد است.علاّمه ی مجلسی درباره ی کتابش می گوید: «من نظر به اینکه این کتاب مشتمل بر انواع علوم و حکمتها و اسرار است، و از مراجعه به تمام کتب بی نیاز کننده می باشد آن را بحارالانوار (دریای نور) جامع گوهرهای اخبار ائمه ی اطهار، نامیدم».علاّمه، جلد سیزدهم (چاپ جدید «بحارالانوار» در ۱۱۰ جلد منتشر شده که جلد های ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ چاپ جدید، همان جلد ۱۳ چاپ قدیم است) کتاب گرانسنگ خود را به «حضرت مهدی (عج)» اختصاص داده است. اکثر قریب به اتّفاق کتب مهدویّت، از این اثر مهم اقتباس کرده اند.

بحرالعلوم

«سیّد محمّـد مهـدی طباطبایی بروجردی» ملقّب به «علاّمه ی بحرالعلوم» (دریای دانشها)، در سال ۱۱۵۴ هـ ق در کربلا متولّد شد. بحرالعلوم از علماء بزرگ شیعه است که به دیدار حضرت قائم (عج) در زمان غیبت کبری نائل شد. («بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۳۰۲ و ۲۳۶) وی متوفّی سال ۱۲۱۲ هـ ق در نجف اشرف است.از او آثاری باقی مانده است. از جمله: «الاثنا عشریات»، «اجتماع الامر و النهی»، «اصالهٔ البرائت» و «تاریخ مکّه و مسجدالحرام». («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۲۲۴)

براق

«بُراق»، شتر سواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است. حضرت صاحب العصر (عج) هنگام ظهور و خروج به عنوان نشانه ای، آن را همراه خود خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

برهان الله

از اسماء شریفه ی حضرت مهدی (عج)، «برهان الله» است. این نام در کتاب «انکلیون» آمده است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

البرهان علی صحهٔ طول عمر الامام صاحب الزمان

یکی از شش (پنج کتاب دیگر عبارتست از: ۱- الغیبهٔ اثر نعمانی ۲- الغیبهٔ اثر شیخ طوسی ۳- اکمال الدین و اتمام النعمهٔ اثر شیخ صدوق ۴- الفصول العشرهٔ فی الغیبهٔ اثر شیخ مفید ۵- مسأله وجیزهٔ فی الغیبهٔ اثر سیّد مرتضی) کتابی که می توان آن را اساس عقائد بعدی امامیّه در موضوع غیبت دانست و یکی از مآخذ اصلی غیبت به شمار می رود، کتاب «البرهان علی صحهٔ طول عمر الامام صاحب الزمان (عج)» تألیف «محمّد بن علی کراجکی»، (متوفّی ۴۴۹ هـ ق) یکی از شاگردان بر جسته ی شیخ مفید است.او در رساله ی خود همان روش استاد خود را دنبال کرده است، و در آن اسامی بسیاری از افراد را ذکر می کند که سنّ آنها بالاتر از طول عمر افراد عادی بوده است، هدف او همچون شیخ مفید و شیخ صدوق این بود که ثابت کند، طول عمر امام دوازدهم در دوران غیبت امر خارق العاده نبوده است.

بزوفری

«ابو عبدالله، حسن بن علی بن سفیان بزوفری»، از کسانی است که معلوماتش را مستقیماً یا با واسطه ی نوّاب خاص از خود حضرت قائم (عج) فراگرفته، و از نائبان و وکلاء خاصّ آن حضرت به شمار می رفته است. («آخرین امید»، ص ۱۱۹)

بشربن سلیمان نخاس

«بشربن سلیمان نُخّاس» (برده فروش)، از فرزندان ابوایّوب انصاری و از شیعیان خاصّ امام علی النّقی علیه السلام و امام حسن عسکری علیه السلام و همسایه ایشان در سامراء بود.امام علی النقی علیه السلام وی را با دویست و بیست اشرفی همراه با یک نامه به خطّ فرنگی و لغت فرنگی و مهر شریف خود که بر آن زده بود، روانه ی بغداد کرد تا کنیزی (ملیکه) را با فلان صفت خریداری کند. او چنین کرد و ملیکه را به خانه ی امام علیه السلام آورد. او بعدها مادر منجی عالم بشریّت امام قائم (عج) شد.رجوع شود به واژه: ملکیه

بقیة الانبیاء

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بقیة الانبیاء» است.حکیمه خاتون می گوید: «مولد قائم (عج) شب نیمه ی شعبان بود. آن حضرت را به نزد برادرم، حسن بن علی علیه السلام آوردم. ایشان دستی بر روی فرزندش کشید و فرمود: «سخن بگو! ای «حجة الله» و «بقیّة الانبیاء» و «نور الاصفیاء» و «غوث الفقراء» و «خاتم الاوصیاء» و «نورالاتقیاء» و «صاحب کُرَة البیضاء» و «المصباح الشدید الضیاء» و «خلیفة الاتقیاء» و «نورالاوصیاء» و... («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۴)»

بقیة الله

«بقیّة الله» از نامهای حضرت مهدی (عج) است. مردی خدمت امام صادق علیه السلام عرض کرد که آیا هنگام سلام به حضرت قائم (عج) به ایشان «یا امیرالمؤمنین» بگوئیم؟ امام صادق علیه السلام فرمود: «نه این اسمی است که خداوند با آن، حضرت علی علیه السلام را نامیده و قبل و بعد از او احدی به این نام نامیده نمی شود مگر آنکه کافر باشد.»آن شخص کفت: «پس چگونه به آن حضرت سلام کنیم؟»امام صادق علیه السلام در جواب فرمود: «بگوئید«السَّلامُ عَلَیْکَ یا بَقیَّةُ الله»آنگاه آن حضرت آیه ی:«بَقِیَّةُ اللهِ خَیْرٌ لَکُمْ إنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنین (هود/۸۶): آنچه خدا برای شما باقی می گذارد بهتر است، اگر واقعاً به خدا ایمان دارید» را قرائت فرمود». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۱)«بقیّة الله خیراً لکم» که گفته خدای توئی توئی، به تو ای نازنین امام، سلام

بکمینابدو

در کتب مهدویّت آمده است که «بکمینابدو» یکی از شاهدان حضرت قائم (عج) در هنگام خروج خواهد بود. و او از اصحاب کهف است. («نجم الثاقب»، ص ۱۵۸)رجوع شود به واژه: تمنیحا

بلالی

«ابو طاهر، محمّد بن علی بن بلال» معروف به «بلالی» از وکلاء امام زمان (عج) در دوران غیبت صغری است. وی را از جمله کسانی دانسته اند که شیعیان امامیّه به عنوان راوی احادیث شهرت دارد و علاوه بر آن در زمره ی وکلای اصلی بغداد بود و با امام دهم و یازدهم روابط نزدیکی داشت.بلالی، نیابت «محمّد بن عثمان» را انکار کرد و مدّعی شد که خود، وکیل امام غائب (عج) است، او وجوهات امام را در نزد خود نگاهداشت و از ارائه آن به «محمّد بن عثمان» سرباز زد ادّعای او موجب انشعابی جدّی در میان امامیّه شد، زیرا عدّه ای از امامیّه همچون برادرش «ابوطیّب» و ابن حِرزْ ادّعای او را پذیرفته و از او پیروی می کردند. این انشعاب پس از اندک زمانی از بین رفت.

بلدالامین

از القاب حضرت مهدی (عج)، «بَلَدُالاَمین» است. «بَلَدُالاَمین» یعنی قلعه ی محکم خداوند که کسی نمی تواند بر آن تسلّط پیدا کند. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)بَلَدِ مهدی رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

بنده یزدان

«بنده ی یزدان»، یکی از نامهای شریف حضرت ولی عصر (عج) است. این نام در کتاب «ایستاع» آمده است. (همان مدرک)

بنی اسرائیل

«بنی اسرائیل» (اسراء)، هفدهمین سوره ی قرآن کریم است که ۱۱۱ آیه، ۱۵۳۳ کلمه و ۶۴۶۰ حرف دارد. («دانستنیهای قرآن»، ص ۱۹۵)درباره ی فضیلت قرائت سوره بنی اسرائیل، امام صادق علیه السلام فرمود: «هر کس در هر شب جمعه، سوره ی بنی اسرائیل را بخواند نمی میرد تا به خدمت امام قائم (عج) برسد و از اصحاب آن حضرت باشد». («تفسیر برهان»، ج ۲، ص ۳۸۹) (لازم به توضیح نیست که قرائت همراه با درک معانی و مضامین و انجام اعمال نیک و خدا جویانه مثمرثمر واقع می شود نه قرائت خشک و بی روح)بودای پنجم رجوع شود به واژه: بوداییان و انتظار

بوداییان و انتظار

چنانکه در پاره ای از کتب و مآخذ آمده است، در دین بودایی نیز، مسأله ی انتظار مطرح است. گفته اند در این آیین نیز انتظار هست و شخص مورد انتظار بوداییان، «بودای پنجم» است.

بهاء الله

«بهاء الله»، لقب «میرزا حسینعلی بن میرزا عبّاس نوری» است. وی در سال ۱۲۶۰ هـ‌ق، به واسطه ی «ملّا حسین بشرویه ای» در تهران خبر دعوت «باب» را شنید و به یاری او قیام کرد. در واقعه ی سال ۱۲۶۸ هـ ق (تیر اندازی به طرف ناصر الدین شاه از طرف بابیان)، بهاء الله با گروهی از بابیان دستگیر و زندانی شد. او پس از چهار ماه به عراق تبعید شد و مدت یازده سال در بغداد به تبلیغ بابیّه مشغول بود. بهاء الله در بغداد، خود را «مَنْ یُظْهِرُ الله» و «موعود بیان» («بیان» نام کتابی از «باب» است) خواند. در سال ۱۲۷۹ هـ‌ق او را به استانبول و پس از چهار ماه به اَدِرْنِه و پس از ۵ سال به عکّا (فلسطین) تبعید کردند و او در سرباز خانه ی عَکّا زندانی بود تا اینکه، در سال ۱۳۰۹ در گذشت.بهاء الله کتابهایی هم نوشته است. از جمله: ایقان، اقدس، جواهر الاسرار، هفت وادی، کلمات مکنونه. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۴۶۲)رجوع شود به واژه: بیان

بهایی

«بهایی»، آیینی منشعب از بابیّه است. مؤسس آن «بهاء الله»، و جانشینان او را «بهایی» گویند.رجوع شود به واژه: بهاء الله

بهرام

«بهرام»، از اسماء شریف حضرت مهدی (عج)، در کتاب «مجوس» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

بیان

«بیان»، نام کتاب «سیّد علی محمّد شیرازی» معروف به «باب» است. وی، «بیان» را کتاب آسمانی می دانست و عقیده داشت که این کتاب را خداوند بر او نازل کرده و باید مردم مطابق آنچه در آن است، عمل کنند.او هر چه به ذهن آشفته اش می رسید، بدون فکر و تأمّل و بی درنگ به قلم می آورد و به سرعت می نوشت. به همین جهت آثار او آنچنان آشفته و نامفهوم و در هم و برهم و مغلوط است که خود بهاییان هم از افشاء و نقل آن جداً خود داری می کنند. («مهدی موعود»، مقدّمه ص ۱۵۷)رجوع شود به واژه: باب

بیت الحمد

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که: برای صاحب این امر (حضرت مهدی (عج)) خانه ای هست که آن را «بیت الحمد» گوینـد و در آن چراغی روشـن اسـت، از آن روز که متولّـد شـد، تـا روزی که بـا شمشـیر خروج کنـد، خـاموش نمی شـود («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۴)»

بیت المقدس

«بیت المقدّس» یکی از سرزمینهای مقدّس از نظر اسلام است. «مسجد الاقصی» که دوّمین معراجگاه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است، در این شـهر قرار داد.در حـدیثی از امام علی علیه السـلام، در ضـمن خطبه ی طولانی فرمود: «حضـرت مهدی (عج) با یـارانش از مکّه به بیت المقـدّس می آینـد و در آنجـا بین آن حضـرت، با دجّال و ارتش او جنگ واقع شـده و دجّال و لشـکریانش شکست را متحمّل می شوند». («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۴۲ و ۱۷۶)

بیداء

«بَیْداء»، نام سـرزمینی ما بین مکّه و مدینه است. در زمان ظهور حضرت قائم (عج)، در این سرزمین، لشکر سفیانی که به سیصد هزار نفر می رسند، به امر خداوند در زمین فرو می روند و نابود می شوند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)بیضاویّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

بیوح

در حـدیثی از امام رضا علیه السـلام روایت شـده است که فرمود: «پیش از این امر (قیام حضـرت مهـدی (عج)) کشـتار «بیوح» روی خواهد داد».راوی گوید، پرسیدم: «بیوح چیست؟»حضرت فرمود: «جنگ پیوسته ی بدون قطع شدن است («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۸۲)».

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «پ» آغاز می شود

پرچم ارتش قائم

پرچم در یک سپاه نشانه ی پویایی آن است و مادامیکه در میـدان نبرد برافراشـته باشـد، نشان دهنده ی ادامه ی قیام و باز نایسـتادن لشکر، از حرکت است.همانگونه که مرسوم است، روی برخی از پرچم ها جملاتی نوشته می شود که بیان کننده ی دیدگاه و سخن حاملان، و کسـانی که تحت آن پرچم می جنگنـد، می باشـد.در روایات اسـلامی آمـده که روی پرچم ارتش قائم (عـج) این جمله نوشته شده است:«اَلْبَیْعَةُ لِلّهِ: بیعت مخصوص خداست («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ص ۳۸)»

پرچم رسول اکرم

از جمله خصائص حضـرت ولی عصـر (عـج) این است که در هنگام ظهور، پرچم رسول گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و سـلّم، همراه ایشـان خواهـد بود.آنچه از روایـات رسـیده این است که این پرچم از برگ بهشتی تهیّه شـده و جبرییل در روز جنگ بـدر بر

پیامبر نازل کرد. پس از جنگ، پیامبر آن را پیچید و به حضرت علی علیه السلام داد. آن حضرت پرچم را در روز بصره باز کرد و آن گاه آن را پیچید و بعد از آن حضرت کس دیگری جزء امام قائم (عج) آن را پس از خروج باز نخواهد کرد. («نجم الثاقب»، باب سوّم، ص ۱۷۰)

پرچمهای سیاه

از روزگاران قدیم که سخن از مهدی منتظر (عج) به میان آمده، و در احادیثی که در این زمینه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه ی طاهرین علیهم السلام رسیده است، از «رایات سود خراسان» (یعنی پرچمهای سیاه که از سوی خراسان (ایران) می آید و مردمی که با آن پرچمها حرکت می کنند) گفتگو شده است.طبق روایات آنان در شمار یاران مهدی (عج) در می آیند، و او را یاری می کنند، تا حکومت جهانی عدل و داد را پی ریزد و بر سر کار آورد.در روایتی آمده: «هر گاه دیدید که رایات سود (پرچمهای سیاه) از سوی خراسان (ایران) آمدند، خود را به آن پرچمها برسانید، اگر چه خویشتن را به روی برف بکشید، زیرا، مهدی خلیفهٔ الله، در میان آنان است». («عقدالدرر»، ص ۱۲۵)برخی از اهل سنّت گفته اند: «مقصود از این پرچمهای سیاه، پرچمهای اصحاب مهدی (عج) است، نه پرچمهای سیاهی که با «ابومسلم خراسانی» بود». («خورشید مغرب»، ص ۳۱۹)

پرویز

«پرویز» به معنی «مظفّر» و «منصور» و از اسماء حضرت مهدی (عج) است. این نام در کتاب «برزین آزر» فارسیان ذکر شده است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۳)

پسر انسان

کلمه ی «پسرِ انسان»، طبق نوشته ی مسترهاکس آمریکایی، در کتاب خود، «قاموس کتاب مقدّس» ۸۰ بار در انجیل و ملحقّات آن (عهد جدید) تکرار شده که فقط ۳۰ مورد آن با حضرت عیسی علیه السلام قابل تطبیق می باشد. ۵۰ مورد دیگر از نجات دهنده ای سخن می گوید که در آخرالزّمان ظهور خواهد کرد، عیسی علیه السلام نیز با او خواهد آمد و او را جلال خواهد داد و از ساعت و روز ظهور او جز خدا کسی اطّلاع ندارد و او کسی جز حضرت مهدی (عج) نمی باشد. («آخرین امید»، ص ۱۹۵)

پیشرفت علم و قیام قائم

در زمان حکومت حضرت ولی عصر (عج)، پیشرفت صنعتی همچنان ادامه می یابد و اگر صنایع به صورت عوامل تخریبی و ویرانگر در آیند، اسلام و حکومت قائم (عج) شدیداً با آن مخالفت می کند.حکومت صاحب الزّمان (عج) مؤیّد پیشرفتهای همه جانبه صنعتی است که در خدمت بشر و عدالت و امنیّت و آسایش و آزادی به کار می رود.امام صادق علیه السلام در رابطه با اوج پیشرفت در آن زمان، فرمود: «در عصر قائم (عج)، مؤمنی که در شرق جهان است برادرش را که در غرب جهان است می بیند، و به عکس مؤمنی که در غرب جهان است برادرش را که در شرق جهان است، می بیند». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۹۳)همچنین در جای دیگر می فرمایند: «علم بیست و هفت حرف است، آنچه تا به امروز پیامبران آورده اند، دو حرف بیش نبوده و مردم تا امروز غیر از این دو حرف بقیّه ی آن را نشناخته اند. پس هر گاه قائم ما (عج) خروج کند، بیست و پنج حرف دیگر را بیرون می آورد و آنها را در میان مردم پراکنده می کند و دو حرف دیگر را به آنها ضمیمه کرده و بدین ترتیب بیست و هفت حرف را منتشر می نماید». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۸)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ت» آغاز می شود

تابوت سکینه

«تابوت سکینه»، صندوقی است که حضرت موسی علیه السلام به امر حق تعالی، از چوب شطیم ساخت. طول آن سه قدم و نُه قیراط و عرض و ارتفاعش دو قدم و سه قیراط بود.بیرون و اندرونش را به طلا پوشیده کرد. آن تابوتی بود که به عدد هر پیغمبری خانه ای از زبرجد سبز در آن بود، آخرین خانه ها، خانه ی حضرت رسالت صلی الله علیه و آله و سلّم بود.آن تابوت را، «تابوت شهادت» و «تابوت عهد» هم گفته اند. («لغت نامه ی دهخدا»، چاپ جدید، ج ۴، ص ۵۳۳۵)در روایات اسلامی ذکر شده که آن تابوت هنگام ظهور قائم (عج) همراه ایشان خواهد بود، که از غاری در «انطاکیه» بیرون آورده است. («المجالس السنّیه»، ج ۵، ص ۷۱۰) و به روایتی دیگر، تابوت در «دریاچه ی طبریه» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۶)

تالی

«تالی» در لغت به معنی «تابع و دنباله رو» است، که از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده می شود. (همان مدرک، ص ۶۵)

تأیید

«تأیید»، از القاب حضرت مهدی (عج) ذکر شده و به معنی نیرو و قوّت دادن است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)

تراث رسول خدا

حضرت قائم (عج) هنگام قیام و ظهور در جبهه ی جنگ با دشمن، غرق در اسلحه است. زره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در تن و شمشیر ذوالفقار، در دست و کلاهخود آن حضرت را بر سر دارد. («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۸۹)از امام صادق علیه السلام نقل شده که فرمود: «تُراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم به قائم (عج) می رسد».یکی از یاران پرسید: «تُراث چیست؟»حضرت فرمود: «شمشیر، زره، عمامه، لباس بُرد، شلّاق و اسب و زین و آلات جنگی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است.» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۴۲)

تسبیح قائم

تسبیح حضرت حجة (عج) از هجدهم، تا آخر هر ماه است، و تسبیح آن حضرت این است:«سُبْحانَ اللهِ عَدَدَ خَلْقِهِ، سُبْحانَ اللهِ رِضا نَفْسِهِ، سُبْحانَ اللهِ مِدادَ كَلَماتِهِ سُبْحانَ اللهِ زِنَةَ عَرْشِهِ وَ الْحَمْدُ لِلّهِ مِثْلَ ذلِكَ: پاک و منّزه است خداوند به تعداد مخلوقاتش، پاک و منزّه است خداوند تا آنگاه که خشنود گردد، پاک و منزّه است خداوند به شمارش موجوداتش، پاک و منزّه است خداوند به اندازه ی وزن عرش او، و حمد و سپاس مخصوص خداوند است، همانند این مقادیر». («صحیفةالمهدی»، ص ۱۹)

تلفظ نام مقدس حضرت قائم

این سؤال بین جمعی از محدّثان و راویان مطرح است که آیا تلفّظ به نام مقدّس حضرت قائم (عج) جایز است یا خیر؟مشهور بین جمعی از محدّثان و راویان آن است که تکلّم به نام اصلی امام عصر (عج) حرام است. ولی تلفّظ به القاب آن حضرت مانند مهدی،

حجّت، قـائم و... حرام نیست.حـال این سؤال مطرح است که آیا این حکم مخصوص زمان غیبت صـغری بوده است یا در هر زمان و مکانی، تا موقعی که آن حضـرت ظهور کنـد، حرام است؟ و یا اینکه حرمت تلفّظ نام مقدّس آن حضـرت بسـتگی به موارد خاصّـی ماننـد تقیّه و ترس دارد که اگر مـوارد ترس و تقیّه نباشـد جـایز است؟ و آیـا این مسـأله اختصـاص به حضـرت حجّت (عـج) دارد یا درباره ی سایر ائمه علیهم السـلام نیز جاری است؟دانشـمند معروف شـیعه شـیخ حرّ عاملی در کتاب «وسائل الشـیعه» می گویـد: «در مورد تقیّه و خوف، تلفّظ به نام آن حضرت حرام است و در غیر موارد تقیّه و خوف حرام نیست».روایاتی را که در این موضوع به ما رسیده می توان به ۴ بخش تقسیم کرد:۱- تلفّظ نام مبارک حضـرت ولیّ عصـر (عـج) به طور مطلق (در هر زمان و مکانی و در هر شرایطی) بی آنکه جـای تقیّه باشـد، حرام است.امـام صادق علیه السـلام در این رابطه، فرمود:«صاحِبُ هـذا الاَمرِ لا یُسَـمِّیهِ بِاسْـمِهِ اِلاّ کـافِراً: نـام مبارک صاحب این امر (حضـرت مهـدی (عـج)) را هیـچ کس جز شـخص کافر نمی برد». («وسائل الشـیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۶)همچنین مرحوم صدوق از «محمّد بن عثمان عمری» نقل می کند که گفت: «برایم دستخطی پدیدار شد که با آن دستخط آشنا بودم (که نویسـنده اش حضـرت ولی عصـر (عج) است) به این عبارت:مَنْ سَـمَّانِی فِی مَجْمَعٍ مِنَ النَّاسِ فَعَلَیْهِ لَعْنَةُ اللهِ: کسـی که در میان اجتماع مردم، نام مرا ببرد، لعنت خدا بر او باد». (همان مدرک، ص ۴۸۹)۲- نام بردن آن حضرت تا موقعی که قیام کند، ترک شود، امام هادی علیه السلام درباره ی حضرت صاحب الزّمان (عج) فرمود: «یاد کردن حضرت قائم (عج) به نام جایز نیست، تا وقتی که قیام کنـد و زمین را همانگونه که پر از ظلم و جور شـده، پر از عدل و داد نمایـد». («حضـرت مهدی (عج) فروغ...»، ص ۱۴۲)۳- پوشانـدن نـام حضـرت مهـدی (عـج) بـه خـاطر امر تعبّـدی خـاص نیسـت، بلکـه تنهـا به ملاـک تقیّه (بـا آن شـرایطی که دارد)، می باشد.هنگامی که از امام حسن عسـکری علیه السـلام درباره ی امام عصر (عج) سؤال شد، ایشان فرمودند:«اگر آنها را (مردم) به اسم مهدی (عج) آگاه سازید، آن را ظاهر می سازند و اگر مکانش را بشـناساند، بر ضدّ او اقدام می کنند». («وسائل الشیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۷)شـیخ حرّ عاملی پس از نقل این حدیث می گوید: «این حـدیث دلالت بر این دارد که نهی ائمّه اطهار علیهم السـلام از نام بردن حضـرت مهـدی (عـج) مخصـوص مـواردی است که خـوف از ضـرر و بروز فسـاد باشـد».۴- خـود ائمّـه ی اطهـار علیهـم السـلام یا اصـحابشان در موارد متعـدّدی آن حضـرت را به نـام یـاد کرده انـد.در حـدیثی می خوانیم که وقتی همسـر امام حسن عسـکری علیه السـلام باردار شـد، امام حسن علیه السـلام به او فرمود:«سَـتَحْمِلِینَ وَلَـداً وَ اِسْـمُهُ مُحَمِّدُ وَ هُوَ الْقائِمُ مِنْ بَعْدِی (همان مدرک): بزودی پسـری را حمل می کنی که نامش «محمّـد» است و قائم بعـد از من اوست».امام باقر علیه السـلام فرمود:«پدرم از پدرش نقل کرد که امام علی علیه السـلام روی منبر فرمود: «در آخرالزّمان مردی از فرزنـدانم خروج و قیام می کند». پس اوصاف و احوال حضـرت قائم (عـج) را تشـریح کرد و آنگـاه فرمود:«لَهُ اِسْـمانِ، اِسْمُ یُخْفی فَاَحْمَـدُ وَ اَمّا الَّذی یَعْلِنُ فَمُحَمَّدٌ... (همان مـدرک): او دو نام دارد یک نامش پنهان است که احمد می باشد و امّا نامی که آشکار است، محمّد است»این روایت دلالت دارد بر اینکه تصریح به نام حضرت به گفتن «محمّد» حتّی بالای منبری جایز است.نتیجه اینکه ممنوعیّت نام بردن آن حضرت بستگی به وجود ملاک تقیّه دارد، ولی در غیر تقیّه مانند امثال ما بنابر تحقیق حرام نیست. («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ۱۳۷ الی ۱۶۱)

تمام

«تمام» در کتاب هـدایه از القاب حضـرت مهـدی (عـج) شـمرده شـده است و معنی آن روشن است چرا که آن حضـرت در صـفات حمیـده و کمال و افعال و شـرافت نسـبت و شوکت و رأفت، تامّ و تمام و بی عیب و نقص است. و شاید مراد از تمام، متمّم و مکمّل باشد، زیرا با آمدن آن حضرت خلافت و ریاست الهی در زمین تمام می شود. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)

تمنیحا

«تمنیحا» نام یکی از یاران اصحاب کهف است که طبق روایات، هنگام خروج حضرت قائم (عج) جزو یاران آن حضرت خواهد بود. («نجم الثّاقب»، باب سوّم، ص ۱۵۸)رجوع شود به واژه: بکمینابدو

توقیع

«توقیع» در لغت یعنی: نشان گذاشتن، امضاء کردن نامه و فرمان، نوشتن عبارتی در ذیل مراسله و کتاب، امضاء، دستخط. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۱، ص ۱۱۶۹)حضرت قائم (عج) به مناسبتهای گوناگون برای آگاهی نوّاب اربعه (در زمان غیبت صغری) و به ندرت برای افراد مورد اعتمادشان (در زمان غیبت کبری) (به عنوان نمونه، توقیعاتی که حضرت قائم (عج) برای «شیخ مفید» و «علاّمه حلّی» نگاشته اند) مطالبی را در توقیعاتی بیان می فرمودند. یکی از مهمترین توقیعات حضرت قائم (عج) که سندی است برای ردّ هر گونه ادّعای مهدویّت، توقیعی است که برای «علی بن محمّد سِمّیُری» مرقوم فرمودند.وقتی که وفات «علی بن محمّد» نزدیک شد و به او گفتند: بعد از خود چه کسی را وصیّ خود می نمایی؟ توقیعی از مهدی موعود (عج) به خطّ مبارکش در جواب آنان خارج شد که مضمون آن، اینگونه بود:بسم الله الرحمن الرحیمای علی بن محمّد سِمّیُری! خدا اجر برادران تو را درباره ی مصیبت تو بزرگ کند! تو تا مدّت شش روز دیگر رحلت خواهی کرد، خود را برای موت آماده نما! کسی را وصیّ خود نکن که جانشین تو گردد! زیرا غیبت کبری شروع شده، ظهوری در کار نخواهد بود تا آن موقعی که خدای توانا بعد از مدّت طولانی و قساوت قلبها و پر شدن زمین از ظلم و ستم اجازه ی ظهور دهد!بزودی عدّه ای ادّعا می کنند که مرا مشاهده نموده اند، کسی که قبل از خروج سفیانی و صیحه ی آسمانی ادّعا کند که مرا مشاهده کرده، دروغ می گوید و افترا می زند.وَلاحولُ وَلا قُوَّةَ الاَّ بِاللهِ الْعَلِیِّ الْعَظْیم». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۸)

تولد قائم

حضرت مهدی (عج) در شب جمعه، نزدیک اذان صبحِ روز پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هـ‌ق در زمان حکومت معتمد عباسی، به هنگام قِران اکبر، در برج قوس، به طالع ۲۵ درجه از برج سرطان، در شهر سامرّا متولّد شد. («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۳۷ - «ینابیع المودّة»، ص ۴۵۲)برخی ولادت حضرت حجّت (عج) را سال ۲۵۶ هـ ق ذکر کرده اند. اقوالی که در سال ولادت آن حضرت ذکر شده، در این بیت آمده است:مولد نور حق امام زمان (عج) «نور» یا «نهر»، سال آن میدان(بر اساس «حروف ابجد»، کلمات «نور» و «نهر» به ترتیب بیانگر اعداد ۲۵۶ و ۲۵۵ هستند)تولّد آن حضرت را جز عدّه ای خاص نمی دانستند و برای نوع دوم مخفی بود، تا مبادا مورد گزند طاغوتیان غاصب و ستمگر زمان قرار گیرد.حکیمه خاتون عمّه ی امام حسن عسکری علیه السلام می گوید: «روز پنجشنبه، شب نیمه ی شعبان، به منزل برادرم رفتم. هنگام مراجعت، امام عسکری علیه السلام فرمود: «عمّه جان! امشب را نزد ما باش، امشب فرزندی متولّد می شود که خداوند زمین را به علم و ایمان و هدایت او زنده گرداند». بالاخره ماندم. صبح صادق حالت اضطراب در نرجس خاتون پدید آمد، او را در بر گرفتم، امام علیه السلام فرمود: سوره ی قدر را بخوان، مشغول خواندن سوره ی قدر شدم، شنیدم که آن کودک در شکم مادر، در خواندن سوره با من همراهی می کند. در این موقع پرده ای بین من و آنها افکنده شد، دیگر نرجس را نمی دیدم، از آنجا سراسیمه دور شدم و نزد امام علیه السلام آمدم.امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: برگرد، برگشتم. در نرجس نوری را مشاهده کردم که دیده ام را خیره کرد و امام زمان (عج) را دیدم، رو به قبله به سجده افتاده، سپس دستش را بلند کرده و می گفت:«أشْهَدُ أنَّ لا الهَ إلاّ الله، وَحْدَهُ لا شَریکَ لَه وَ انْ جَدّی رَسولُ الله وَ اَنْ ابی امیرَ الْمؤمِنینَ وَصیِّ رَسولُ الله»بعد یکایک امامان را شمرد تا به خودش رسید و فرمود:«اللّهُمَّ اَنْجِزْلی وَ عَدْتَنی وَ اتْمَمْ لی اَمْری وَ ثَبِّتْ وَ طَأتی وَ امْلَاء الْاَرْضِ بی عَدلاً و قِسْطاً»: (خداوندا وعده ی نصرت که به من فرموده ای وفا کن و امر خلافت و امامت مرا تمام کن و استیلاء

و انتقام را از دشـمنان ثابت گردان و زمین را به سـبب من از عدل و داد پر کن)او را نزد پدر بردم، همینکه نظرش بر پدر افتاد سـلام کرد. حضـرت او را به دست گرفت، و زبان مبارک بر دو دیـده اش مالید و در دهان و هر دو گوشـش زبان گردانید و او را بر کف دست چپ نشانیـد و دست چپ نشانیـد و دست بر سـرش کشـید و فرمود: ای فرزنـد! به قدرت الهی سـخن بگو.صاحب الامر (عج) اسـتعاذه کرد و فرمود:«بسم الله الرحمن الرحیم، و نُریـدُ اَن نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْـعِفوا فِی الارْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ وَ نُمَکِّنَ لَهُمْ فِی الاـرْضِ و نُرِیَ فِرعَونَ وَ هامانِ وَ جُنودَ هُما مِنْهُمْ ماکانوا یَحْـِذَرونَ» (قصـص/۵و۶): اراده ی ما بر این قرار گرفته اسـت که به مستضـعفین، نعمت بخشـیم و آنها را پیشوایان و وارثین روی زمین قرار دهیم، حکومتشان را پابرجا سازیم و به فرعون و هامان و لشـکریان آنها آنچه را بیم داشـتند از این گروه نشان دهیم.امام قائم (عـج) هنگامی که متولّـد شـد، پاك بود و هیچگونه آلودگی نداشت و در بازوی راستش این آیه نوشته بود:«وَ قُلْ جاءَ الحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ، انَّ الباطِلَ کانَ زَهوقاً» (اسراء/۸۱): (و بگو حق آمده و باطل نابود شد، حتماً باطل نابود شدنی است.)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ث» آغاز می شود

ثائر

«ثـائر» از القـاب امـام قـائم (عـج) است. «ثائر» اسم فاعل از «ثار» است. «ثار» در لغت به معنای خون، کینه کشـی، انتقام و خونخواهی است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۱، ص ۱۱۸۵)نامگـذاری امام عصـر (عج) به ثائر به خاطر همین قیام برای کینه خواهی است که تا قصاص ننماید آرام نگیرد. حضرت مهدی (عج) روزی که ظهور کند، مطالبه ی خون جدّ بزرگوار خود، بلکه خون جمیع اصفیاء را خواهـد کرد. در دعای ندبه، در اوصاف حضـرت منتظر (عج) آمده است:«أیْنَ الطّالِبُ بِذُحولِ الانْبیاءِ وَ اَبْناءِ الانْبیاءُ، ایْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتولَ بَکَربَلاـء»رسـل را چـو ابنـاء محزونشـان کجـا هسـت آن طـالب خونشـانبخون شـهید طـف کربلاـ کجـا هسـت آن طـالب مه لقاهمچنین در زیارت عاشورا، این آرزو آمده است:«وَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثاری (ثارِکُمْ) مَعَ اِمامٍ هُدیً ظاهِرٍ... وَ اَنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ اِمامٍ مَنْصورٍ»شعار یاران حضـرت ولی عصـر (عـج) هم، «یا لَثاراتِ الْحُسَـیْن» خواهد بود. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۵)رجوع شود به واژه: یا لَثاراتِ الْحُسَیْن

ثقیف

«ثقیف» نام مسـجدی است. امام باقر علیه السـلام در ضـمن حدیثی فرمود:«وقتی که قائم قیام کرد، به کوفه می رود و چهار مسجد را در آنجـا ویران می نمایــد. هر مســجدی کـه در زمیـن مشـرف (بر خـانه هـای مردم) باشــد، ویران می کنـد و راههـا را وسـیع می نمایـد».گویـا منظور چهار مسـجدی است که دشـمنان اهلبیت علیهم السـلام هر یک از آنها را برای تشویق به نام یکی از دشـمنان یا شرکت کنندگان در خون امام حسین علیه السلام ساختند. آنها عبارتند از:۱- مسجد ثقیف (به نام مغیرة بن شعبه ی ثقفی)۲- مسجد اشعث (به نام اشعث بن قیس، سر کرده ی منافقین)۳- مسـجد جُریر (به نام جریر بن عبدالله، مخالف امام علی علیه السلام)۴- مسجد سمّاك (به نام سمّاک بن مخزومه اسدی، از فرمانروایان جنگ صفّین)» («تهذیب»، ج ۲، ص ۲۵۰)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ج» آغاز می شود

جابر

در کتاب هـدایه، «جابر»، از القاب حضـرت مهـدی (عـج) ذکر شده است. «جابر» در لغت یعنی: «درست کننده» و «شکسـته بند».این

لقب از خصایص آن حضرت است که فرج اعظم و گشایش همه ی کارها و جبر همه ی دلهای شکسته وخرسندی همه ی قلوب پژمرده و انبساط خاطر همه ی نفوس محزون و شفای همه ی امراض مزمن مخفی، به وجود مبارک او است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۶۷)

جابلسا

«جابُلْسا» شهری در غربی ترین نقطه ی دنیا و «جابُلْقا» شهری در شرقی ترین نقطه ی دنیا معرّفی شده است.سهروردی در «حکمهٔ الاشراق» آنها را در اقلیم هشتم جای داده و شهرزوری در شرح آن، «جابلسا» را مظهر و مجلای جمیع حقایق اسماء الهیّه دانسته است. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۴۱۶)گفته اند اهل آن شهرها از انصار حضرت قائم (عج) هستند. پیوسته از خداوند مسألت می کنند که ایشان را از انصار دین خود قرار دهد.حتّی در زمان ائمه ی اطهار علیهم السلام دیگر هم نام این دو شهر بوده است. از جمله کلماتی که حضرت سیّد الشهداء روز عاشورا در میدان جنگ فرمود، این بود:«والله ما بین جابلسا و جابلقا، غیر از من پس پیغمبری نیست». («منتخب التواریخ»، باب ۱۴، انتهای فصل ۴)جابلقا رجوع شود به واژه: جابلسا

جارودیه

«جارودیّه»، شعبه ای از فرقه ی «زیدیّه هستند. آنان در پیرامون امام آینده، حضرت مهدی (عج)، به چند دسته تقسیم می شوند:۱- گروهی از آنان معتقدند که کسی برای آینده به امامت نامزد نشده است و هر کس از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام و امام حسین علیه السلام به شمشیر قیام کند و مردم را به دین اسلام تبلیغ کند، وی امام خواهد بود.۲- گروهی عقیده دارند که «محمّد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابیطالب» معروف به «نفس زکیه» (که به روزگار منصور، خلیفه عبّاسی خروج کرد و در سال ۱۴۵ هـ ق در سن ۳۵ سالگی کشته شد)، زنده است و بر زمین سلطنت می کند و مهدی (عج) آینده خواهد بود.۳- عدّه ای از آنان منتظر آمدن «محمّد بن قاسم بن علی بن عمر بن حسین بن علی علیه السلام»، فرمانروای طالقان (که در روزگار معتصم، خلیفه ی عبّاسی در طالقانِ خراسان خروج کرد و کشته شد)، هستند و او را مهدی موعود (عج) می دانند.۴- گروهی دیگر چشم به راه «ابوالحسن، یحیی بن عمر بن یحیی بن حسین بن زید بن علی بن حسین علیه السلام»، (که یکبار در زمان حکومت متوکّل، خلیفه ی عبّاسی، و بار دیگر در زمان مستعین بالله، دیگر خلیفه ی عبّاسی، خروج کرد و این بار توسط «محمّد بن عبدالله بن طاهر» کشته شد) هستند و معتقدند که وی در کوفه نمرده و کشته نشده است». («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۲۹۸ و ۲۹۹)

جامعه

«جامعه»، نام کتابی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم، آنچه تا روز قیامت پدید می آید را در آن ذکر کرده است.شیخ بهایی در «شرح اربعین» فرموده: «اخبار بسیاری رسیده که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم دو کتاب به املاء امیرالمؤمنین علیه السلام به نام «جَفْر» و «جامعه» باقی گذارده که آنچه تا روز قیامت پدید آید در آن است».شیخ کلینی در «کافی» روایات بسیاری از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام نقل کرده که آن دو کتاب نزد امام زمان (عج) است. آن دو کتاب پیوسته در نزد ائمّه بوده و هر امامی آن را از امام پیش از خود به ارث می برده است. («مهدی موعود»، پاورقی ص ۴۸۵)

جبرییل

«جبرییل» یکی از چهار فرشته ی مقرّب اسلام و حامل وحی الهی برای انبیاست. جبرییل یک کلمه ی عربی به معنی «مرد خدا»

است.پس از اینکه امام قائم (عج) متولّد شد، امام حسن عسکری علیه السلام، آن حضرت را به جبرییل (روح القُدُس) که به صورت مرغی (پرنـده ای) ظاهر شـده بود، داد تا از او مواظبت کنـد و هر چهل روز یکبار به نزد آنها بیاورد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۱)همچنین در روایات اسلامی است که به هنگام ظهور مهـدی موعود (عج) جبرییل در پیشاپیش سپاه آن حضـرت حرکت خواهد کرد. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۷۱۰)جُرِیر رجوع شود به واژه: ثقیفجزایر مبارکه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

جعفر

در کتاب «الغیبـهٔ» شیخ نعمانی، دو خبر از حضـرت امام محمّـد باقر علیه السـلام است که در آنجا «جعفر» از القاب حضـرت مهـدی (عج) شمرده شده است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۶۶)

جعفر بن احمد

«جعفر بن احمد بن متیل»، از مؤمنین معتمد و از دوستان نزدیک «محمّد بن عثمان» (سوّمین نایب خاصّ امام زمان (عج)) بود. برخی گمان می کردند که «محمّد بن عثمان» امر وکالت و سفارت امام قائم (عج) را بعد از خود، به او خواهد داد.چون هنگام درگذشت «محمّد بن عثمان» فرا رسید، «جعفر بن احمد» در بالای سر او و «حسین بن روح» در پایین نشسته بودند. «محمّد بن عثمان» در آن حال، به «جعفر بن احمد» رو کرد و گفت:«من مأمور شدم که حسین بن روح رو وصیّ گردانم و امور را به او واگذارم».چون «جعفر بن احمـد»، این سخن را شنید، از جای خود برخاست، و دست «حسین بن روح» را گرفت، و او را در بالای سر «محمّد بن عثمان» نشانید، و خود در پایین پای او نشست. («خورشید مغرب»، ص ۴۶)

جعفر کذاب

حضـرت امام هادی علیه السـلام، دارای پنج فرزند به نامهای حسـین، محمّد، علیّه و امام حسن عسکری علیه السلام بود. در میان این فرزنـدان، چون جعفر بسیار ناخلف بود، به او لقب کـذّاب (دروغگو) دادنـد.امام هادی علیه السـلام درباره ی او فرمود: «از فرزنـدم جعفر دوری کنیـد، نسبت او به من همچون نسبت کنعـان به نوح علیه السلام است».امـام عسـکری علیه السـلام هم درباره ی جعفر فرمود: «مَثَل من و جعفر مانند هابیل و قابیل، دو فرزند آدم علیه السلام است اگر کشتن من برای جعفر ممکن بود، مرا می کشت، امّا خداونـد جلو او را گرفـت».جعفر از افرادی بـود که ادّعـای امـامت داشت و پس از رحلت پـدر می گفت: «امـام مردم من هسـتم نه برادرم». (امام حسن عسـکری علیه السـلام)کارشـکنی های او در عصـر امامت برادرش به جایی نرسـید. امّا پس از شـهادت برادرش دوباره شـروع به ادّعای امامت کرد و اعلام داشت که امام بعـد از برادرم من هسـتم. ولیکن در جریان نماز خواندن بر بدن پاک امام حسن عسـکری علیه السـلام که حضـرت قـائم (عـج) ظـاهر شـده و او را کنـار زد و خود ایشان نماز را اداء کردنـد، بار دیگر ادّعای جاهلانه او آشکار شد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۹)جَفْر رجوع شود به واژه: جامعه

جمعه

شخصی درباره ی این حدیث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم که می فرماید:«لا تُعادوُا الأَیّامَ فَتُعادیکُمْ: با روزها دشمنی نکنید که آنها با شـما دشـمنی خواهند کرد»از امام علی النّقی علیه السلام توضیح خواست. امام علیه السلام در جواب فرمودند:«مراد از ایّام و روزها، ما (اهلبیت علیهم السـلام) هستیم تا زمانیکه آسـمانها و زمین بر پاست.شنبه اسم رسول خداست صلی الله علیه و آله و سلّم،

یکشنبه امیرالمؤمنین علیه السلام، دوشنبه حسن علیه السلام و حسین علیه السلام، سه شنبه علی بن الحسین علیه السلام و محمّد بن علی علیه السلام و جعفر بن محمّد علیه السلام، چهارشنبه موسی بن جعفر علیه السلام و محمّد بن علی علیه السلام و منم و پنجشنبه فرزندم حسن علیه السلام و جمعه فرزند فرزندم (حضرت مهدی (عج)) است، که اهل حق به سوی او جمع می شوند. این است معنی ایام، پس با ایشان در دنیا دشمنی نکنید که با شما در آخرت دشمنی نکنند». («مفاتیح الجنان»، باب اوّل، ابتدای فصل ۵ (با اندکی تلخیص))زیارت صاحب الزمان (عج) در روز جمعه، در باب اوّل کتاب مفاتیح الجنان ذکر شده است.رجوع شود به واژه: اوقات مخصوص قائم (عج)

جنب

«جَنْب» از القاب امام قائم (عج) است. در اخبار متواتره و در تفسیر آیه ی شریفه ی«یا حَسْرَتا عَلی ما فَرَّطْتُ فی جَنْبِ الله (زمر/۵۶): افسوس بر من از کوتاهی هایی که در اطاعت فرمان خدا کردم»رسیده که امام قائم (عج) «جَنْبِ الله» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۷)

جوار الکنس

«جَوارِ الکُنَّس»، از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است. «جَوارِ الْکُنَّس» یعنی ستاره های سیّاره که در زیر شعاع آفتاب پنهان می شوند. همانگونه که وحوش به خوابگاههای خود می روند و در آنجا پنهان می شوند. امام باقر علیه السلام در تفسیر دو آیه ی شریفه ی:فَلا اُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ - الْجَوارِ الْکُنَّسِ (تکویر/۱۵ و۱۶): سوگند به ستارگانی که باز می گردند، حرکت می کنند و از دیده ها پنهان می شوند»فرمود: «مراد از آن امامی است که در سال ۲۶۰ هـ ق غایب می شود و آنگاه زمانی مانند شهاب درخشان در شب تاریک ظاهر شود». («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۷)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ح» آغاز می شود

حارث بن حراث

«حارث بن حراث» از قیام کنندگان قبل از قیام حضرت قائم (عج) است. امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرماید: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم فرمود:«مردی از ماوراء النّهر قیام خواهد کرد که به او «حارث بن حارث» گفته می شود، فرمانده سپاه و پیشرو لشکریان او مردی است که به وی «منصور» می گویند. و حکومت و سلطنت را برای آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم آماده و مهیّا می کند و یا قدرت و سلطه ای برای ایشان فراهم می سازد هم چنانکه قریش برای رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم زمینه ی حکومت او را فراهم نمودند. بر هر فرد مسلمان مؤمن واجب است وی را یاری دهد». («عقد الدُرر»، ص ۱۳۰)

حاشر

«حاشِر» یکی از نامهای حضرت صاحب الزّمان (عج) در صحف حضرت ابراهیم علیه السلام است.

حامد

از القاب حضرت قائم (عج)، «حامد» است.

حبۀ

در لغت نامه ی دهخدا درباره ی «حبۀ» آمده که: ناحیه ای در راه موصل به بغداد است. در «اختصاص» شیخ مفید، از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود:«هر گاه قائم (عج) خروج کند، به حبه ی کوفه می آید. پس به پای مبارک خود اشاره می کند و آن جناب به دست خود اشاره به موضعی می کند و آنگاه می فرماید: «این جا را حَفْر کنید».پس حفر می کنند و دوازده هزار زره و دوازده هزار شمشیر و دوازده هزار خُود که برای هر خود دورو است، بیرون می آورند. آنگاه دوازده هزار نفر از موالیان و عجم را می طلبد و آنها را بر ایشان می پوشاند.آنگاه می فرماید: «هر کس بر او مثل آنچه بر شماست، نباشد او را بکشید». («نجم الثاقب»، ص ۱۸۲)

حجاب

در کتاب هدایه، «حجاب» از القاب حضرت شمرده شده و در زیارت حضرت قائم (عج) نیز هست که:«السَّلامُ عَلی حِجابُ اللهِ الْاَزَلِی الْقَدیم».

حجۀ

«حُجّۀ» لقب امام زمان (عج) است. شخصی از امام علی النّقی علیه السلام پرسید که آن حضرت را چگونه ذکر کنیم؟ فرمود: «بگوئید حُجَّۀ از آل محمّد علیهم السلام».این از القاب شایع آن حضرت است که در بسیاری از ادعیّه و اخبار به همین لقب مذکور شده اند و بیشتر محدّثین آن را ذکر فرموده اند و با آنکه در این لقب سایر ائمّه علیه السلام هم شریکند و همه حجّتهای خداوند بر مردم از طرف خدایند امّا چنان این لقب به حضرت مهدی (عج) اختصاص دارد که در اخبار هر جا، بی قرینه و شاهدی ذکر شود، مراد آن حضرت است.برخی گفته اند لقب آن حضرت «حجّۀ الله» است به معنی غلبه یا سلطنت خدا بر خلایق. و هر دو این ها به واسطه ی آن حضرت به ظهور خواهد رسید و نقش خاتم حضرت قائم (عج) نیز «أنَا حُجَۀُ الله» است و به روایتی«أنَا حُجَّۀُ اللهِ وَ خالِصَتِهِ».و با همین مُهر بر روی زمین حکومت خواهد کرد. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۶۸)

حجۀ الغایب

«حُجّۀ الغایب»، (پیشوای پنهان و مخفی) لقب حضرت ولی عصر (عج) است. («مصلح آخرالزّمان»، ص ۹۶)

حجۀ القائم

«حُجّۀ القائم» لقب امام زمان (عج) است.حُجّۀ الله رجوع شود به واژه: حجّۀ، اسماعیل نوبختی

حج کردن و حجه دادن

یکی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر (عج) حجّ کردن و حجّه دادن به نیابت از آن حضرت است. چنانچه در قدیم میان شیعیان مرسوم بود و آن حضرت نیز تقریر فرمودند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۵)

حرز قائم

«حِرْز» در لغت یعنی: دعایی که بر کاغذی نویسند و با خود دارند، چشم آویز و تعویذْ.حرز امام زمان، حضرت قائم (عج) این است:«یا مالِكَ الرِّقابِ وَ یا هازِمَ الأَحْزابِ یا مُفَتِّحَ الابْوابِ یا مُسَبِّبَ الاسْبابِ. سَبِّبْ لَنا سَبَباً لا نُستَطیعُ لَه طَلَباً بِحَقِّ لا الهَ الّا اللهِ مُحَمَّدٌ رَسولَ اللهِ عَلَیهِ وَ عَلی الِهِ اجْمَعینَ: ای صاحب اختیار، و ای گریزاننده ی احزاب و ای گشاینده ی درها، ای سبب ساز، برای ما سببی که نتوانیم آن را بجوییم، فراهم کن به حقّ خدایی که جز او نیست و پیامبر گرامی خدا صلی الله علیه و آله و سلّم». («مفاتیح الجنان»، باقیّات الصالحات، باب ۵)حروف حیّ رجوع شود به واژه: باب

حساب جاری سیصد و سیزده

مسجد مقدّس جمکران در رابطه با اجرای طرح جامع مسجد و تأمین نیازمندیهای نمازگزارانی که از راههای دور و نزدیک به این مکان مقدّس می آیند، به نیّت تعداد یاران خاص امام قائم (عج) حساب جاری ۳۱۳ بانک ملّت شعبه مسجد مقدّس جمکران را افتتاح نموده که باید رسید آن را به آدرس «قم: صندوق پستی ۱۶۱ – مسجد مقدّس جمکران» ارسال نمود.

حسن بطاینی

«حسن بن علی بن حمزه بطاینی» که در عصر امام رضا علیه السلام می زیست، از جمله کسانی بوده که کتابی در پیرامون غیبت نوشته است. («قاموس الرجال»، ج۳، ص ۱۹۳)

حسن بن محبوب

یکی از محدّثین موثّق شیعه «حسن بن محبوب زرّاد» است که کتاب «مشیخه» را که در میان اصول شیعه مشهورتر از بسیاری کتب دیگر است، صد سال پیش از زمان غیبت امام زمان (عج) تصنیف کرده است. «حسن بن محبوب» قسمتی از اخبار غیبت حضرت قائم (عج) را در آن کتاب ذکر کرده و بدون تفاوت همان طور که خبر داده نیز واقع شده است. («مهدی موعود»، ص ۶۹۴)

حسین بن روح

«ابوالقاسم، حسین بن ابی بحر» را مورّخان و محدّثان گاهی «نوبختی» زمانی «روحی»، گاهی «حسین بن روح بن بنی نوبخت» و بعضاً «قمی» نوشته اند.روایات چندی وجود دارد که «نوبختی» اهل قم بوده است، گویند در گفتگوی فارسی به لهجه ی اهالی آبه (از حومه قم) سلیس و روان بود. («آخرین امید»، ص ۹۹)وی سوّمین نائب خاص حضرت قائم (عج)، (از نوّاب اربعه) در دوران غیبت صغری بود. او از شیوخ مورد اعتماد «محمّد بن عثمان» (دوّمین نائب خاص) بود. زمانی محمّد بن عثمان، بزرگان و مشایخ شیعه را گرد آورد و گفت:«هر گاه برای من حادثه ای پیش آید و مرگم فرا رسد وکالت (و نیابت از امام دوازدهم) با «ابوالقاسم بن روح» خواهد بود. من مأمور شدم که او را به جای خود معرّفی کنم».حسین بن روح در هجدهم ماه شعبان سال ۳۲۶ هـ‌ق در گذشت. قبر شریفش در بغداد در وسط بازار عطاران، در انتهای کوچه ای است که در آنجا بقعه و صحن مختصری بنا کرده اند.حسینعلی نوری رجوع شود به واژه: بهاء اللهحضرت شئونیّه رجوع شود به واژه: غیبت شأنیّه

حق

«حقّ» لقب امام عصر (عج) است. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه ی شریفه ی:«وَقُلْ جآءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ إنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقاً (اسراء/۸۱): و بگو حق آمد و باطل نابود شد، یقیناً باطل نابود شدنی است»فرمود: چون قائم (عج) خروج کند دولت باطل برود».در

زیارت آن حضرت نیز آمده که:«السَّلامُ عَلی الْحَقَّ الْجَدیدَ». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۶۹)

حکیمه

«حکیمه» دختر امام محمّد تقی علیه السلام و عمّه ی امام حسن عسکری علیه السلام است. قبر شریفش پایین پا، چسبیده به ضریح عسکریین علیهم السلام است.حکیمه هنگام تولّد حضرت قائم (عج) در خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام بود و در وضع حمل نرجس خاتون او را یاری داد و در حقیقت جزء نخستین کسانی بود که دادگستر جهان را ملاقات کرد.رجوع شود به واژه: تولّد قائم (عج)

حلاج

یکی از مدّعیان نیابت و وکالت، «حسین بن منصور حلّاج بیضایی» صوفی معروف است. وی در آغاز، خود را رسول امام غائب و وکیل و باب آن حضرت معرّفی می کرد، به همین سبب علمای علم رجال شیعه او را از مدّعیان بابیّت شمرده اند («آخرین امید»، ص ۱۴۴) او در ابتدا مردم را به سوی مهدی (عج) دعوت می کرد و چنان به مردم القاء می نمود که از طالقان (خراسان) ظهور خواهد کرد، و ظهور وی نزدیک است. (ترجمه «آثارالباقیه»، ص ۲۷۵)سپس دعوی حلول و اتّحاد نمود و گفت: روح القُدُس در من حلول کرده و خود را به نام خدا معرّفی می کرد و می گفت: من خدای شما هستم و در نامه هایی که به اصحاب خود می نوشت، تصریح به خدایی می کرد!او در کتابهای خود نیز ادّعای خدایی می کرد، و با خدا و قرآن و پیامبران معارضه می نمود، گویند او پیروان خود را از ذکر نام خدا باز می داشت و می گفت:«گفتن لا اِلهَ اِلَّا اللهممنوع است و فریاد معروف او«أنا الْحَقّ: من حقّ هستم»بود. («مذهب حلّاج»، ص ۱۱۸)مرحوم طبرسی روایت کرده که از طرف صاحب الامر (عج) به دست جناب «حسین بن روح» که از جمله ی سفرای آن حضرت بود، ظاهر شد برای لعن جماعتی که یکی از آنان «حسین بن منصور حلاّج» بود. («الاحتجاج»، ج ۲، ص ۲۸۹)بالاخره او را در عهد وزارت «علی بن عیسی» به بغداد آوردند و مدّت ۸ سال در زندان ماند تا این که در ۲۴ ذی القعده سال ۳۰۹ هـ ق پس از هفت ماه محاکمه به فتوای قُضات و ائمّه دین و امر «مقتدر» خلیفه ی عبّاسی و وزیر او «حامد بن العباس به دار آویخته شد و سپس جسد او را سوزانیدند و سرش را بر چوبی بالای جِسْرِ (پُل) بغداد زدند. («خاندان نوبختی»، ص ۱۱۴)

حمد

«حمد» لقب امام زمان، مهدی موعود (عج) است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «خ» آغاز می شود

خاتم الائمه

«خاتم الائمه» در کتاب «جنّات الخلود» از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است.

خاتم الاوصیاء

از اسماء و القاب شایع حضرت قائم (عج)، «خاتم الاوصیاء» است. آن حضرت خود را به همین لقب به مردم می شناساند.رجوع شود

به واژه: ابونصر ظریف

خازن

«خازن» در لغت یعنی: «خزانه دار» و «نگهبان گنج». «خازن» در کتاب «هدایه»، از القاب حضرت ولی عصر (عج) شمرده شده است.

ختم وصایت

در پشت حضرت مهدی (عج) علامتی مانند علامت پشت مبارک حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است که آن را «ختم نبوّت» گویند، و شاید در آن حضرت اشاره به «ختم وصایّت» باشد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۱)

خجسته

«خجسته»، لقب امام زمان (عج) است. این لقب در کتاب «کندرآل» فرنگیان نوشته شده است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۰)

خداشناس

«خداشناس» از نامهای حضرت مهدی (عج) است که همراه با نام «ایستاده» در کتاب شاکمونی هندوان ذکر شده است. (همان مدرک)

خرابات

«خرابات» یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) است. «خرابات»، عبارت از جزیره هایی در مغرب از بحر محیط (اقیانوس اطلس)، است که «جزیزه ی خضراء» یکی از آنهاست.«میرزا محمّد استر آبادی» در ضمن نقل داستان تشرّف خود به نزد امام قائم (عج) می گوید:«در حین ملاقات یک بوته ی گل سرخ که موسم آن نبود به من عنایت فرمودند. من آن را بوئیدم و بوسیدم و عرض نمودم: سیّد من! مولای من! این گل از کجاست؟!»فرمودند: «از خرابات است:». و آنگاه از نظرم ناپدید شدند. («ریحانهٔ الادب»، ج ۳، ص ۳۶۴)

خراسانی

یکی از نشانه های ظهور امام قائم (عج) خروج «خراسانی» است.در حدیثی امام صادق عیه السلام به ابوبصیر فرمود: «ای ابو محمّد به درستی که پیش از این امر (ظهور حضرت مهدی (عج)) پنج علامت خواهد بود: نخستین آنها نداء در ماه رمضان است و خروج سفیانی و خروج خراسانی و کشتن نفس زکیّه و فرو رفتن در بیداء». («الغیبهٔ» نغمانی، ص ۱۵۶)از بررسی احادیث مهدویّت معلوم می شود که سپاه جناب «سیّد خراسانی» برای ظهور حضرت بقیهٔ الله زمینه را فراهم می کنند. («طاووس بهشتیان»، ج ۴، ص ۱۷۷)

خرق عادت

قضیّه ی حضرت مهدی (عج)، یک قضیّه ی خرق عادت (خرق عادت یعنی «کاری غیر از جریان عادی آن صورت پذیرد») است و ما در این جهان، قضایای خارق عادت فراوان داریم. ما نباید قضیّه ی مهدی موعود (عج) را یک جریان طبیعی بدانیم، تا در توجیه

و تفسیر آن بکوشیم. قرآن شریف قضایای خارق عادت بسیاری نقل می کند.قرآن کریم، قضیّه ی حضرت عیسی علیه السلام را نقل می کند که او در گهواره با مردم سخن می گفت. (مریم/۳۰)داستان حضرت یونس علیه السلام را نقل می کند می فرماید: «اگر از تنزیه کنندگان نبود، حتماً تا روز قیامت در شکم ماهی می ماند». (صافات/۱۴۳و۱۴۴)جریان اصحاب فیل را نقل کرده که «پرستوها» اصحاب فیل را مثل کاه جویده نمودند. (فیل/۵)اینها همه برای این است که اگر به قضیّه ی مهدی رسیدیم و گفتند که: «او حین تولّد، قرآن خواند و خبر از حکومت داد و اینکه او در طفولیّت امام بود»، حاشا نکنیم و خاطره ی حضرت عیسی علیه السلام در ذهنمان زنده شود.از طول عمر حضرت بقیّهٔ الله هم متعجّب نباشیم، آن خدایی که می تواند حضرت یونس علیه السلام را تا روز قیامت در شکم ماهی نگاه دارد، می تواند ولیّ خود را در قِشْر عصمت در این جهان باقی بدارد. و نیز با در نظر داشتن قضیّه ی اصحاب فیل بدانیم که حضرت حجّت به واسطه ی امدادهای غیبی می تواند به آسانی بر این جهان مسلّط شود. («زندگانی چهارده معصوم (ع)»، ص ۱۷۳)

خسرو

«خسرو»، یعنی «سلطانی عظیم الشّأن» و لقب امام زمان (عج) می باشد که در کتاب جاویدان «خسرو مجوس» ذکر شده است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۰)«خسرو» ملک عدالت صاحب عصر و زمان....آنکه می باشد ز آل پاک یاسین می رسد.

خسف

از علائم قیام حضرت مهدی (عج) واقع شدن «خَسْف» است. در حدیث آمده:«سَیَکونَ فی آخرالزّمان خَسْفٌ و قَذْفٌ وَ مَسْخٌ: در آخر الزّمان خَسْف، قَذْف و مَسْخ واقع خواهد شد».«خَسْف»: فرو رفتن در زمین و زیر آوار ماندن به وسیله ی زلزله، سیل، طوفان، موشک، بمباران و بالاـ آمدن آب دریا و جز آنها گویند.«قَذْف»: پرتاب چیزی از مکانی به مکان دیگر، (بمباران، سنگباران، موشکهای زمین به زمین و امثال آنهاست.)«مَسْخ»: دگرگونی سیرت و صورت چیزی به شکلی جز آنچه هست (مبدّل شدن انسان دو پا به حیوان وحشی چهارپا) مثل میمون، خوک و...رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در همین رابطه می فرماید:«در میان بنی اسرائیل هیچ حادثه ای روی نداده است جز اینکه در میان امّت من نظیر آن روی خواهد داد، حتّی خَسْف و قَذْفٌ و مَسْخٌ». («بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۱۳۱ – «طاووس بهشتیان»، ج ۴، ص ۱۶۹)خسوف ماه رجوع شود به واژه: کسوف آفتاب

خضراء

درباره ی موقعیّت «خضراء» اینگونه نوشته اند:«خضراء، جزیره ای است بزرگ در بلاد زنگ و آن را جزیره ی خضراء نیز گویند.نام شهری است در اندلس در مغرب اسپانیا که به آب محاط نیست و آن را جزیره ی خضراء نیز می گویند».«جزیره ی خضراء» را یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) عنوان کرده اند.یکی از محقّقین معتقد است:«برخی از نویسندگان بی توجّه به صحّت ادّله و بدون تحقیق و تفحّص لازم و دقّت پیرامون مسأله ی خاصّ باعث پخش مجهولاتی چون «جزیره ی خضراء» در جامعه گردیدند و محلّ زندگی امام را تلویحاً با «مثلّث برمودا» ی واقع شده در ۲۰۰ کیلومتری کالیفرنیا یکی از ایالات کشور آمریکا تطبیق دادند («در جستجوی قائم (عج)»، ص ۱۰)». (والله العالم)رجوع شود به واژه: مثلّث برمودا‌خضریّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

خلف صالح

امام قائم (عج) مکرّر به لقب «خَلَفِ صالح» در زبان ائمّه علیهم السلام ذکر شده است.منظور از «خَلَف صالح»، «جانشین شایسته» است. آن حضرت خَلَف همه ی انبیاء و اوصیاء گذشته است و جمیع علوم و صفات و حالات و خصایص آنها و مواریث الهیه ای که از آنها به یکدیگر می رسد را، داراست و همه ی آنها در آن حضرت و در نزد او جمع است.

خلیفهٔ الاتقیاء

«خلیفهٔ الاتقیاء» (جانشین پرهیزکاران)، لقب حضرت مهدی (عج) است.رجوع شود به واژه: بقیّهٔ الانبیاء

خلیفهٔ الله

یکی از القاب حضرت قائم (عج)، «خلیفهٔ الله» است. رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله وسلّم فرمود:«مهدی (عج) درحالی خروج می کند که بر سر او ابریست و در آن منادی است که ندا می کند:این مهدی خلیفهٔ الله است او را پیروی کنید». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۳)

خلیل

«خلیل»، (دوست)، لقب مهدی موعود (عج) است.

خمط

یکی از نامهای «نرجس خاتون» مادر گرامی حضرت ولی عصر (عج)، «خَمْط» است. («وفیات الاعیان»، ج ۳، ص ۳۱۶)«خَمْط»، نام درختی است که میوه ی خوردنی دارد، و به هر چیز تازه و خوشبو و به دریای خروشان گفته می شود («لسان العرب»، ج۴، ص ۲۲۰). و همه ی این تعبیرات با آن بانوی بی همتا تناسب دارد.

خنس

«خُنَّس» آن ستاره های سیر کننده است که برای آنها محلّ سیری است. مانند: زُحَل، مریخ، زهره، عطارد و برای خورشید و ماه مسیری برای سیر وجود ندارد.«امّ هانی» از امام باقر علیه السلام درباره ی آیه ی«فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ (تکویر/۱۵): سوگند به ستارگانی که باز می گردند»پرسید. حضرت علیه السلام فرمود: «آن امامی است که در زمان خود پنهان می شود». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۲)رجوع شود به واژه: جوارالکنس

خورشید ابرآلود

در برخی روایات از امام قائم (عج) در دوران غیبت تعبیر به خورشیدی شده است که در پس ابرها قرار دارد.مثال خورشید ابرآلود که برای امام غایب آورده اند، به درستی صدق می کند: خورشید، چه آشکار باشد و چه در پس ابر، خورشید است، و همه ی آثار وجود و فعلیّتهای تأثیری او بر قرار است. نهایت هنگامی که در پس ابر است، پرتو طلایی رنگ او، به چشمها نمی رسد، امّا دیگر اثرها و تأثیرهای او در جریان و مستدام است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «د» آغاز می شود

دابهٔ الارض

«دابَّهٔالارض»، لقب امام قائم علیه السلام است. در اخبار بسیاری این لقب برای حضرت علی علیه السلام نیز عنوان شده است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۳)

داعی

«داعی» یعنی «دعوت کننده». «داعی» لقب حضرت مهدی (عج) عنوان شده و در زیارت مأثوره آن حضرت است که:«السَّلامُ عَلَیکَ یا داعیَ اللهُ»آن حضرت از جانب خداوند داعی است که بندگان خدا را به سوی خدا دعوت کند و این دعوت را تا آنجا برساند که در دنیا جز دین جدّ بزرگوار خود - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم - دینی باقی نگذارد. (همان مدرک)

دجال

در آستانه ی ظهور حضرت مهدی (عج) نشانه های بسیاری بروز می کند که یکی از آنها، خروج «دجّال» است. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۳۹۷)اصل دجّال را از اصفهان («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۹۴) یا بجستان («منتخب الاثر»، ص ۴۲۵) و یا خراسان («الملاحم و الفتن»، ص ۱۲۶) نشان داده اند. او یک طاغوت حیله گر مانند سفیانی است.در روایات آمده که آن ملعون ادّعای الوهیّت کرده و به وجود نحس او خونریزی و فتنه در عالم واقع می شود. از اخبار چنین بر می آید که یک چشم او مالیده و ممسوح است و چشم چپ او در میان پیشانی اش واقع شده و مانند ستاره می درخشد و تکّه ی خونی در میان چشم او واقع است. بسیار بزرگ و تنومند و دارای شکل عجیب و غریب و بسیار ماهر در سِحْر است. در پیش او کوه سیاهی قرار دارد که به نظر مردم می آید، کوه نان است و در پشت سرش کوه سفیدی که از سِحْر به نظر مردم آبهای صاف جاری می آید. او فریاد می کند:«اوْلیایی أَنَا رَبُّکُمُ الْاَعْلی: بندگانم من پروردگار بزرگ و والای شما هستم». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)برای دجّال خری قرمز رنگ است که طول آن ۶۰ قدم و به اندازه ی دید چشم است و چشم راستش کور است («عقد الدّرر»، ص ۲۷۴). از هر موی خر دجّال، نغمه ای به گوش می رسد و آن نغمات باعث جذب شدن مردم سست و ناپرهیزکار به اوست. («آخرین امید»، ص ۳۲۳)«دجّال» از همه جا می گذرد و فقط در مکّه و مدینه و بیت المقدّس قدم نمی گذارد. («الزام الناصب»، ص ۷۴)بیشتر پیروان او افراد یهودی زنازاده عربهای بیابانی هستند که تاج بر سر دارند. («عقد الدّرر»، ص ۲۷۴)رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم درباره ی دجّال فرمود: «هر مؤمنی که دجّال را ببیند آب دهان خود را به روی او بیندازد و سوره ی مبارکه حمد را بخواند برای اینکه سحر آن ملعون را دفع کند». («منتهی الآمان»، باب ۱۴، فصل ۷)طبق نقل امام صادق علیه السلام، امیر مؤمنان علی علیه السلام در ضمن خطبه ی طولانی فرمود: «حضرت مهدی (عج) با یارانش از مکّه به بیت المقدّس می آیند و در آنجا بین آن حضرت و دجّال و ارتش دجّال جنگ واقع می شود، دجال و ارتش او مفتضحانه شکست می خورند، به طوریکه از اوّل تا آخر آنها به هلاکت می رسند و دنیا آباد می شود». («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۱۷۶) بالاخره آن ملعون به دست مبارک حجّت علیه السلام یا به دست عیسی بن مریم علیه السلام کشته می شود. طبق روایتی، آن حضرت دجّال را در کُناسه ی کوفه به دار می زند. و بر روایتی دیگر در فلسطین در کنار دروازه ی «لد» نزدیک بیت المقدّس کشته می شود. («خورشید مغرب»، ص ۷۴)و در جای دیگر ذکر کرده اند که در عقبه ی افیق شام به درک واصل خواهد شد. («نجم الثّاقب»، ص ۱۸۹)خروج دجّال در روایات اهل تسنّن و در تورات و انجیل نیز آمده است. برخی از نویسندگان اسلامی با توجّه به ریشه ی لغت «دجّال» آن را منحصر به یک فرد مخصوص نمی دانند بلکه آن را عنوانی کلّی برای افراد پرتزویر و حیله گر که برای فریب مردم از هر وسیله ای استفاده می کنند، می دانند. («آخرین امید»، ص ۳۲۴)

درخت بغوطه

در روایات اسلامی آمده که «درخت بغوطه» درخت بلند و پر شاخه ای در دمشق است.سفیانی که بر علیه امام زمان (عج) خروج کرده است، در زیر آن به هلاکت می رسد. گفته اند در آن هنگام این درخت در «حیره» خواهد بود.

دریاچه طبریه

«دریاچه ی طبریّه» در شمال فلسطین واقع شده که شعبه ای از نهر اردن به نام «نهر الشرّیعه» وارد آن می شود. از قراین پیداست که سابقاً این دریاچه بزرگتر بوده و در آن کشتی های بسیار رفت و آمد می کردند. امّا امروزه به استثنای چند قایق ماهیگیری کشتیی در آن مشاهده نمی شود. («فرهنگ فارسی معین»، ج۵، ص ۱۰۸۱)در روایات اسلامی آمده است که حضرت قائم (عج) کتاب زبور را از داخل آن دریاچه بیرون می آورد. («الزام الناصب»، ص ۷۲)

دشت حجاز

از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) در دوران غیبت کبری، دشت حجاز را هم ذکر کرده اند. «ابراهیم بن مهزیار» توسط فرستاده ی حضرت ولی عصر (عج) به پیشگاه آن سرور فرا خوانده می شود، از طائف می گذرد و به «دشت حجاز» که «عوالی» نامیده می شود، هدایت شده در آنجا به دیدار امام قائم (عج) می رسد، در این دیدار آن حضرت به پسر مهزیار می فرماید:«پدرم با من پیمان بسته است که در مخفی ترین و دورترین سرزمینها مسکن گزینم، تا از تیررس اهل ضلالت در امان باشیم، این پیمان مرا به ریگزارهای عوالی (دشت حجاز از نجد تا تهامه) انداخته است...». («اکمال الدین و...»، ص ۴۴۷)

دعاء افتتاح

یکی از دعاهایی که شبهای ماه مبارک رمضان خوانده می شود، دعاء افتتاح است این دعا را حضرت ولیّ عصر (عج) به «محمّد بن عثمان» (دومین نائب خاص) تعلیم داده و او منتشر نموده است.علاّمه مجلسی در «زاد المعاد» می گوید: «امام زمان (عج) آن را برای شیعیان نوشته است که هر شب ماه رمضان بخوانند، فرشتگان می شنوند و برای خواننده ی آن استغفار می کنند».در این دعای شریف به طور جامع و ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) که به عنوان «دولت کریمه» خوانده شده، اشاره شده است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۹۳)

دعاء امام زمان

«کفعمی» در «بلد الامین» فرموده: این دعاء حضرت صاحب الامر (عج) است که آن را به شخصی که محبوس بود تعلیم فرمود، پس خلاص شد:«اِلهی عَظُمَ البَلاءُوَ بَرِحَ الخَفاءُ وَ انْکَشَفَ الغِطاءَ وَ انْقَطَعَ الرَّجاءُ وَ ضاقَتِ الأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّماءُ وَ أَنْتَ الْمُسْتَعانُ وَ اِلَیْکَ الْمُشْتَکی وَ عَلَیْکَ المُعَوَّلُ فِی الشِّدَّةِ وَ الرَّخاء اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آل مُحَمَّدٍ اُولِی الأَمْرِ الَّذینَ فَرَضْتَ عَلَیْنا طاعَتَهُمْ وَ عَرَّفْتَنا بِذلِکَ مَنْزِلَتَهُمْ فَفَرِّجْ عَنّا بِحَقِّهِمْ فَرَجاً عاجِلاً قَریباً کَلَمْحِ الْبَصِرِ أوْ هُوَ اَقْرَبُ یا مُحَمَّدُ یا عَلیُّ یا عَلیُّ یا مُحَمَّدُ اِکْفِیانی فَاِنَّکُما کافِیانِ وَ انْصُرانی فَاِنَّکُما ناصِرانِ یا مَولانا یا صاحِبَ الزَّمانِ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَلْغَوْثَ اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی اَدْرِکْنی السّاعَةَ السّاعَةَ السّاعَةَ الْعَجَلِ العَجَلِ العَجَلِ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ الِهِ الطّاهِرینَ». («مفاتیح الجنان»، باب اوّل)

دعاء توسل به قائم

در کتاب ارزشمند «بحارالانوار» دعایی برای توسّل به هر یک از ائمّه نقل شده، که دعای توسّل به امام عصر (عج) این است:«اللّهُمَّ انّی أسْئَلُکَ بِحَقِّ وَلیِّکَ وَ حُجَّتِکَ صاحِبَ الزَّمانِ اَلا اَعْنَتی بِه عَلی جَمیعِ اموری وَ کَفَیْتَنی بِه مَؤنَةُ کُلِّ مُوذٍ وَ طاغٍ وَ باغٍ وَ اَعْنَتی بِه فَقَد بَلَّغ مَجهودی وَ کَفَیْتَنی کُلَّ عَدُوٍّ و هَمٍّ وَ غَمٍّ وَ دَیْنٍ وَ وَلَدی وَ جَمیعَ اَهلی وَ اخوانی وَ مَنْ یَعنَینی اَمْرُهُ وَ خاصَّتی آمین رَبَّ العالَمینَ».همچنین در کتاب «محاسن» از ابوبصیر و او نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «هر گاه در راهی گم شدی، پس ندا کن و بگو:«یا صالِح! یا اَباصالِح! اُرْشِدْنا اِلی الطَّریقِ رَحِمَکُمُ الله».در حدیثی از امام صادق علیه السلام که به ما رسیده، ایشان چنین می فرمایند: «هر کس بعد از هر نماز واجب این دعا را بخواند، سپس همانا به درستی که او امام، محمّد بن الحسن (عج) را در بیداری یا خواب خواهد دید آن دعا این است:«اَللّهُمَّ بَلِّغْ مَولانا صاحِبَ الزْمان اَیْنَما کانَ وَ حَیْثُما کانَ مِنْ مَشارِقَ الارْضِ وَ مَغاربِها سَهْلِها وَ جَبَلِها عَنّی وَ عَنْ والِدَیَّ وَ اخْوانی التَحِیَّه وَ السَّلامُ عَدَدَ خَلْقِ اللهِ وَزِنَةَ عَرْشِ الله وَ ما اَحصاهُ کِتابُهُ وَ احاطَ بِهِ عِلمُه.اللّهُمَّ اِنّی اُجَدِّدُ لَهُ فی صَبیحَةِ هذا الْیَوم وَ ما عِشْت فیهِ مِن اَیّام حَیاتی عَهْداً وَ عَقْداً وَ بَیْعَةً لَه فی عُنُقی لا اَحوُلُ عَنْها وَلا اَزوُلُ اَبَداً.اللّهُمَّ اجْعَلْنی مِن اَنْصارِهِ وَ اَعْوانِهِ وَ الذّآبینَ عَنْهُ وَ المُمْتَثِلینَ لِاَوامِرِهِ وَ نواهیهِ فی اَیّامِهِ وَ الْمُسْتَشْهِدینَ بَیْنَ یَدَیْهِ.اللّهُمَّ فَإنْ حالَ بَینی وَ بَیْنَهُ الْمَوتُ الَّذی جَعَلْتَهُ عَلی عِبادِکَ حَتماً مُقْتَضیاً فَاخْرِجْنی مِنْ قَبری مُؤتَزِراً کَفَنَی شاهِراً سَیْفی مُجَرَّداً قَناتی مُلَبِّیاً دَعوَةَ الدّاعی فِی الْحاضِرِ وَ الْبادی. اللّهُمَّ ارنی الطَّلْعَةُ الرَّشیدَهْ وَ الغرهْ الحَمیدَهْ وَ اکحَل بَصَری بِنَظَرَهْ مِنّی اَلیهِ وَ عَجِّلْ فَرَجه وَ مهل مَخْرَجه.اللّهُمَّ اشْدَد ازرَه وَ قو ظُهرَه وَ طول عُمرَه وَ اعمُر اللّهُمَّ بِه بِلادِکَ وَ احی بِه عِبادِکَ فَانَّکَ قُلتُ وَ قَولِکَ الحَقُّ ظَهَرَ الفِسادَ فِی الْبِرِّ الْبَحْرِ بِما کَسَبتَ اَیدی النّاس، فَاظْهَر اللّهُمَّ لَناوَلِیِّک وَ ابْنُ بِنْتِ نَبیِّکَ المُسَمّی باسْمِ رَسولِکَ صَلَواتِکَ عَلَیه وَ آلِهِ حَتّی لا یُظفر بِشَیء مِنَ الْباطِلِ الامزقهُ وَ یُحَقِّقُ اللهَ الْحَق بِکَلِماتِهِ وَ یُحَقِّقُهُ.اللّهُمَّ اکشَفَ هذِه الغمهْ عَن هذِه الامَّهْ بِظُهوره انَّهُم یَرَونَه بَعیداً وَ نُریَه قریباً وَ صلّی اللهُ عَلی مُحَمَّد وَ آله («بحارالانوار»، ج ۸۶، ص ۶۱)».

دعاء رجبیه

«دعاء رجبیّه» از آداب «مسجد صعصعه» شمرده شده است زیرا که حضرت قائم (عج) در آنجا این دعا را قرائت می فرمودند. و همچنین این دعا از ادعیّه ی ماه رجب نیز می باشد. (ر.ک به کتاب «نجم الثاقب»، باب ۷، حکایت ۲۸)رجوع شود به واژه: مسجد صعصعه

دعاء زمان غیبت و امتحان شیعه

«شیخ کلینی» از امام صادق علیه السلام روایت کرده که این دعا را به «زراره» تعلیم فرمود، که در زمان غیبت و امتحان شیعه بخواند:«اللّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَکَ فَاِنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنی نَفسَکَ لَم اَعْرِفْ نَبیِّکَ اللّهُمَّ عَرِّفْنی رَسُولَکَ فَاِنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنی رَسولَکَ لَمْ اَعرف حُجَّتَکَ اللّهُمَّ عَرِّفْنی حُجَّتکَ فِإنَّکَ إنْ لَمْ تُعَرِّفْنی حُجَّتَکَ ضَلَلْتُ عَنْ دینی». («مفاتیح الجنان»، «باقیات الصالحات»، باب ۶، مورد ۳۲)

دعاء عبرات

«دعاء عبرات» از ادعیه ای است که از ناحیه ی مقدّسه ی حضرت ولی عصر (عج) صادر شده و شرح آن در کتاب «نجم الثاقب» آمده است. («نجم الثاقب»، باب ۷، حکایت ۲۳، ص ۴۶۱)

دعاء عهد

روایت شده که هر کس چهل صبح، دعای عهد (اللّهُمَّ رَبَّ النّورِ العَظیم...) را بخواند از انصار حضرت ولی عصر (عج) باشد و اگر پیش از آن حضرت بمیرد، خداوند او را از قبرش بیرون آورد تا در خدمت آن حضرت باشد. («مفاتیح الجنان»، باب سوّم)نکته قابل ذکر اینکه دعاء دیدار با قائم (عج) تا حدودی تلخیص یافته ی دعاء عهد است.

دعاء فرج

مرحوم حاج میرزا حسین طبرسی نوری در باب هفتم کتاب نجم الثاقب می گوید: «چند دعا معروف به دعای فرج است». و آنها را در کتاب خود ذکر کرده که مبادی آنها اینگونه است:«یا عِمادَ مَن لا ـ عِمادَلَه وَ یا سَنَدَ مَن لا سَنَدَلَه وَ...»«یا مَن اظهَرَ الجَمیل وَ سِتْرَالقَبیحُ یا...»«الهی طموحُ الآمالِ قَد خابَت الاّ لَدَیْکَ وَ...»«للهُمَّ یا وَدودُ یا ذَا العَرشِ المَجیدِ...»«اللهُمَّ إنّی اَسْئَلُکَ یا الله یا الله یا الله یا مَن عَلاـ فَقَهِرْ...»و در کتاب شریف «مفاتیح الجنان» هم چندین دعای فرج ذکر شده است. از جمله:«الهی عَظُمَ البَلاءُ وَ بَرِحَ الخَفاءُ...»رجوع شود به واژه: دعاء امام زمان (عج)

دعاء کمیل

«دعاء کمیل از ادعیّه معروف است و علاّمه مجلسی فرموده که آن بهترین دعاهاست.آن دعای حضرت خضر علیه السلام است. حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام آن دعا را به «کمیل بن زیاد نخعی» که از خواصّ حضرت امیر علیه السلام بود تعلیم فرموده است.این دعا در شبهای نیمه ی شعبان (شب میلاد حضرت قائم (عج)) و در هر شب جمعه خوانده می شود.و برای راحت بودن از شرّ دشمنان و گشایش روزی و آمرزش گناهان سودمند است. («مفاتیح الجنان»، باب اوّل)

دعاء ندبه

یکی از تکالیف و آداب شیعیان در عصر غیبت، ناله کردن و ندبه نمودن و تأسّف خوردن به غیبت آن حضرت است، و از جمله دعاهای ارزنده ای که در این باره نقل شده، دعای مبارک «ندبه» است.این دعا مشتمل بر عقائد حقّه و تأسف بر غیبت امام قائم (عج) است که به سند معتبر از امام صادق علیه السلام نقل گردیده و به خواندن آن در چهار عید: جمعه، فطر، قربان و غدیر توصیّه شده است.دعاء ندبه به حق، یکی از دعاهای جالب و پرمعنی است، از نظر فصاحت بسیار فصیح و روان و از نظر محتوا، علمی، عقیدتی، انقلابی و سیاسی و در عین حال بسیار پر احساس و عاطفی است و اگر درست به مفهوم آن توجّه شود می تواند منبع الهام بخش برای مبارزات اجتماعی بر ضدّ ظلم بوده باشد.شایسته است این دعا را شیعیان به طور دسته جمعی در هر روز جمعه با کمال تضرّع و زاری و ناله و سوگواری و با نهایت حزن و اندوه بخوانند و اشک بریزند و بر غیبت آن یوسف زهرا (س) توجه نمایند. («آخرین امید»، ص ۴۰۲ و ۴۰۵)«علاّمه مجلسی»، این دعا را در «بحارالانوار» نقل کرده است. «بحارالانوار»، ج ۱۰۲ و ص ۱۰۴)

دلدل

«دُلْدُل» نام استر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم است. در روایات اسلامی آمده که مهدی منتظر (عج) هنگام قیام جهانی خود به عنوان نشانه ای از ظهور همراه خواهند داشت. («نجم الثاقب»، ص ۱۲۵)

دوران زندگی قائم

دوران زندگی قائم (عج) را می توان به سه دوره تقسیم کرد:۱- دوره ی کودکی (از سال ۲۵۵ تا ۲۶۰ هـ ق)۲- دوره ی غیبت صغری (از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هـ ق)۳- دوره ی غیبت کبری (از سال ۳۲۹ هـ ق شروع شده و تا وقتی که فرمان نهضت جهانی آن حضرت از طرف خداوند متعال صادر شود، ادامه می یابد).

دولت کریمه

در دعای شریف «افتتاح» به ویژگیهای حکومت حضرت مهدی (عج) اشاره شده و آن حکومت را «دولت کریمه» خوانده است.«دولت کریمه» عبارت از تشکیل دولت اسلامی است که تمام افراد آن از مزایای حقوق و عدالت اجتماعی برخوردارند و در پرتو آن دولت، توحید و ایمان در سراسر زمین حکومت می کند.

دین نوین

امام صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که قائم (عج) خروج می کند، فرمان نو، کتاب نو و روش نو و قضاوت نو می آورد».برای برخی با توجّه به این روایت و روایات دیگر این سؤال پیش می آید که آیا به هنگام ظهور مهدی موعود (عج) دین جدیدی آورده خواهد شد و آیا دین دیگری غیر از اسلام هم وجود دارد؟در پاسخ می توان گفت: تعبیر به نو و جدید، اشاره به این است که انقلاب مهدی (عج) یک دگرگونی اساسی است نه روبنایی، از این رو جامعه گمان می کند چیز جدیدی غیر از اسلام است.به عبارت دیگر: پیرایه هایی که در طول تاریخ اسلام زمامداران ناطق و دیگران به اسلام بسته اند، اسلام را طوری کرده، که اگر امام قائم (عج) آنها را از اسلام دور کند و حقیقت اسلام را آشکار سازد، مردم عادی خواهند گفت: این یک چیز جدیدی است نه اسلام، در صورتی که اسلام واقعی همین است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۱۱)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ذ» آغاز می شود

ذکر

«سیّد علی محمّد شیرازی» معروف به «باب» در آغاز کار، خود را «ذِکْر» نامید تا بعداً آیه ی شریفه ی:«إِنّا نَحنُ نَزَّلنَا الذِّکْرَ وَ إِنّا لَهُ لَحافِظُونَ (حجر/۹): ما قرآن را نازل کردیم، و به طور قطع نگهدار آن هستیم»و آیه ی مبارکه ی:«فَسْئَلُوا اَهْلَ الذِّکْرِ إِنْ کُنْتُمْ لاتَعْلَمُونَ (نحل/۴۳): اگر نمی دانید از آگاهان بپرسید»را با خود مطابق کند. به همین جهت معروف به «سیّد ذِکْر» شد. بعدها که از سادگی مردم عوام استفاده کرد، خود را «باب» امام زمان (عج) نامید و گفت: «من واسطه ی میان مردم و حضرت هستم». («مهدی موعود»، مقدّمه، ص ۱۵۷)

ذوالفقار

«ذوالفقار» نام شمشیر دو سر حضرت علی علیه السلام است که طبق روایات اینک در محضر ولی عصر (عج) می باشد.برای فرج آن حضرت نشانه هایی هست که یکی از آنها سخن گفتن «ذوالفقار» است که از غلاف خود خارج می شود و می گوید:«ای ولیّ خدا! بپاخیز و به وسیله ی من و به نام خدا دشمنان خدا را نابود کن».این مطلب از زبان «سیّد محمّد شمس الدّین» نایب خاصّ حضرت قائم (عج) در دوران غیبت کبری نقل شده است. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۷)

ذی طوی

«ذی طوی نام مکانی در حدود یک فرسخی مکّه، در را «تنعیم» قرار گرفته، است.در روایات عنوان شده که «هنگام ظهور امام قائم (عج) آن حضرت قبل از آنکه کنار کعبه رود و صدای خود را بلند کرده و به جهانیان برساند، در این مکان در انتظار ۳۱۲ نفر از یاران خاصش توقّف می کند، تا اینکه آنها می آیند و به آن حضرت می پیوندند...» («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴ و ۳۰۷)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ر» آغاز می شود

راز مخفی داشتن ولادت قائم

خلفای بنی عبّاس از طریق روایاتی که از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه طاهرین علیهم السلام نقل شده بود، دانستند که دوازدهمین امام، همان مهدی (عج) است، که زمین را پر از عدل و داد می کند... و خود میر شرق و غرب جهان می شود.چون این امر را می دانستند، در صدد بر آمدند تا این نور را خاموش کنند و این امام را به قتل برسانند، از این رو، جاسوسان و مراقبانی چند گماشتند و حتّی قابله هایی را مأمور کردند تا داخل خانه ی امام عسکری علیه السلام را زیر نظر بگیرند. لیکن خداوند، در هر حال، نور هدایت را پاینده خواهد داشت. این بود که خدا به اراده ی خویش، دوران بارداری مادر او را پنهان ساخت...خداوند درباره ی مهدی (عج)، همان کار را کرد که درباره ی حضرت موسی علیه السلام کرد. چنانکه دشمنان مهدی نیز، همان روش فرعونی و سیاست فرعونی را دنبال کردند...در احادیث بسیاری آمده است که مهدی (عج)، شباهتهایی به حضرت ابراهیم و حضرت موسی علیه السلام دارد. («اعلام الوری»، ص ۴۰۲ – «منتخب الاثر»، ص ۲۸۶)

راضی

«راضی محمّد بن المقتدر» بیستمین خلیفه ی بنی عبّاس که در جمادی الاول سال ۳۲۲ هـ ق به حکومت رسید و در ربیع الاول سال ۳۲۹ هـ ق در گذشت. وی هفت سال حکومت کرد.در آغاز زمان حکومت راضی، ۶۹ سال از امامت حضرت قائم (عج) گذشته بود. در همان سال مرگ «راضی»، غیبت صغری هم به پایان رسید.

راهنما

«راهنما» از اسماء حضرت ولیّ عصر می باشد که در کتاب «باتنکل» که صاحب آن از عظمای کفره است، ذکر شده است.همچنین در این کتاب کلماتی درباره ی بشارت به وجود و ظهور آن حضرت داده شده است. («نجم الثاقب»، ص ۷۴)

رب الارض

«ربّ الارض» از القاب حضرت مهدی (عج) است. این لقب از قرآن برداشت شده است.رجوع شود به واژه: ابو تراب

رجعت

«رِجْعت» از دیدگاه تشیّع یعنی اینکه خداوند عدّه ای از مردگان را با همان اندام و صورتی که بودند زنده کرده و به دنیا بر می گرداند، به گروهی از آنان عزّت داده و گروهی را ذلیل خواهد کرد و حقّ مظلومان را از ستمگران می گیرد. و این جریان پس از قیام قائم (عج) به وقوع می پیوندد.زنده شدگان کسانی هستند که در حدّ اعلای ایمان و یا در حدّ اعلای کفر و فسادند، پس از

مـدّتی زنـده شدن و دریافت کیفر و پاداش برخی از اعمالشان دوباره می میرند و در روز قیامت برای کیفر و پاداش کاملتر زنده می شونـد.در قرآن کریم آیـات متعـدّدی بر این مطلب دلالت دارد، از جمله آیه ی ۱۰ سـوره ی مؤمن و آیه ی ۲۶۰ سوره ی بقره و... روایات هم در این باره به حـدّ تواتر به ما رسـیده است.همچنین در عصـر رجعت، پس از امام قائم (عـج)، ائمّه ی دیگر به دنیا بر می گردنـد و یکی پس از دیگری حکومت می کننـد، حتّی وقتی حضـرت قائم (عـج) از دنیا رحلت می کننـد، امام حسـین علیه السـلام ایشان را غسل می دهـد. («اثباهٔ الهـداهٔ»، ج ۷، ص ۱۰۳)در حـدیثی از امام صادق علیه السـلام که درباره ی رجعت صادر شـده، می فرمایند:«نخستین کسی که قبرش می شکافد و زنده شده به دنیا بر می گردد، حسین بن علی علیه السلام است، و این رجعت عمومی نیست (که تمام مردگان زنـده شـده و سر از قبر در آورنـد) بلکه افراد خاصّـِی به دنیا بر می گردند که یا مؤمن خالص و یا مشترك محض باشـند».همچنین امام باقر علیه السـلام فرمود: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و حضرت علی علیه السلام به دنیا رجعت می کنند». («مهدی موعود»، ص ۱۱۸۶)

رجل

«رجُل» (مرد) از القاب رمزی حضرت مهدی (عج) در هنگام تقیّه ایشان است که شیعیان، آن حضرت را به این اسم می خواندند.

رشیق

«رشـیق» از فرمانـدهان «معتمـد»، خلیفه ی عباسـی بود. او به دسـتور معتمد همراه با صد مأمور دیگر برای دسـتگیری امام زمان (عج) وارد خانه ی امام عسـکری علیه السـلام شدند و همه ی حجره ها را گشـتند تا به حجره ای رسـیدند که در آن پرده ی سفید آویزان بـوده پرده را کنـار زده، دریـایی در آنجـا دیدنـد که در وسـط آن، کـودکی سـجّاده انـداخته و نمـاز می خوانـد.«رشـیق» به یکی از مأمورانش دسـتور داد که برود و آن کودك را بگیرد. آن مأمور تا به سـراغ کودك آمـد. در میان آب غرق شد.«رشـیق» به دیگری دسـتور داد، او نیز در آب غرق شـده امّـا نجـاتش دادنـد، حضـرت با کمال وقار نماز را تمام کرد و سـپس در پیش روی مأموران از حجره بیرون آمد. مأموران گویا چوب خشـکی شده بودند. اصـلاً نتوانسـتند کوچکترین آسیبی به کودك که حضرت حجّت (عج) بود برسانند.همین موقع بود که حضـرت مهدی (عج) غایب شد و غیبت صـغری به وقوع پیوست. («حضـرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۳۳)رجوع شود به واژه: غیبت صغری

رفقاء

«رُفَقاء» عنوانی برای یاران حضـرت مهـدی (عـج) است که از کوفه خود را هنگام ظهور حضـرت قائم (عـج) به مکّه رسانده و با آن حضـرت بیعت می کننـد و همچون پاره های ابر پاییزی به سوی مکّه روانه می شوند. («المجالس السـنیّه»، ج ۵، ص ۷۰۹)با توجّه به اینکه ۵۰ نفر از ۳۱۳ نفر، اهـل کوفه هسـتند («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۶) و بـا توجّه به معنی رفق و رفـاقت که نشـانگر صـفا و صمیمیّت و پیوند محکم آنهاست به ویژگی دیگر یاران مخلص، حضرت مهدی (عج) پی می بریم.

رقعه نویسی

مرحوم محـدّث قمی در کتاب «منتهی الآمال» به نقل از «تحفـهٔ الزائر علاّمه مجلسـی» و «مفاتیح النجاهٔ سبزواری» می نویسد:«هر کس حـاجتی دارد، آنچه که ذکر می شود (متن رقعه در اینجـا ذکر نشـده است. ر.ك به «منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۸) در رقعه ای بنویسـد و در (ضـریح) یکی از قبور ائمّه علیهم السـلام بینـدازد، یا رقعه را ببیند و مُهر کند و خاك پاکی را گِل سازد، و

آن را میان گِل گذارد و در نهر یا چاهی عمیق یا غدیر (برکه) آبی اندازد، که به حضرت صاحب الزّمان (عج) می رسد و آن بزرگوار عهده دار بر آوردن حاجت می شود.آنگاه در کنار آن نهر یا چاه یا غدیر بایستد و بر یکی از وکلای آن حضرت اعتماد نموده و او را در نظر آورد (یا عثمان بن سعید، یا محمد بن عثمان، یا حسین بن روح یا علی بن محمّد سیمری) و آنها را بر زبان آورده و صدا نماید و بگوید:«یا... سَلامٌ عَلَیْکَ أَشْهَدُ أَنَّ وَ فاتَکَ فی سَبیلِ اللهِ وَ اَنَّکَ حَیُّ عِنْدَ اللهِ مَرزُوقٌ وَ قَد خاطَبْتُکَ فی حَیاتِکَ الَّتی لَکَ عِنْدَ اللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هذِهِ وُقْعَتی وَ حاجَتی إلی مَولانا عَلَیْهِ السَّلامُ فَسَلِّمْها اِلَیْهِ وَ أَنْتَ الثِّقَةُ الْأَمینُ»سپس نوشته را در نهر یا در چاه، یا در غدیر اندازد که ان شاء الله حاجت او بر آورده خواهد شد.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ز» آغاز می شود

زاهره

رجوع شود به: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

زبور

«زبور» نام کتاب حضرت داوود علیه السلام است. در این کتاب که تحت عنوان (مزامیر) در لابلای (عهد عتیق) آمده، نویدهایی درباره ی ظهور مهدی (عج) داده شده است و می توان گفت، در هر بخش از «زبور» اشاره ای به ظهور آن حضرت و نویدی از پیروی صالحان بر شرّیران و تشکیل حکومت واحد جهانی و تبدیل ادیان و مذاهب مختلف به یک دین محکم و آئین مستقیم وجود دارد.نوید های حضرت مهدی (عج) در زبور فراوان است و در بیش از ۳۵ بخش از مزامیر ۱۵۰ گانه نوید ظهور آن حضرت موجود است. («آخرین امید»، ص ۱۹۳)

زردشتیان و انتظار

در دین «زردشت»، موعودهایی معرفی شده اند که آنان را «سوشیانت» («سوشیانت» به معنی «رهاننده» یا «نجات دهنده» است) می نامند.این موعودها سه تن بوده اند که مهمترین آنان آخرین ایشان است. و او «سوشیانت پیروزگر» خوانده شده است. و این «سوشیانت» همان موعود است، چنانکه گفته اند:«سوشیانتِ مَزْدیَسْنان، به منزله ی کریشنای بَرَهْمنان، بودای پنجم بودائیان، مسیح یهودیان، فارقلیط عیسویان، و مهدی (عج) مسلمانان است». («خورشید مغرب»، ص ۵۳ - «دایرهٔ المعارف فارسی»، ج ۱، ص ۱۳۷۳)

زره رسول خدا

در روایات اسلامی آمده است که هنگام ظهور حضرت قائم (عج) زره ی رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلّم با ایشان است و بر بدن هیچکس اندازه نیست مگر بر قدّ شریف حضرت مهدی (عج) همانگونه که تنها بر بدن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلّم اندازه بود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۳۱)

زنان در قیام قائم

به تجربه ثابت شده که زنان در انقلابها نقش مؤثّر و تعیین کننده دارند، زنان هستند که جوانان رشید و سلحشور را در دامان پاک خود می پرورانند و در پشت جبهه و خانه داری، پشتیبان محکم و خوب برای مردان می شوند.روایاتی که به ما رسیده، نشان دهنده

این است که در قیام جهانی حضرت مهدی علیه السلام هم زنان حضور خواهند داشت.امام باقر علیه السلام فرمود:«سوگند به خدا، سیصد و اندی نفر مردمی آیند، در میانشان ۵۰ نفر زن هستند، و در مکّه اجتماع می کنند، بی آنکه قبلاً وعده داده باشند، آمدنشان همچون ابرهای پاییزی است (که با حرکات تند می آیند و در آن مرکز جمع می گردند)».(«بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۲۳)زنان باید شخصیّت و نیروی معنوی خود را بیابند و بدانند که می توانند نقش سازنده داشته باشند و از اصحاب صاحب الامر (عج) گردند، و در جبهه های سیاسی و نظامی، شرکت و تلاش فعّال نمایند و به پانسمان زخمی ها بپردازند و نوازشگر انقلابیون شوند.«مفضّل» می گوید: «امام صادق علیه السلام فرمود: «همراه مهدی (عج) سیزده زن هست». عرض کردم: این بانوان برای چه در کنار مهدی (عج) هستند؟فرمود: «اینها مجروحان را مداوا می کنند و از بیماران جنگی پرستاری می نمایند، چنانکه زنان در زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلّم همراه آن حضرت در جنگها این کارها را بر عهده می گرفتند». («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۵۰ و ۱۷۱ – «حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۳۲)

زند افریس

در کتاب «ذخیرة الالباب» گفته شده که اسم حضرت مهدی (عج) در کتاب «ماریاقین»، «زند افریس» است و عین عبارت آن کتاب، این است: «و فی کتاب ماریاقین زند افریس» پس احتمال می رود که اصل اسم همان «افریس» باشد و مراد از زند همان کتاب منسوب به زردشت یا صحف حضرت ابراهیم علیه السلام یا فصلی از آن باشد. (والله العالم) («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۷۴)

زندگی شخصی قائم

زندگی حضرت مهدی (عج) همچون زندگی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلّم و امامان معصوم علیهم السلام است. امام رضا علیه السلام فرمود:«لباس قائم (عج) جز پارچه ی زبر و خشن، و غذای او جز غذای ساده نیست» («منتخب الاثر»، ص ۳۰۷)او در بر خورد با مستضعفان آنچنان است که به فرموده ی رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم:«هنگام حکومت مهدی (عج) نیازمندانی به حضورش می آیند و درخواست نیازمندیهای خود می کنند، آن حضرت مقداری که درخواست کنندگان بتوانند حمل کنند بدون شماره به آنها می دهد» («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۹۹)امام صادق علیه السلام به «مفضّل» فرمود: «کار امام قائم (عج) سیاست شب و سیاحت روز و غذای ساده است. همچون زندگی امیرالمؤمنین علیه السلام». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۵۹)

زندیق

«زندیق» نام شخصی است که قبل از قیام حضرت العصر (عج) از شهر قزوین خروج می کند. مردم مشرك و مؤمن در اطاعت از او سرعت می گیرند و او کوهها را پر از خوف می کند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۱۲)شاید مراد از «زندیق» در این حدیث همان معنی لغوی «کافر» باشد.

زوراء

از جمله مکانهایی که در احادیث مربوط به قائم (عج) از آن سخن به میان آمده، شهر «زوراء» است.رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم در توصیف شهر زوراء فرمود: «شهری است در مشرق که در بین رودها واقع شده که در این شهر شرورترین انسانها ساکن می شوند و عدّه ای از ستمکاران امّت من هم در آنجا سکنی می گزینند». («عقدالدّرر»، ص ۸۱)همچنین امام صادق علیه السلام نیز در این رابطه فرمود:«در حوالی روی کوه سیاهی است که در پایین آن کوه شهری بنا می شود که آن را «طهران» می نامند و آن

«دار الزوراء» است و...»اهـل شـهر زوراء دچـار قحطی و فتنه و بلا می شونـد. («جهان در آینـده»، ص ۱۰۶)اما صادق علیه السـلام در ضمن حدیثی به علائم قیام حضـرت مهدی (عج) اشاره کرد و فرمود:«خروج مردمی از فرزندان عمویم زید در یمن و به غارت رفتن پرده ی کعبه، و هر چه مشیّت الهی است همان خواهـد شـد». («جهان در آینـده»، ص ۴۰)زیارت امام حسـین علیه السلامدر روایات اسـلامی سـفارش شده که در شب تولّد امام قائم (عج)، زیارت امام حسین علیه السلام خوانده شود.با توجّه به محتوای این زیارت و خوانـدن آن در شب نیمه ی شـعبان و ارتبـاط این دو، نتیجه می گیریـم که مسـأله راحت طلبی در کـار نیست، بلکه مسـأله ی قیـام و انقلاب و شـهادت طلبی و جهاد تا سـر حدّ شـهادت و نفرت شدید از دشـمن است و باید با چنین روشـی خود را به امام زمان (عج) نزدیـک کنیم.امام صادق علیه السـلام فرمود: «وقتی که قائم (عـج) ماقیام کنـد، تقیّه برداشـته شود و شمشـیر کشـیده گردد و با مردم (متمرّد) در داد و سـتد، جز شمشیر (حکومت) در میان نباشد». («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۱۲۸ - «حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۸۹)

زیارت جامعه کبیره

«زیارت جامعه ی کبیره»، از ادعیّه ای است که مورد عنایت حضـرت مهـدی (عـج) می باشـد، و شـیعه باید هر روز صـبح به صورت مدّاحی با این زیارت، عرض ادب به ساحت مقدّس آن بزرگوار بنماید.علاّمه ی مجلسـی اوّل، در «شرح من لایحضر الفقیه» در ذیل این زیارت می گوید:«چون به نجف مشرّف شدم، برای اینکه لیاقت تشرّف حرم علوم را بیابم، تصمیم گرفتم که چند روزی عبادت کنم. روزهـا در مقـام مقـائم و شـبها در رواق مطهّر مشـغول بـودم. شـبی در عـالَم مکاشـفه حضـرت بقیـهٔ الله (عـج) را در حرم پـدر بزرگوارش دیـدم. فردا به سامراء مشـرّف شـدم، و چون وارد حرم شـدم، مهدی (عج) آن پاره ی ماه، آنجا بود. ایسـتادم و از دور به طور مـدّاحی و در حالی که با انگشت، اشاره به او می کردم، زیارت جامعه را خواندم. حضـرت فرمودند: بیا جلو! ابهّت و عظمت او مانع می شـد تا بالاخره جلو رفتم. به من تلطّف کرد و فرمود:«نِعْمَ الزّیارَةِ هـذِهِ: خوب زیارتی است این زیارت».گفتم: از جـدّتان می باشـد؟ و اشاره به قبر مطهّر امام هادی علیه السـلام کردم. فرمودنـد: بلی از جـدّم صادر شده است».از این جهت، علاّمه مجلسـی دوّم درباره ی این زیارت می فرماید:«صـحیحترین زیارات از نظر متن و سند، زیارت جامعه ی کبیره است». («زندگانی چهارده معصوم»، ص ۱۹۳)

زیدیه

«زیدیّه» گروهی از سپاه سیّد حسنی هستند که پس از ظهور امام زمان (عج) با ایشان بیعت نمی کنند و تعداد آنان را چهار صد هزار نفر ذکر کرده انـد.مصـحف هـا و قرآن در گردن آنـان حمایـل است و آنچه مشاهـده می کننـد از دلائل و معجزات، آن را حمل بر سِحْر می کننـد و می گوینـد این سـخنان بزرگی است و اینهـا همه سِحْر است که به ما نموده انـد.پس امام قائم (عـج) آنچه آنان را نصیحت و موعظه کند و آنچه از معجزات بیاورد در آنها تأثیر نخواهد کرد. تا سه روز ایشان را مهلت می دهد و چون موعظه ی آن حضـرت را که حق است قبول ننمایند امر می فرمایند که گردنهای آنها را بزنند.حال آنان، شبیه به حال خوارج نهروان که در لشـکر امام علی علیه السلام در جنگ صفّین بودند، است. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «س» آغاز می شود

ساعهٔ

«ساعهٔ» از القاب حضرت مهدی (عج) است. در روایات آمده که مراد از «ساعهٔ» در بسیاری از آیات قرآن، قائم (عج) است. آیاتی نظیر:محمّد/۱۸، زخرف/۶۶ و ۸۵، نازعات/۴۲، اعراف/۱۸۷، شوری/۱۷ و ۱۸. «نجم الثّاقب»، ص ۷۵)

سامرا

شهر «سامراء» یا (سامره) یا (سُرِّمن رَآی) در کشور عراق واقع است. این شهر یکی از شهر های مذهبی عراق به شمار می رود، زیرا مدفن امام حسن عسکری علیه السلام و امام علی النّقی علیه السلام در آنجا قرار دارد.حضرت مهدی (عج) در این شهر متولّد شد. به هنگام تولّد امام قائم (عج)، حدود ۳۵ سال از ساختن شهر سامراء (که در کنار ویرانه های شهر قدیم بنا شده بود) می گذشت. و با اینکه به عنوان پایتخت دوّم برای خلافت بغداد ساخته شده بود، از همان آغاز، مقرّ خلفای عباسی شد.معتصم عبّاسی، هشتمین خلیفه ی بنی عبّاس، که خلافت او از سال ۲۱۸ آغاز شد، به ساختن این شهر فرمان داد، سپس خود به آنجا انتقال یافت، و بدینگونه سامراء مرکز خلافت گشت. («خورشید مغرب»، ص ۲۱)

سایه انداختن ابر سفید

از خصائص حضرت مهدی (عج) این است که ابر سفیدی پیوسته به سر آن حضرت سایه می اندازد و منادی در آن ابر به نحوی که آن را جن و انس در مشرق و مغرب بشنوند، ندا می کند که او مهدی آل محمد علیه السلام است. او زمین را از عدل پر می کند، چنانکه از جور و ستم پر شده است. «منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۷)رجوع شود به واژه: ابر مخصوص قائم (عج)

سبائیه

«سَبائیّه» نام فرقه ای است که گمان می کنند حضرت علی علیه السلام همان مهدی موعود (عج) و نجات بخش آینده است.«سَبائیّه» پیروان «عبدالله بن سباء» هستند. عبدالله به نبوت و الوهیّت امام علی علیه السلام هم معتقد بوده است. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۳۵۹)

سبیکه

«سبیکه» از نامهای «نرجس خاتون»، مادر گرامی امام زمان (عج) است.«سبیکه» طلای ناب و نقره ی خالص را گویند که پس از گداخته شدن، ناخالصی های آن جدا گردد و طلای ناب و نقره ی خالص به صورت شمش در قالبها ریخته شود. («لسان العرب»، ج ۶، ص ۶۲)او در پایتخت بیزانس در عشق امام حسن عسکری علیه السلام گداخته شده و همه ی ناخالصی های امپراطوری روم به دست کیمیا اثر حضرت زهرا (س) از او جدا شد و طلای ناب جهان خلقت از او پدید آمد. («او خواهد آمد»، ص ۲۳)

سبیل

«سبیل»، لقب امام قائم (عج) است.

سحاب

«سَحاب»، نام عمّامه رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم است که مهدی موعود (عج) هنگام خروج همراه خویش خواهند داشت.

(«نجم الثّاقب»، ص ۱۲۵)

سدرهٔ المنتهی

«سدرهٔ المنتهی» نام درختی در آسمان هفتم است که در آیه ی ۱۴ سوره ی نجم هم ذکر شده است. «سدرهٔ المنتهی»، لقب امام قائم (عج) است.

سرداب مقدس

«سرداب مقدّس» داخل خانه ی امام حسن عسکری علیه السلام قرار دارد. گفته اند امام زمان (عج) از این مکان غیبت کبری را شروع کرده است. راه دخول به آن، سرداب قدیمی از پشت سر نزدیک به قبر «نرجس خاتون» بوده (و شاید حالا در رواق باشد) از آنجا پایین می رفتند و دالان دراز و تاریکی داشت چون از آنجا می گذشتند به در سرداب غیبت می رسیدند که حالا آیینه کاری شده و پنجره از طرف قبله به صحن عسکریین علیه السلام باز می شود.«احمد خان دُنبلی»، زمانی مبلغی هزینه کرد و صحن و بارگاه دو امام بزرگوار را از «سرداب مقدّس» مجزّا ساخت. («مفاتیح الجنان»، باب سوّم)علّت اینکه شیعیان «سرداب مقدّس» در سامرا را زیارت می کنند این است که، چون مهدی موعود (عج) پس از اینکه غائب شده محلّ و مکان معلومی ندارد تا شیعه بتواند خود آن حضرت را زیارت کند، لذا بهترین مکان برای زیارت و اظهار علاقه به آن حضرت خانه ی آن بزرگوار است. و شاعر چه زیبا گفته:یعنی: من در میان خانه ها به خانه های لیلی مرور می کنم. این دیوار و آن دیوار (آنها) را می بوسم، دوستی و محبّت خانه ها دل مرا نبرده، بلکه دوستی آن افرادی که در آن خانه ها ساکن بوده است، دل مرا برده است. («ستارگان درخشان»، ج ۱۴، قسمت اوّل، ص ۱۰۵)

سردابیه

«سردابیّه» طایفه ای از غُلّات («غُلّات» کسانی هستند که درباره ی رهبران و پیشوایان خود غُلُو کرده، آنان را از مرتبه ی بشریّت به مقام خدایی رسانند یا آنان را به خدا و خدا را به خلق تشبیه کنند) دوازده امامیان است که منتظر خروج حضرت مهدی (عج) از سردابی که در ری قرار دارد هستند. و هر بامداد جمعه پس از نماز صبح، اسبی را لگام کرده به آنجا می برند و سه بار می گویند: «یا امام بسم الله». («لغت نامه دهخدا»، ج ۸ (چاپ جدید)، ص ۱۱۹۷۶)

سرزمینهای دوردست

آنگونه که از احادیث بر می آید، یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) «سرزمینهای دور دست» است.لازم به توضیح نیست که سرزمینهای دور دست نام مکان مشخّص و اسم خاصّ نمی باشد.در توقیع شریفی که در سال ۴۱۰ هـ ق از ناحیه ی مقدّسه ی آن حضرت به افتخار «شیخ مفید» صادر شده است و با خطّ شریف حضرت حجّت (عج) شرف تحریر یافته، چنین آمده است:«اگر چه ما در سرزمین دوردستی سکنی گزیده ایم که از جایگاه ستمگران به دور هستیم، زیرا که خداوند مصلحت ما و شیعیان مؤمن ما را در این دیده که تا حکومت دنیا در دست تبهکاران است در این نقطه ی دوردست مسکن نمائیم، ولی از اخبار شما آگاهیم. و هرگز چیزی از اخبار شما بر ما پوشیده نیست». («الاحتجاج»، ص ۴۹۷)

سروش ایزد

«سروش ایزد»، نام امام مهدی (عج) در کتاب زمزم زردشت است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۷۴)

سعد بن عبدالله قمی

«سعد بن عبدالله قمی» از کسانی است که به محضر حضرت امام حسن عسکری علیه السلام رسیده و سعادت دیدار حضرت بقیّهٔ الله (عج) را پیدا کرده و معجزاتی از آن حضرت مشاهده نموده است. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۸۹)

سفارت

در قرون اوّلیّه ی غیبت به جای کلمه ی «نیابت» امام زمان (عج)، بیشتر از کلمه ی «سفارت»، و همینطور از عنوان «سفراء» به جای «نوّاب» استفاده می شد. و شاید میان «سفارت» و «نیابت» تفاوتی نیز بوده است. («خورشید مغرب»، ص ۴۴)سُفراء رجوع شود به واژه: سفارت

سفط

«سَفَط» در لغت یعنی: جامه دان که به شکل جوال یا مانند کدوی خشک میان تهی باشد، سبد جامه. («لغت نامه ی دهخدا»، ج ۸، چاپ جدید، ص ۱۲۰۵۲)در حدیث طولانی مفضّل است که، امام صادق علیه السلام فرمود:«تَرَکِه ی جمیع پیغمبران، حتّی عصای آدم علیه السلام و آلت نجاری نوح علیه السلام و ترکه هود علیه السلام و صالح علیه السلام و مجموعه ی ابراهیم علیه السلام و صاع یوسف علیه السلام و مکیال شعیب علیه السلام و آینده ی او و عصای موسی علیه السلام و تابوتی که در اوست، بقیّه ی آنچه ماند از آل موسی علیه السلام و آل هارون که ملائکه بر می دارند و زره داوود علیه السلام و انگشتری سلیمان علیه السلام و تاج او و رحل عیسی علیه السلام و میراث جمیع پیغمبران و مرسلان در یک «سَفَط» است.»«علاوه بر اینها عصا، انگشتر، بُرد، زره، عمّامه، اسب، ناقه، استر، الاغ و شتر سواری رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و مصحف امیرالمؤمنین علیه السلام هم در این «سَفَط» قرار دارد». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۲۵)

سفیانی

از جمله نشانه های ظهور امام زمان (عج) خروج «سفیانی» است. (همانگونه که خود آن حضرت بیان فرمودند).در وصف سفیانی آمده است که او مردی بدصورت و آبله رو و چهارشانه و ارزق چشم و اسم او «عثمان بن عنبسه» و از اولاد یزید بن معاویه است. در ظاهر مقدّس مآبی می کند و ذکرش اینست: یاربّ، یاربّ، یاربّ.سفیانی آنقدر پلید است که کنیزش را که از او بچه دار شده زنده به گور می کند. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۳۹۸)آن ملعون پنج شهر بزرگ «دمشق»، «حمص»، «فلسطین»، «اردن» و «قنسرین» را متصرّف می شود، پس از آن لشکر بسیار به اطراف می فرستد.سفیانی پلید با دارودسته اش بر ضدّ حضرت مهدی (عج) قیام می کند. مهدی (عج) به مردم فرمان می دهد به جنگ با این دشمن خدا و دشمن خودتان برخیزید.ارتشی که سفیانی برای جنگ با مهدی (عج) آماده کرده است، در سرزمین بیداء، میان مکّه و مدینه، در ذی الحُلَیْفه، در زمین فرو می رود و نابود می گردد، به طوری که فقط دو تن از آن ارتش که از طایفه ی «جهیّه» هستند موفّق می شوند، بگریزند. (همان مدرک، ص ۲۳۹) و آن دو نفر یکی به سوی حضرت صاحب الامر (عج) رفته و ایشان را به هلاکت سفیانی خبر می دهد و دیگری روانه شام می شود تا خبر شکست سپاهش را به او بدهد.سفیانی پس از شنیدن خبر به کوفه می آید و هنگامی که امام عصر (عج) به کوفه می رسد، آن ملعون فرار کرده و به شام بر می گردد. پس حضرت لشکری از عقب او می فرستد که او را در صخره ی بیت المقدّس دستگیر

کرده و سرنحس او را بریده و روح پلیدش را وارد جهنّم می کنند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)در برخی از روایات آمده که سفیانی زیر درخت بغوطه ی دمشق به هلاکت می رسد. («المجالس السنّیه»، ج ۵، ص ۷۲۳)در مورد سفیانی هم مانند دجّال یک نظر وجود دارد و آن اینکه سفیانی یک طاغوت پلید دارای یک رژیم جهنّمی است که با ویژگیهای خاص با انقلاب جهانی مهدی (عج) مخالفت می کند و شکست می خورد. («بحارالانوار»، ج ۵۳، ص ۱۰)رجوع شود به واژه: توقیع

السلطان المأمول

«السُّلْطان المأمول» (فرمانفرمای آرزو شده)، لقب حضرت مهدی (عج) است.رجوع شود به واژه: امیر الاَمَره

سلمان فارسی

در روایات اسلامی آمده که، هنگام خروج حضرت قائم (عج) و پس از رِجعت، «سلمان فارسی» در شمار یاران آن امام خواهد بود. («الارشاد»، ص ۳۹۹)وی از صحابه خاصّ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلّم و نام اصلی اش «روزبه» بود. مقام بسیار شریفی در نزد خاندان نبوّت داشت، تا آنجا که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلّم درباره ی او فرمود:«سَلْمانُ مِنّا اَهْلُ الْبَیْتِ: سلمان از ما اهل بیت است».همچنین حضرت علی علیه السلام درباره ی وی فرموده است: «علم اوّلین و آخرین را فرا گرفت. او دریایی است که هر چند از آن استفاده شود کم نمی گردد، او از ما اهل بیت است».نامه ی ۶۸ نهج البلاغه، از نامه هایی است که حضرت علی علیه السلام پیش از خلافتش خطاب به سلمان فارسی نوشته است.او در سال ۳۵ هجری در اواخر خلافت عثمان و یا در سال ۳۶ هـ ق از جهان رخت بربست طبق مطالبی که از تاریخ رسیده امیرالمؤمنین علی علیه السلام، شخصاً با طیّ طریق غیر عادی برای غسل، کفن، نماز و دفن او از مدینه به مدائن رفت. عمر و حدّاقل که همه با آن موافقت دارند ۲۵۰ سال بوده است. («دانستنیهای نهج البلاغه»، ص ۱۷۲)سمّاک رجوع شود به واژه: ثقیف

سناء

«سناء» لقب امام زمان (عج) است. «سناء» در لغت یعنی: روشنایی، فروغ، بلندی و رفعت.

سنگ حضرت موسی

از جمله خصائص امام قائم (عج)، حمل سنگ حضرت موسی علیه السلام است. امام باقر علیه السلام فرمود: «هنگامی که حضرت مهدی (عج)» خروج کند و بخواهد از جانب مکّه به کوفه برود، منادی آن حضرت ندا کند که: آگاه باشید که کسی طعام و آب حمل نکند. و حضرت قائم (عج)، سنگ حضرت موسی علیه السلام را که از آن دوازده چشمه ی آب جاری شده بود، حمل می کنند.پس در هر منزلی که فرود می آیند، حضرت آن سنگ را نصب می فرمایند و آن چشمه ها جاری می شوند و هر که گرسنه باشد سیر می شود و هر که تشنه باشد سیراب می شود. پس آن سنگ توشه ی آنهاست تا هنگامی که وارد نجف، که در پشت کوفه قرار دارد می شوند.پس هنگامی که در پشت کوفه فرود آمدند و مستقر شدند از آن سنگ پیوسته آب و شیر جاری می شود تا گرسنگان سیر و تشنگان سیراب شوند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۴۱)سوشیانت رجوع شود به واژه: زردشتیان و انتظار

سید

در اخبار و روایات، «سیّد» لقب امام زمان (عج) شمرده شده است.

سید بن طاووس

«سیّد بن طاووس» از علمای بزرگوار تشیّع و صاب کتب «الملاحم و الفتن» و «جمال الاسبوع» است.او در زمان غیبت کُبری به دیدار حضرت قائم (عج) نائل شده است. «سیّد بن طاووس» در سال ۶۶۴ هـ ق در گذشت.

سید حسنی

از جمله علائمی که در آستانه ی ظهور امام قائم (عج) رخ خواهد داد، خروج «سیّد حسنی» با یارانش برای یاری آن حضرت است.«سیّد حسنی» جوان خوش صورتی است که از طرف دیلم (یکی از بلاد گیلان) و قزوین خروج می کند و با صدای بلند فریاد می زند که به فریاد قائم آل محمّد صلی الله علیه و آله وسلّم برسید که از شما یاری طلبد و این سیّد حسنی ظاهراً از اولاد حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام باشد. مردم او را اطلاعت می کنند. خصوصاً مردان شجاع و قوی دل و مسلّح و مکمّل که بر اسبهای اشهب سوار باشند (گنجهای طالقان). او از مکان خود تا کوفه زمین را از لوث وجود ظالمین و کافران پاك می کند. و چون با اصحاب خود وارد کوفه شود، به او خبر دهند که حضرت حجهٔ الله مهدی آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم ظهور نموده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است.پس «سیّد حسنی»، با اصحاب خود خدمت آن حضرت مشرّف می شوند و از آن حضرت مطالبه ی دلائل امامت و مواریث انبیاء را می نماید. او می داند که مهدی (عج) بر حق است، ولیکن مقصودش این است که حقیقت امام (عج) را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نمایند.پس آن حضرت دلائل را برای او ظاهر می نماید. وقتی «سیّد حسنی» یقین به صدق امام پیدا می کند، می گوید: «الله اکبر! دستت را بده تا با تو بیعت کنم»، و با آن حضرت بیعت می کند و به پیروی از او، سپاه او (جز زیدیّه که چهارصد هزار نفرند) نیز بیعت می کنند. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۶ - «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۵)رجوع شود به واژه: زیدیّه

سید شمس الدین

«سیّد شمس الدّین محمّد عالم» نایب خاصّ امام عصر (عج) و نوه ی پنجم ایشان است. این مطالب را «علی بن فاضل مازندرانی» هنگامی که به «جزیره ی خضراء» رفت، دریافته بود. («جزیره ی خضراء»، ص ۵۲)

سید مرتضی

«سیّد مرتضی بن داعی حسنی» (یاحسینی) مکنّی به ابوتراب و ملقّب به «صفی الدین» و «علم الهدی» (پرچم هدایت)، از علمای بزرگ شیعه در قرن ۵و۶ هجری قمری است. از آثار او می توان «تبصرهٔ العوام فی معرفهٔ مقالات الانام»، در شرح مذاهب مختلف به پارسی و «فصول تامّه» (به عربی) نام برد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۱۹۲)او از جمله افرادی است که مورد توجّه حضرت قائم (عج) بوده است. «علی بن فاضل مازندرانی» پس از بازگشت از «جزیره ی خضراء» نقل کرده که در آنجا فقط نام ۵ تن از علمای شیعه مطرح بود:«سیّد مرتضی» (علم الهدی)، «شیخ طوسی»، «محمّد بن یعقوب کلینی»، «ابن بابویه»، «شیخ ابوالقاسم جعفر بن اسماعیل حلّی». («جزیره ی خضراء»، ص ۱۸۱)

سیصد و سیزده نفر

در همه جا معروف است و در کتابهای مربوط به امام زمان (عج) نوشته شده که هنگام ظهور آن حضرت، ۳۱۳ نفر یاران مخصوص ایشان به او می پیوندند و همچون کوه در برابر حوادث ایستادگی کرده و همراه امام (عج) هستند. اصل حدیث متواتر است و نباید شکّی در صدور حدیث مذکور از جانب معصومین علیهم السلام نمود.و امّا چند نکته:۱- آنان در «ذی طوبی» به امام زمان (عج) می پیوندند. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۴)۲- آنان از اطراف جهان و دورترین نقاط جمع شده و به امام قائم (عج) پیوسته اند. در این باره امام باقر علیه السلام فرموده است: «خداوند برای حضرت قائم (عج) – از دورترین شهرها، به تعداد جنگاوران جنگ بدر، ۳۱۳ مرد را جمع می کند». (همان مدرک، ص ۳۱۰)۳- هنگام ظهور، نخستین کسانی که پس از جبرئیل امین با امام قائم (عج) بیعت می کنند، همین ۳۱۳ نفرند، چنانکه این مطلب را امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمودند. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۲۳)۴- این افراد در روایات شبیه به ۳۱۳ نفر مسلمانان شجاع و سلحشوری شده اند که در جنگ بدر، نخستین شکست بزرگ را بر کفّار و دشمنان اسلام وارد آورند. به علاوه، اینان پرچمداران روی زمین، و حاکمان خدا بر مردم در سراسر زمین می باشد. (همان مدرک. ص ۲۲۴) و...طبق فرموده ی «سیّد شمس الدین محمّد»، ۳۰۰ نفر آنها در حال حاضر در جزیره ی خضراء به سر می برند و فقط ۱۳ نفر مانده است که تعداد یاران حضرت ولی عصر (عج) کامل شود. («جزیره ی خضراء»، ص ۱۷۷)در کتاب «المحَجَّهْ...» در ضمن روایتی از امام صادق علیه السلام نام تمام سیصد و سیزده نفر و قبیله و شهر آنان ذکر شده است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ش» آغاز می شود

شروسی

یکی از علائم قبل از ظهور حضرت ولی عصر (عج)، خروج «شروسی» خواهد بود.امام حسن علیه السلام فرمود: «شروسی از بلاد ارمنیه به سمت آذربایجان که آن را تبریز می نامند، به قصد پشت شهر ری، به طرف کوه سرخ که نزدیک و متّصل به کوه سیاه است، (در کنار کوههای طالقان) حرکت می کند. سپس در آنجا بین «شروسی» و «مروزی» جنگ بسیار سختی روی می دهد که کودکان را پیرو بزرگسالان را فرسوده می کند. پس در آن موقع، منتظر خروج او (حضرت مهدی (عج)) باشید». («مجمع النورین»، ص ۲۹۷)

شرید

امام قائم (عج) مکرّر به لقب «شرید» در زبان ائمّه علیهم السلام به خصوص، حضرت علی علیه السلام و امام باقر علیه السلام، ذکر شده است.«شرید» به معنی رانده شده است. یعنی رانده شده از مردمی که آن حضرت را نشناختند و قدر وجود نعمت او را ندانستند و در مقام شکر گزاری و مقام حقّش برنیامدند، بلکه پس از اینکه از دست یافتن بر او ناامید شدند، به قتل و قمع ذریه ی طاهره ی ایشان پرداختند و به کمک زبان و قلم سعی بر بیرون راندن نام و یاد او از قلوب و اذهان مردم نمودند. («نجم الثّاقب»، ص ۷۸)

شریعی

«ابومحمّد، حسن شریعی»، نخستین کسی است که بعد از شهادت امام یازدهم، به دروغ و افترا ادّعای بابیّت و سفارت از جانب امام زمان (عج) کرد. از این رو شیعیان او را لعن کرده و از او دوری جستند و توقیعی از سوی امام (عج) درباره ی لعن و برائت از او صادر گردید. («آخرین امید»، ص ۱۲۴)

شریعیه

پیروان «ابومحمّد، حسن شریعی» را «شریعیه» گویند. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۶۵۲)رجوع شود به واژه: شریعی

شعیب بن صالح

در روایات اسلامی آمده که، «شعیب بن صالح» یکی از پرچمداران لشکر حضرت مهدی (عج) در هنگام خروج خواهد بود.وی مردی کوسه، گندم گون و متوسط القامتی است که دوستدار بنی تمیم می باشد و با چهار هزار نفر که لباسهایشان سفید و پرچمهایشان سیاه است از شهر روی خروج می کند. او مقدّمه ی خروج حضرت مهدی (عج) است. با کسی ملاقات نمی کند مگر اینکه او را خواهد کشت.و در جای دیگر آمده که وی از سرقند خروج خواهد کرد. («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۱۳)

شلمغانی

از جمله کسانی که به مخالفت با «حسین بن روح» (سوّمین نائب خاص قائم (عج)) برخاست و از راه حسد دست به تأسیس مذهب جدیدی زد، «ابوجعفر، محمّد بن علی شلمغانی» بود. او را «ابن ابی العزاقیر» و پیروانش را به همین مناسبت «عزاقریه» و نیز «شلمغانیّه» می خوانده اند.«حسین بن روح» هنگامی که به دستور «حامد بن عبّاس» به زندان افتاد، «شلمغانی» را به نیابت خود نصب کرد و او واسطه ای بین وی و سیعیان شده امّا او از حدود سال ۳۰۴ تا ۳۱۱ هـ ق مدّعی نیابت خاصّ و بابیّت از برای حضرت حجّت (عج) شد.«حسین بن روح» صریحاً در خصوص لعن و تبرّی از او و از کسی که به سخن او راضی شود، مکتوبی نوشت. بدین ترتیب باطنش آشکار شد و شیعیان از او کناره گرفتند و راضی بالله خلیفه ی عباسی دستور قتل وی را صادر کرد و وی را روز سه شنبه ۲۹ ذی القعده سال ۳۲۲ هـ ق گردن زدند و جسدش را به دار آویختند و در آخر کار سوزانده و خاکستر آن را به آب دجله دادند. («آخرین امید»، ص ۱۰۲ و ۱۴۴)وی احکام دین خود را در کتاب به نام «الحاسهٔ السادسهٔ» تدوین کرده بود. («لغت نامه دهخدا»، ج ۹، (چاپ جدید)، ص ۱۲۷۳۵)

شماطیل

در کتاب «ذخیرهٔ الالباب» گفته شده که، «شماطیل» اسم حضرت مهدی (عج) در کتاب «ارماتش» است. («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۷۷)

شمایل قائم

محدّثان معتبر از شیعه و سنّی، بنابر احادیث بسیار از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و امام علی علیه السلام و دیگر امامان علیه السلام، شمایل و اوصاف امام مهدی (عج) را در کتابهای خویش آورده اند:«چهره اش گندمگون، ابروانش هلالی و کشیده، چشمانش سیاه و درشت و جذاب، شانه اش پهن، دندانهایش برّاق و گشاده، بینی اش کشیده و زیبا، پیشانیش بلند و تابنده، استخوان بندی اش استوار و صخره سان، دستان و انگشتانش درشت، گونه هایش کم گوشت و اندکی متمایل به زردی که از بیداری شب عارض شده، خالی مشکین بر گونه ی راستش پیچیده و محکم، موی سرش بر لاله ی گوش ریخته و به قولی به دوشش ریخته، اندامش متناسب و زیبا و نگاهش دگرگون کننده، خروشش دریاسان فریادش همه گیر و... («خورشید مغرب»، ص ۲۸)

شمشیر

در روایات اسلامی، مکرّر از شمشیر امام قائم (عج) سخن به میان آمده است. و اینکه مثلاً حتّی مانع زکات، اعدام می شود.این به آن معنی نیست که حکومت، زوری است بلکه این شمشیر به عنوان قصاص و مقابله به مثل با مخالفان و خائنان و زورگویان و توطئه گران است، همانگونه که در قرآن کریم آمده است:«و آهن (شمشیر و اسلحه ی عدالت) را فرستادیم که در آن نیروی شدید و منافعی برای مردم است». (حدید/۲۵)و یا در جای دیگر می فرماید: «برای شما در قصاص، زندگی است ای اندیشمندان». (بقره/۱۷۹)بنابر این، این شمشیر برای امنیت و آسایش و صفای مردم و قصاص و مقابله به مثل است که در تمام دنیا به عنوان یک اصل پذیرفته شده است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۸۷)روزگار حضرت مهدی (عج)، روزگار خوار ساختن زورداران است. دیگر روز موعظه و خواهش تمام می شود. مهدی (عج) آنقدر بکشد که مردم بگویند: «این مرد از آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم نیست. اگر از آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم بود، این اندازه خون نمی ریخت».اما او از آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم است یعنی آل حق، آل عدالت، آل عصمت و آل انسانیّت.شمشیر مهدی (عج)، «سیف الله» است، سیف الله المنتقم. شمشیر مهدی (عج)، شمشیر انتقام از همه ی جهانیان در طول تاریخ است. («خورشید مغرب»، ص ۳۷)

شمشیرهای آسمانی

از خصائص حضرت قائم (عج)، آوردن شمشیر های آسمانی برای انصار و اصحاب آن حضرت است.رجوع شود به واژه: حبهٔ

شیخ مرتضی انصاری

«شیخ مرتضی بن محمّد امیر شوشتری انصاری» از مجتهدان بنام شیعه است. وی در سال ۱۲۱۴ هـ ق در دزفول متولّد شد و در سال ۱۲۸۱ هـ ق در نجف اشرف درگذشت «شیخ مرتضی» از سال ۱۲۶۶ هـ ق که «صاحب جواهر» درگذشت، مرجع مطلق شیعه گردید.تحقیقات «انصاری» در فقه استدلالی و اصول و قواعد کلیّه ی حقوق شیعه بی سابقه است.از آثار وی «رسائل» در اصول و «مکاسب» در فقه دقیق ترین تحقیقات حقوقی را دربر دارد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۵، ص ۱۸۶)«شیخ انصاری» از جمله کسانی است که در زمان غیبت کبری به دیدار حضرت قائم (عج) نائل آمد.

شیخ مفید

«محمّد بن محمّد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید» از علمای برجسته ی شیعه و مورد قبول شیعه و اهل سنّت بود و مرجع خاصّ و عام به شمار می رفت. وی بیش از ۲۰۰ کتاب اسلامی نوشت و در همه ی رشته های علوم اسلامی نابغه به شمار می آمد.«شیخ مفید» در سن ۸۵ سالگی در سوّم رمضان سال ۴۱۳ هـ ق از دنیا رفت و در حرم کاظمین به خاک سپرده شد.چندین بار از جانب امام قائم (عج) برای این مرد بزرگوار نوشته ای به خط شریف آن حضرت صادر شد حتّی هنگامی که از دنیا رفت، بر روی قبرش مطالبی با خطّ مبارک آن حضرت مشاهده شده بود. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۴۹)

شیصبانی

از نشانه های قیام قائم (عج)، خروج «شیصبانی» است.امام باقر علیه السلام فرمود: «کجاست برای شما سفیانی تا اینکه پیش از او «شیصبانی» از سرزمین کوفان خروج کند، بجوشد چنانکه آب از چشمه می جوشد و جمع شما و سران شما را بکشد. پس از آن،

متوقّع سفیانی باشد و اینکه حضرت قائم (عج) خروج کند». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۲۵۰)

شیعیان و انتظار

در میـان همه ی آیین ها و کسانی که در انتظار موعود (به معنای عام) به سر می برنـد، نام شـیعه چون قطعه ای فروزان که در آتش عشق به مهـدی (عـج) می سوزد، نمایـان است.در حقیقت همین شـیعیان هسـتند که بایـد در این امر بزرگ و خطیر پیشگام شـده و مقدمات ظهورش را فراهم سازند و امام صادق علیه السـلام فرمودند: «هر یک از شما برای قیام قائم (عج)» – هر چند با تهیه یک تیر – بایـد آماده گردد». (همان مدرک، ص۳۶۶)در روایات اسـلامی به این موضوع که شـیعیان نقش مهمی در قیام قایم (عج) خواهند داشـت، اشـاره شــده اشـاره شــده اسـت:«هنگـامی کـه قـایم قیـام کنـد، خداونـد شــیعیان را از همـه شــهرها نزد او گرد می آورد». («تفسیرالعیاشی»، ج ۱، ص ۶۶)هنگامی که قایم قیام کنـد، خداوند هر عیب و نقص را از شیعیان برطرف می کند، و دلهای آنان را چنـان پـاره هـای پولاـد می گردانـد. قـدرت هر مرد از آنـان را، به انـدازه قـدرت چهـل مرد قرار می دهـد. و آنگاه آنان حاکمان و فرمانروایـان زمین و سـران بزرگوار جهان خواهنـد بود). («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۱۷)این بیانات همه می تواننـد تاکیـد بر این امر باشـد که، شیعه بایـد همواره حضور اعتقادی و اجتماعی خویش را، و تشـکیلات سیاسـی و نظامی – یعنی در واقع، «حضور شـیعی» خود را در صـحنه تاریخ نگاه دارد، تا سـرانجام به هنگام ظهور، در محل جریان اصـلی و به حق خود قرار گیرد. («خورشـید مغرب»، ص ۲۹۴)

شیلو

یکی از نامهای مصـلح جهانی در کتب مقدس، «شـیلو» است. «شـیلو» یعنی کسی که دارای حق است و صلح و سلامتی می آورد.در کتاب تورات در سِفْر پیدایش، شماره ۴۹–۱۰ آمده است:«عصای قدرت و سلطنت از یهود دور نخواهد شد و نه فرمانروایی از میان پاهای وی، تا «شیلو» بیاید و او را اطاعت امتها خواهد بود». («مصلح آخرالزمان»، ص ۷۷)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ص» آغاز می شود

صائد بن صید

«صائد بن صـید» در برخی از روایات «دجّال» نامیده شده است. («بشارهٔ الاسـلام»، ص ۴۳) وی در زمان پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سلّم می زیسـته است. پیامبر او را یکی از مصادیق دجّال به اصحاب خویش معرفی کرده است و چون بعداً از خروج دجّال در آخرالزمان نیز خبر داده، برخی گمان کرده انـد «دجّال» موعود که قبل از ظهور امام قائم (عـج) خروج خواهـد کرد، همان «صائد بن صید» است و در نتیجه به زنده ماندن و طول عمر او قائل شدند.اگر دجّال نام شخص معیّنی نباشد و به هر شخص دروغگو، پر تزویر و گمراه کننده اطلاق شود، دیگر نمی توان گفت که «صائد بن صید» همان دجّال است. («آخرین امید»، ص ۳۲۶)

صاحب

«صـاحب» از القـاب معروف حضرت مهـدی (عـج) است و علمـای رجـال به این امر تصـریح کرده انـد که، این نام آن حضـرت در صحف ابراهیم علیه السلام است.

صاحب الامر

یکی از لقبهای شایع حضرت قائم (عج)، «صاحب الامر» است.زمین را می شوی وارث در آخر به نصّ حکم قرآن صاحب الامر!

صاحب الدار

علمای رجال تصریح کرده انـد که «صاحب الدار» از القاب خاصّه حضـرت مهدی (عج) است. آن حضـرت در حکایتی خود را «انا صاحب الدار» معرفی کرده است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۷۹)

صاحب الدولهٔ الزهراء

در کتاب هدایه از لقب «صاحب الدولهٔ الزهراء» برای حضرت قائم (عج) یاد شده است.

صاحب الرجعهٔ

«صاحب الرجعهٔ» لقب امام زمان علیه السلام است.

صاحب الزمان

«صـاحب الزمان» از القاب مشـهور مهـدی موعود (عـج) است و مراد از آن فرمانفرما و حکمران زمان از جانب خداونـد است.رجوع شود به واژه: اسماعیل نوبختی

صاحب الزمان

نخستین کتابی که از علمای اهل تسـنّن درباره حضـرت مهدی (عج) نوشته شد، کتاب «صاحب الزمان» تألیف «ابوالعنبس، محمّد بن اسحاق بن ابراهیم کوفی» قاضـی صـمره (متوفّی ۲۷۵ ه.ق) است که شایـد تاریـخ نگـارش آن پیش از تولـد امام قائم (عـج) باشـد. («آخرین امید»، ص ۲۲۶)

صاحب السیف

«صاحب السیـف» لقب قطب عالم امکان امام مِهـدی (عـج) است. امام صادق علیه السـلام راجع به امام عصـر (عج) فرمود:«کُلُّنا قائِمُ بِاَمْرِاللهِ واحِدُ بَعدَ واحِد حتّی یُجیءُ صاحِبُ السَّیف، فَإذا جاءَ صاحِبَ السَّیفَ جاءَ بأمْرِ غَیر الّذی کانَ:همه ما قائم به امر خدائیم، یکی پس از دیگری تا زمانی که، صاحب شمشیر آمد، امر و دستوری غیر از آنچه بوده می آورد». («اصول کافی»، ج ۱، ص ۵۳۶)

صاحب الغیبهٔ

«صاحب الغیبهٔ»، لقب امام عصر (عج) است.

صاحب الکرهٔ البیضاء

در کتاب هدایه، «صاحب الکرهٔ البیضاء» از القاب حضرت مهدی (عج) شمرده شده است.رجوع شود به واژه: بقیهٔ الانبیاء

صاحب الناحیه

اطلاق لقب «صاحب الناحیه» به مهدی موعود (عج) در اخبار فراوان است ولیکن علمای رجال فرموده اند که بر امام حسن عسکری علیه السلام بلکه بر امام علی النقی علیه السلام نیز اطلاق می شود.کفعمی در حاشیه «مصباح» خود گفته که، صاحب الامر (عج) در غیبت صغری در آنجا بود. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)صافیّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

صالح

«صالح» لقب مهدی موعود (عج) است.صالحیّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

صبح مسفر

صبح ازل رجوع شود به واژه: یحیی نوری«صُبح مُسْفِر» از القاب خاصّه حضرت مهدی (عج) است که احتمال دارد آن را از آیه شریفه«وَالصُّبْحَ إذا أسْفَرَ (مدّثر / ۳۴): و سوگند به صبح هنگامی که چهره بگشاید»استنباط کرده باشند و مناسبت آن به حضرت قائم (عج) چون صبح صادق، روشن و هویداست. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)

صدق

«صدق» لقب امام غائب (عج) است.

صدقه دادن

یکی از تکالیف مردم نسبت به امام عصر (عج) صدقه دادن برای حفظ وجود مبارک آن امام عزیز، در هر وقت است. چرا که هیچ نفسی عزیز و گرامی تر از وجود امام قائم (عج) نمی باشد، حتی نفْس خود آدمی. اگر چنین نباشد در ایمان نقصان و در اعتقاد خلل و سستی است. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۶، تکلیف ۴)

صراط

«صراط» لقب امام زمان (عج) است.

صقیل

«صقیل» از نامهای مادر گرامی امام عصر (عج) است. هر شیء نورانی، صیقلی و جلا داده شده را، «صیقل» می گویند.علامه مجلسی می فرماید: «نرجس خاتون پس از آنکه به آن وجود نورانی حامله شد، هاله ای از نور و ضیاء او را فرا گرفت، آنگاه به جهت این نورانیّت فوق العادّه، او را «صیقل» نام نهادند». («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۱۵)

صلوات بر قائم

شخصی خدمت امام حسن عسکری (عج) رسید و از آن حضرت خواست تا کیفیّت صلوات فرستادن بر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلّم و اوصیاء آن حضرت را، بیان کند. امام عسکری علیه السّلام برای هر سک از چهارده معصوم علیهم السّلام صلوات

جداگانه ای قرائت فرمودند.صلوات بر قائم (عج) اینگونه آغاز می شود:«اللّهُمّ صلِّ عَلی وَلیُّک وَ ابْنِ أَوْلیائِک الّذینَ فَرَضْتَ طاعَتَهُمْ وَ اوجَبْتَ حقَّهُم وَ...» («مفاتیح الجنان»، باب سوّم، (بخش صلوات بر حجج طاهره (ع)))

صمصام الاکبر

«صمْصامُ الأکبر» (شمشیر تیز بزرگ)، نام امام دوازدهم (عج) در کتاب «کندرال» است. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۰)

صیحه آسمانی

از علائم حتمیّه امام زمان (عج)، «صیحه آسمانی» است.«صیحه آسمانی» یهنی شنیده شدن فریادی از فضا.امام صادق علیه السلام فرمود: «حضرت قائم (عج) در مکه داخل شود و در جانب خانه کعبه ظاهر گردد و چون آفتاب بلند شود از پیش قرص آفتاب منادس ندا کند (که همه اهل زمین و آسمان بشنوند): ای گروه خلائق آگاه باشید که این مهدی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم است. او را به نام و کنیه جدّش رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم یاد کنید» («منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل ۷)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ض» آغاز می شود

ضحی

«ضحی» لقب حضرت قائم (عج) است. در «تأویل الآیات» شیخ شرف الدّین نجفی، در تفسیر آیه مبارکه«وَالشَّمْسِ وَ ضُحیها (شمس / ۱): به خورشید و گسترش نور آن سوگند»روایت شده که «شمس» رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم و «ضُحی» قائم (عج) است. و در بعضی نسخ، خروج آن حضرت است. («نجم الثاقب»، باب ۲،ص ۸۰)

ضیاء

«ضیاء» (نور و روشنایی)، لقب حضرت مهدی (عج) است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ط» آغاز می شود

طاعون سفید و سرخ

از جمله علائم قیام قائم (عج) شیوع «طاعون» (کنایه از مرگ) است. ابا بصیر می گوید به امام صادق علیه السلام عرضه داشتم؛ «فدایت شوم خروج قائم (عج) کی خواهد بود؟» حضرت فرمود: «... ای ابا محمّد به ناچار باید پیش از این کار دو طاعون روی دهد، طاعون سفید و طاعون سرخ»، عرض کردم: فدایت شوم، طاعون سفید چیست؟ و طاعون سرخ کدام است؟حضرت در پاسخ فرمودند: «امّا طاعون سفید، مرگ همگانی خواهد بود و امّا طاعون سرخ عبارت از مُردن به وسیله شمشیر است». («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹)

طالب التراث

«طالب التّراث» در کتاب «هدایه» از القاب مهدی موعود (عج) شمرده شده است.رجوع شود به واژه: تُراث رسول خدا

طالقان

در احادیث مربوط به امام زمان (عـج) نامی از طالقان هم به میان آمـده است که عنوان شـده، تعدادی – به روایتی ۲۴ نفر– از یاران امام زمان (عـج) از این دیار خواهند بود.امیر مؤمنان علی علیه السّـلام فرمود:«آفرین بر طالقان که خداوند در آن گنجهایی نهاده که از طلا و نقره نیست بلکه مردان مؤمنی هستند که به طور شایسته خدا را شناخته اند و در آخر الزّمان یاوران امام قائم (عج) خواهند بود». («المجانس السنّیه»، ج ۵، ص ۶۹۷)با اینکه در جغرافیای قدیم اسلام، دو سه طالقان نام برده شده است، به احتمال قوی مراد از آن، همیـن طالقـان معروف و آبادیهـای مربـوط بـه آن اسـت، کـه در نـاحیه مرکزی ایران قرار دارد. («خورشـید مغرب»، ص ۳۲۱)طاهررجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

طرید

حضـرت قائم (عـج) به طور مکّرر در اخبار به لقب «طَریـد» خوانـده شـده و معنی آن شبیه به لقب «شـرید» است.رجوع شود به واژه: شرید

طلوع خورشید از مغرب

در علائـم ظهـور امـام قـائم (عـج)، سـخن از طلـوع خورشـید از مغرب رفتـه اسـت. در برخی احـادیث ایـن امر، اینگـونه بیـان شـده است:خورشـید به هنگام ظهر، در آسـمان راکـد شود (آسـمان به سـختی تیره گردد)، و خورشـید ناپدیـد شود، چنانکه گویی غروب کرده است) و ساعتی چند تا به هنگام عصـر، پیدا نباشد، آنگاه (که به جانب مغرب رسـیده باشد)، از مغرب ظاهر گردد. («الارشاد»، ص ۳۵۷)در برخی از روایات این مطلب نیز آمده است که: «آیت و نشانه ای و سیمایی در خورشید پدیدار گردد». و در برخی آثار رسـیده است که «مهـدی، خود، همـان خورشـیدی است که از مغرب (محل غروب کردن) خویش طلوع خواهـد کرد(وَ هُوَ الشَّمْسُ الطّالِعَهُ مِنْ مَغْرِبِها («بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۱۹۵)

طول عمر قائم

این سؤال در طول تاریخ از زمان مرحوم شیخ صدوق به بعد مطرح بوده که، چگونه ممکن است،حضرت مهدی آنقدر یا بیشتر عمر کند؟از نظر علمی، برخی زیست شـناسان می گویند: «انسان باید ۳۰۰ سال عمر کند، اینکه انسان ۷۰ یا ۸۰ سال عمر می کند، برای آن است که عضوی از او فرسوده می شود و به عضوهـای دیگر سـرایت می کنـد».و از آزمایشـاتی که دانشـمندان، روی حشـرات و سلّولهـا و گیاهـان کرده انـد نشـان می دهـد که گـاهی عمر آنهـا را به صـدها و بلکه به هزارها برابر رسانـده انـد.امّا از نظر دین، در روایات مذهبی می خوانیم که حضـرت ادریس علیه السّـلام، حضرت الیاس علیه السّلام، حضرت خضر علیه السّلام و حضرت عیسی علیه السّـلام هنوز زنـده انـد و در قرآن می خوانیم که: نوح در میـان قوم ۹۵۰ سـال درنگ کرد.بنابراین چه مانعی دارد که خـداوند تمام علل پیری و فرسودگی را به امام زمانش آموخته باشد و با بکار گرفتن آن، عمر را بسیار کند. («حضرت مهدی (عج)،فروغ...»، ص۸۲ به بعد)

طول عمر یاران قائم

از جمله خصائص قیام قائم (عـج) طول عمر یاران آن حضـرت است. در روایات اسـلامی وارد شـده که هر مرد در مُلک و حکومت

آن جناب آنقدر عمر کند تا اینکه برای او هزار پسر متولد می شود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۲۶)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ظ» آغاز می شود

ظلوم

«ظلوم» از جزایری است که یکی از فرزنـدان حضـرت مهـدی (عـج) بر آن حکومت می کند.رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ع» آغاز می شود

عاشورا و قیام قائم

طبق برخی از روایات، امام قائم (عج) در روز عاشورا قیام می فرمایند. («کشف الغمّه»، ج ۳، ص ۴۶۰)ارتباط بین روز عاشورا و روز قیـام قـائم (عـج)، یـک رابطه ملموس و قابل درک برای هر انسان عاقلی است. چرا که راه و هـدف مهـدی (عـج) همان هـدف امام حسـین علیه السّلام در ابعاد وسیع و گسترده جهانی است.در روز عاشورا شمشیر حکم می کرد و در قیام ولی عصر (عج) هم شمشیر پاسخگوی بسیاری از نارسائیها خواهد بود.عاشورا دغدغه ای نهفته در وجود انسانهای مسلمان است و انتظار فرج و قیام مهدی (عج) هم چیزی است که با سرشت آنان عجین شـده است.اگر واقعه عاشورا با مقدّماتی تلخ و کار شـکنیهای یاران یزید به وقوع پیوست، قیام قائم هم با خروج سـفیانی ها و دجّالها که موانع اجرای احکام الهی هسـتند، به منصّه ظهور خواهـد رسـید.و... عاشورای حسـینی نمونه بزرگی برای قیام بزرگتر مهدی موعود (عج) خواهد بود.

عاقبهٔ الدار

«عاقبهٔ الدّار»، لقب امام زمان (عج) است.

عالم

در کتاب «ذخیرهٔ الالباب»، «عالم» از القاب حضرت مهدی (عج) نامیده شده است.

عباس بن هشام ناشری

«ابو الفضل، عباس بن هشام ناشـری»، از اصـحاب امام رضا علیه السّلام و متوفّی سال ۲۲۰ ه.ق است. وی کتـابی به نام «غیبت» دارد. («رجال» شیخ طوسی، ص ۳۸۴)عبد الرحمن رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

عبدالله

«عبدالله» از اسامی مبارک امام فصر (عج) است.رجوع شود به واژه: احمد

عبدالله

«عبـدالله»، نام شـش نفر از «اَبْدال» است. آنان نخستین افراد از ۳۱۳ نفر یاران مخصوص قائم (عـج) هسـتند که به ایشان می پیوندند. («الاوائل»، ص۳۳)رجوع شود به واژه: أبْدال

عبدالله سوری

«عبدالله سوری»، کسانی است که در دوران کودکی حضرت حجّت (عج)، او را در بستان بنی عامر دیده است. («اکمال الدّین و...»، ص ۴۴۱)

عبیدالله بن محمد

«عبیدالله بن محمّد» از شـیعیان امامی بود که در سال ۲۵۹ ه.ق متولّد و در سال ۳۲۲ ه.ق در گذشت. وی مؤسـس دولت فاطمیان در مغرب بود که دعوی مهدویّت کرد و شهر «مهدیّه» را در سال ۳۰۳ ه.ق بنیاد گذارد. («آخرین امید»، ص ۲۱۲)

عثمان بن سعید

«ابو عمر، عثمان بن سـعید اسدی عمروی (عمری)» از یاران و شاگردان مورد وثوق امام هادی علیه السّلام و امام حسن عسکری علیه السّـلام بود. او را «سـمّان» و «زیّات» یعنی «روغن فروش» هم می گفتند. این شـغل بخاطر بعضـی از مصالح و تقیّه و اختفاء امر نیابت بود. شـیعیان اموالی را که برای امام حسن عسکری علیه السّلام می آوردند و به او تسلیم می کردند،او آنها را در داخل خیک روغن می گذاشت و به خدمت آن بزرگوار می فرسـتاد.امام حسن عسـکری علیه السّـلام چون نام طولانی او را شـنید، فرمودند: «کنیه (ابن عثمان) و (ابو عمرو) در یک مرد جمع نمی شود» و لـذا دسـتور داد که کنیه او را که «ابو عمرو» باشـد بر هم بزننـد و وی را «عمری» نامیدنـد. («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۴۴)پس از در گذشت امام حسن عسـکری علیه السّـلام، «عثمان بن سـعید» امام را غسل داد و کفن کرد و حنوط نمود و به خـاک سپرد. (همان مـدرک، ص ۳۴۶)در این زمان که امر غیبت صـغری هم آغاز گردید، «عثمان بن سعیـد» از سوی حضـرت مهـدی (عج) به عنوان نخستین نائب خاصّ آن حضـرت، منصوب گشت و واسـطه میان امام و شـیعیان شد. رحلت او را بعد از سال ۲۶۰ ه.ق ذکر کرده انـد. هنگامی که وی در گذشت، جسدش را در جانب غربی بغداد در «شارع المیدان»، که نزدیک دروازه قبلی قرار داشت، به خاک سپردند و قبر در خود قبله مسجد است. («آخرین امید»، ص ۸۰)

عدل

«عدل» لقبامام زمان (عج) است.

عزّة

«عزّة» از القاب حضرت حجّت (عج) است.

عسکریة

«عیکریة»،نام فرقه ای است که امام حسن عسـکری علیه السّـلام را امام قائم می دانند و قائلند که او نمرده و برخی گفته اند که وفات کرده و بعد از آن زنده شده است. («نجم الثاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۶)

عصائب

طبق برخی روایات، «عصائب» یاران حضرت مهدی (عج) در عراق هستند که هنگام ظهور آن حضرت خود را به مکه می رسانند و با او بیعت می کنند. («المجالس السنیّه»، ج ۵، ص ۶۹۹)با توجه به معنی «عصائب» که جمع عصبه و به معنی «جوانمردان رشید و نیرومند» است، به این نتیجه می رسیم که یاران مهدی (عج) باید چنین باشند.

عصای حضرت موسی

از جمله خصائص و ویژگیهای حضرت قائم (عج) در هنگام ظهور این است که «عصای حضرت موسی علیه السّلام» همراه آن حضرت می باشد.در «الغیبهٔ» نعمانی روایتی است از حضرت صادق علیه السّلام که فرمودند: «عصای حضرت موسی از شاخه درخت آس بود که در بهشت کاشته شده بود و هنگامی که به سمت مدین رفت، جبرئیل آن را برای او آورد و آن عصا و تابوت حضرت آدم علیه السّلام در دیباچه طبریه است و کهنه و متغیّر نمی شود تا اینکه آنها را قائم (عج) هنگام خروج، بیرون آورد». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۱۲۶)در روایتی دیگر عنوان شده که آن عصا در غاری در انطاکیه است.رجوع شود به واژه: انطاکیه

عصر

«عصر» لقب مهدی موعود است. این نام در قرآن مجید هم مذکور است، آنجا که می فرماید:«والْعَصْرِ (عصر / ۱)سوگند به عصر».مفسّرین یکی از وجوه تفسیری این آیه را، عصر حضرت بقیّهٔالله (عج) عنوان کرده اند. («نورالثقلین»، ج ۵، ص ۶۶۶)عقبه افیق شام رجوع شود به واژه: دجّال

عقید

«عقید»، خادم امام حسن عسکری علیه السّلام بود که مکرّر به دیدار حضرت مهدی (عج) نائل شده و او اوصاف مبارکش را بازگو کرده است. و هنگامی که امام علیه السّلام می خواست فرزند بزرگوارش را به حضور بطلبد به او دستور می داد که داخل خانه شده، آن حضرت را به محضر پدر بزرگوار بیاورد. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۶)

عقیقه

«گوسفندی را که به عنوان حفظ جان نوزاد و طفل از گزند حوادث قربانی می کنند، «عقیقه» می گویند». («وسائل الشّیعه»، ج ۱۱، ص ۴۸۹)پس از نولد مهدی موعود (عج)، امام حسن عسکری علیه السّلام دو گوسفند برای «ابراهیم بن ادریس» می فرستد و می نویسد:«این گوسفندها را ذبح کرده، به عنوان عقیقه مولایت (حضرت قائم «عج») بخور و برادرانت را دعوت کرده اطعام بده»آن امام بزرگوار همین عمل را به چندین نفر دیگر هم توصیّه می کنند تا انجام دهند. («الغیبهٔ»، شیخ طوسی، ص ۱۴۸)

علائم حتمیه

عالماتی که بیانگر ظهور حضرت صاحب الزمان (عج) می باشد، دو قسم است:یکی علامات حتمیّه و دیگری علامات غیر حتمیّه. برخی از علامات حتمیّه بدین ترتیب است:خروج دجّال، صیحه و نداء آسمانی، خروج سفیانی، فرو رفتن لشکر سفیانی در بَیداء، قتل نفس زکیه، خروج سیّد حسنی، ظاهر شدن کف دستی در آسمان، کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر آن،

آیات و علاماتی که در ماه رجب ظاهر می شود و اختلاف بنی عبّاس و انقراض دولت ایشان.قسمی دیگر از علائم ظهور، علائم حتمیّه است.(این علائم بسیار است که بعضی از آنها ظاهر شده و برخی هنوز واقع نشده است).«حاج شیخ عبّاس قمی» در کتاب «منتهی الآمال»، باب چهاردهم، فصل هفتم، علاوه بر ذکر علائم حتمیّه، به ذکر ۲۱ مورد از علائم غیر حتمیّه پرداخته است که چند نمونه آن در ذیل می آید:«خراب شدن مسجد کوفه»، جاری شدن نهری از شطّ فرات در کوچه های کوفه، ظاهر شدن ستاره دنباله دار در نردیکی ستاره جُدَیّ، خراب شدن مسجد براثا، مسخ شدن طایفه ای به صورت میمون و خوکها و...»علائم غیر حتمیّهرجوع شود به واژه: علائم حتمیّه

علامه حلی

«جمال الدین، حسن بن یوسف بن مطهّر حلّی» معروف به «علامه حلّی»، از علمای برجسته قرن هشتم هجری است که در سال ۷۲۶ ه.ق از دنیا رفت و در نجف اشرف به خاک سپرده شد. او در تمام علوم اسلامی استاد ماهری بود و تألیفات او را بیش از ۵۰۰ جلد تخمین زده اند. وی «سلطان محمّد خدابنده» پادشاه مغول را شیعه کرد و در این مسیر خدمت بزرگی به مذهب جعفری نمود.«علامه حلّی» از کسانی است که به دیدار آقا امام زمان (عج) نائل آمده و از وجود این خورشید فروزان بهره ها برده است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۲۴۹)رجوع شود به واژه: سیّد مرتضیعلقمیّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

علی اعرج کوفی

«ابوالحسن، علی بن عمر اعرج کوفی» از یاران امام کاظم علیه السّلام بود. وی کتابی به نام «الغیبهٔ» درباره مهدی صاحب الزّمان (عج) نوشته است. («رجال» نجّاشی، ص ۱۹۴)

علی بن بلال

«علی بن بلال»، از شخصیّتهای بزرگ و مورد اعتماد شیعه است که شهادت داده، امام حسن عسکری علیه السّلام، فرزندش مهدی (عج) را به چهل نفر از شیعیان نشان داده و خود او یکی از آنها بوده است. («ینابیع المودهٔ»، ج ۳، ص ۱۲۳)

علی بن حسن طائی

«ابوالحسن، علی بن حسن بن محمّد طائی جرمی شاطری) معاصر حضرت موسی بن جعفر علیه السّلام بود. وی کتابی به نام «الغیبهٔ» درباره حضرت قائم (عج) نوشته است. («فهرست شیخ طوسی»، ص ۱۱۸)

علی بن فاضل مازندرانی

«شیخ زین الدّین، علی بن فاضل» اهل مازندران و از شهرکی به نام «إبْریم» بود. («نجم الثّاقب»، ص ۲۹۶)وی یکی از شیوخ صالح باورع و ساکن نجف اشرف بود که در حدود سال ۶۹۰ ه.ق طی یک ماجرائی که خودش نقل کرده است وارد«جزیره خضراء» شده و در آنجا با یاران خاصّ آن حضرت به گفتگو نشسته است.«علی بن فاضل»، داستان خود را به طور مفصّل همراه با مسائلی در کتابی به نام «الفوائد الشّمسیّهٔ» آورده است.خلاصه ماجرا از زبان علی بن فاضل مازندرانی:«وارد شهری از شهرهای غرب (اسپانیا) شدم، مرکبهائی از بلاد امام عصر (عج) وارد آنجا شد، یکی از مسافرین آنها پیر مردی بود که چون مرا دید گفت: نام تو چیست؟ گمان می کنم علی باشد.گفتم آری،گفت: نام پدرت چیست؟ گویا فاضل باشد.گفتم: آری، چه خوب نام من و پدرم را می

شناسی.گفت: بدان که نام واصل و وصف و خصوصیّات تو را برای من بیان کرده اند و من تا جزیره خضراء با تو هستم.بسیار خوشحال شدم. مرا با خود به دریا برد، روز شانزدهم به آب سفیدی رسیدیم، پرسیدم اینجا کجاست؟گفت: بحر ابیض است و آن، جزیره خضراء است، که این آب سفید اطرافش را گرفته است و به حکمت خداوند چون کشتیها و وسائل نقلیّه دیگر دشمنان به اینجا رسند غرق می شوند و به آن حضرت دست نیابند.سپس وارد جزیره خضرا شدیم و رفتیم در مسجد، شخصی به نام «سیّد شمس الدّین» را دیدم که می گفت: من از نوه های امام عصر (عج) هستم. (نوه پنجم). پس از گفتگوئی به او گفتم: هرگز امام را دیده ای؟گفت: «نه ولی پدرم نقل کرد که صدای امام را شنیده ام و خودش را ندیده ام و امّا جدّم، هم خودش را دیده است و هم صدایش را شنیده است».آنگاه با آن سیّد از شهر بسرون رفتیم و به پیر مردی رسیدیم، از سیّد احوال آن پیر مرد را پرسیدم، گفت: «این کوه را می بینی، در وسط آن جای خرّمی است و در آن چشمه ای است و کنار چشمه، قبّه ای است و این مرد با رفیقش خادم آن قبّه است، من هر صبح جمعه می روم آنجا خدمت امام عصر (عج) (البته با توجّه به آغاز ماجرا خود امام را نمی بیند و صدایش را نمی شنود) و در قبّه دو رکعت نماز می خوانم و کاغذی می یابم که در آن حکم مرافعه ای را که در هفته به من رجوع می کنند در آن نوشته، کا غذ را برمی دارم و هر چه در آن نوشته به آن عمل می کنم».علی بن فاضل می گوید: از خادمها خواهش کردم مرا به حضور امام (عج) ببرند، گفتند: راهی ندارد، آن رفیقم به من گفت: «دستور آمده که تو را به وطن برگردانم، برای من و تو مخالفت روا نیست». («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۶۸ به نقل از «اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۳۷۱)

علی بن محمد سیمری

«شیخ ابوالحسن، علی بن محمّد سِیْمُری»، چهارمین و آخرین نائب امام عصر (عج) در دوران غیبت صغری بود. او در بغداد در خیابان خلنجی جنب «ربع المحول» نزدیک نهر ابو عتاب و نزدیک آرامگاه «شیخ کلینی» به خاک سپرده شد.او پس از درگذشت «حسین بن روح» که در شعبان سال ۳۲۶ ه.ق واقع شد به نیابت مولای خویش برگزیده شد. و قبل از مرگش، از جانب امام زمان (عج) مأمور گشت تا به کسی وصیّت نکند، و کسی را به عنوان «نائب خاصّ» معرّفی ننمایند، و آغاز «غیبت کبری» را اعلام دارد.

علی بن مهزیار

«علی بن مهزیار» یکی از زیارت کنندگان جمال عالم آرای یوسف زهراء (س)، حضرت حجّت (عج) است. او می گوید:«بیست حج به قصد اینکه حضرت صاحب الامر را ببینم انجام دادم امّا میسّر نشد. شبی در رختخواب خود خوابیده بودم، صدائی شنیدم که کسی گفت: ای فرزند مهزیار! امسال به خدمت امام زمان خود خواهی رسید...»و او به آرزویش رسید. (شرح داستان در کتاب «منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل ۳، مطالعه کنید.)در کتب حدیث از سه تن به نام «ابن مهزیار» نام برده شده است که هر کدام روایات و حکایات جداگانه ای دارند. علّامه نوری در «نجم الثّاقب»، باب هفتم، می گوید: «به نظر حقیر اشتباهی در اسم شده و حکایت «علی» را گاهی به او نسبت می دهند و گاهی به «ابراهیم» و گاهی به «محمّد» و واقعه های گوناگون نقل می کنند، و ظاهراً یک واقعه باشد والله العالم». (برای آگاهی بیشتر ر.ک به پا ورقی ص ۷۷۹ کتاب مهدی موعود (ترجمه ج ۱۳ بحار الانوار))

عمر بن یزید

«عمر بن یزید» برده فروشی بود که ملیکه (مادر امام زمان (عج)) را به فرستاده امام علی النّقی علیه السّلام (بشر بن سلیمان) فروخت. (منتهی الامال باب ۱۴، فصل اوّل.)رجوع شود به واژه: بشر بن سلیمان نُخّاس

عمرو اهوازی

«عمرو اهوازی» از کسانی است که امام قائم (عج) را در دوران حیات امام عسکری علیه السّلام زیارت کرده است.او می گوید: «حضرت عسکری علیه السّلام، فرزند بزرگوارش را به من نشان داد و فرمود: «این صاحب شماست»». (الغیبهٔ شیخ طوسی ص ۱۴۰)عناطیسرجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبریعوالیرجوع شود به واژه: دشت حجاز

عوف سلمی

یکی از کسانی که قبل از آمدن حضرت قائم (عج) از «تکریت» خروج خواهد کرد و در دمشق به قتل خواهد رسید، «عوف سلمی» است.این مطلب در حدیثی از امام سجّاد علیه السّلام بیان شده است. (بحار الانوار ج ۵۲، ص ۲۱۳)

عین

«عین» لقب امام عصر (عج) است. لفظ «عین الله» در زیارت آن حضرت هم وجود دارد و اطلاق آن بر همه ائمّه علیهم السّلام شایع است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «غ» آغاز می شود

غارت پرده کعبه

یکی از علائم قیام حضرت قائم (عج)، «به غارت بردن پرده خانه کعبه» است.

غائب

«غائب» لقب حضرت مهدی (عج) است.

غایهٔ الطالبین

از القاب امام زمان (عج) می توان به «غایهٔالطّالبین» اشاره کرد.

غایهٔ القصوی

«غایهٔالقصوی» یعنی مقصود نهائی و از القاب امام دوازدهم شیعیان (عج)، که در کتاب هدایه ذکر شده است.

غریم

«غریم» از القاب خاصّه امام قائم (عج) است و در اخبار اطلاق آن بر حضرت شایع است. «غریم» هم به معنی طلبکار و هم به معنی اوّل است و این لقب مثل «غلام» در تعبیر آن حضرت از روی تقیّه بوده است.هنگامی که شیعیان می خواستند مالی نزد آن حضرت یا وکلایش بفرستند یا وصیّت کنند یا از ایشان مطالبه کنند به این لقب می خواندند و از آن حضرت غالب ارباب زرع و تجارت و حرفه و صناعت طلبکار بود.علّامه مجلسی فرموده است: «ممکن است غریم به معنی بدهکار باشد و نام بردن از آن حضرت به این

اسم از جهت تشبّه آن جناب به شخص مدیون باشد که خود را از مردم به علّت قرضهای خود مخفی می کند، یا آنکه چون مردم آن حضرت را طلب می کنند تا علوم و شرایع را از ایشان یاد بگیرند، آن جناب از آنان به جهت تقیّه می گریزد. پس آن حضرت غریم مستتر است». («منتهی الامال»، باب ۱۴، فصل اوّل.»)

غضباء

«غضباء» نام ناقه رسول خداست که حضرت صاحب الزّمان (عج) هنگام ظهور و خروج همراه خود خواهند آورد. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۵)

غلام

لقب «غلام» در زبان روایات و اصحاب، مکرّر به حضرت صاحب الامر اطلاق شده است.غلام احمد رجوع شود به واژه: احمدیّه

غوث

«غَوْث» از القاب خاصّه حضرت مهدی (عج) است که در زیارت معتبره وارد شده و معنی آن «فریاد رس» است.

غوث الفقراء

«غَوْثُ الْفُقَراء» لقب حضرت ولی عصر (عج) است.رجوع شود به واژه: بقیّهٔ الانبیاء

غیب

در کتاب «ذخیرهٔالالباب»، «غیب» از نامهای حضرت قائم (عج) شمرده شده که در قرآن هم مذکور استو امام صادق علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه:«ذلِکَ الْکِتابُ لا رَیْبَ فیهِ هُدیً لِلْمُتَّقینَ – الَّذینَ یُؤْمِنونَ بِالْغَیْبِ (بقره/۲و۳): آن کتاب با عظمتی است که شک در آن راه ندارد و مایه هدایت پرهیزکاران است – (پرهیزکاران) کسانی هستند که به غیب ایمان می آورند».فرمود: متّقین شیعیان علی بن ابی طالب هستند و امّا غیب، پس او غائب است و شاهد بر این قول خداوند که می فرماید:«وَ یَقولونَ لَوْ لا أُنْزِلَ عَلَیْهِ آیَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَقُلْ إِنَّما الْغَیْبُ لِلّه فَانْتَظِروا إِنّی مَعَکُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرینَ (یونس/۲۰):«و می گویند چرا فرو فرستاده نشد بر او آیتی از پروردگارش. پس بگو نیست غیب مگر خدای را پس منتظر باشد به درستی که من با شما از منتظرانم»یعنی برای آمدن آن غیب، از آیات خداوندی است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم،ص ۸۲)

الغیبهٔ طوسی

کتاب «الغیبهٔ» تألیف «شیخ الطّائفه ابی محمّد بن الحسن طوسی» (متوفّی ۴۶۰ هجری قمری) است.«شیخ طوسی» در این کتاب جدیدترین استدلالات، هم از نظر روایتی و هم از لحاظ کلامی را در توجیه غیبت کبرای امام دوازدهم (عج) به کار می برد و با استفاده از احادیث واستدلال عقلی ثابت می کند که امام دوازدهم حضرت مهدی (عج) است که باید در پرده غیبت به سر برد.«شیخ طوسی» اطّلاعات تاریخی موثّقی را در مورد فعّالیّتهای مخفی چهار نائب خاصّ امام دوازدهم به نقل از کتاب مفقود شده ای تحت عنوان «الاخبار الوکلاء الاربعه» نوشته «احمد بن نوح بصری» ارائه می دهد. («آخرین امید»، ص۱۷۱)رجوع شود به واژه:

البرهان علی صحّهٔ طول عمر الامام صاحب الزّمان

الغیبهٔ نعمانی

در کتـاب «الغیبـهٔ» اثر «محمّـد بن ابراهیم بن جعفر» معروف به «نعمانی» است. «نعمانی» چون پس از رحلت امام حسن عسـکری علیه السّـلام دید جوامع شـیعه را هاله ای از حیرت و شـگفتی فرا گرفته است، کتاب «الغیبهٔ» را نوشت، وی کوشـید تا ضرورت غیبت امام دوازدهم را بـا نقل احادیثی از پیامبر اکرم صـلّی الله علیه و آله و سلّم و ائمّه اطهار علیهم السّـلام که غیبت آن بزرگوار را پیش بینی کرده اند، اثبات کند. («آخرین امید»، ص ۱۶۷)رجوع شود به واژه: البرهان علی صحّهٔ طول عمر الامام صاحب الزّمان.

غیبت شأنیه

با توجّه به شـئون و تصـرّفات گوناگون امام در جهان، به این نتیجه می رسیم که غیبت حجّت خدا غیبت کلّی نیست، بلکه این غیبت و عـدم حضور، غیبت جزئی است، یعنی: غیبت و عـدم حضور در شـأنی از شـئونات ولایت. و آن شأن، معاشـرت با مردم و هـدایت مسـتقیم اجتماع بشـری و تشکیل حکومت حق است.امام عصر (عج) در عصر غیبت، در همین یک شأن از شئونات ولایت و مقامات و تصرّفات خویش غائب است و در دیگر شئون، حاضر، نافذ و فعّال است.این یک واقعیّت شناختی بزرگ است که از آن در ابواب معرفت به «غیبت شأنیه» تعبیر می شود. امام در عصر غیبت، دارای «غیبت شأنیه» و «حضرت (حاضر بودن) شئونیّه» است. آن حضرت در یک شأن و امر غائب و در بقیّه حاضـر است، زیرا که این شـئون و حضور، در ارتباط مستقیم با بقاء و امتداد تکوّن کائنات است. («خورشید مغرب»، ص ۱۸۴)

غیبت صغری

پس از هجوم مأموران خلیفه عبّاسـی، به خانه امام حسن عسـکری علیه السّـلام و جسـتجوی فرزند و جانشـین آن امام، روشن گشت، خطری که جان امام آینـده را تهدیـد می کند، خطری بس سـهمگین است. این هجوم و پیگیری، در پیدا کردن مهدی (عج) ایجاب می کرد تا برای نگهـداری جان باقی مانـده سلسـله امامت. سـلاله نبوّت و مصـلح بزرگ بشـریّت، اقـدامی بس جدّی به عمل آید.و همین زمـان بود که به توجّه به احوالاـتی، به فرمـان الهی، و به قـدرت و حکمت خـدائی، آن حضـرت از نظرهـا پنهان گردیـد و امر عظیـم «غیبـت» پدیـدار شـد.ایـن غیبت به دو مرحله تقسـیم گشت: مرحله کوتـاه مـدّت (غیبت صـغری) و مرحله دراز مـدّت (مرحله کبری).غیبت صـغری امام زمان (عج) از دو جهت محدود بود: از جهت زمانی و از جهت شـعاعی. از نظر زمانی، بیش از هفتاد سال به طول نینجامیـد، یعنی از سال ۲۶۰ تا ۳۲۹ هجری قمری. از نظر شـعاعی نیز، این غیبت، غیبتی همه جـانبه نبود، و شـعاع و دامنه آن محدود بود. یعنی در طول این مدّت، اگر چه امام از نظرها پنهان بود، ولیکن این غیبت پنهانی نسبت به همه کس نبود، بلکه کسانی بودنـد که به صورت پنهانی با امام در تماس بودند. اینان نائبان خاصّ امام بودند، کارهای مردم رامی گذرانیدند، نامه ها و سؤالات مردم را به نزد امام می بردنـد- یا می فرسـتادند – و پاسخ امام را به مردم می رساندند. («همان مدرک»، ص ۴۲)رجوع شود به واژه: رشیق، نوّاب اربعه

غیبت کبری

پس از گذشـتن غیبت صـغری، دوره غیبت کـبری و دراز مـدّت آغـاز گردیـد. و این غیبت تـا کنون ادامه یـافته است.در این مـدّت طولاـنی است که بزرگترین مرحله آزمـایش و امتحـان، در دار طبیعت و سـنجش ایمـان و عمـل خلق وجود دارد، تا معلوم گردد در

خلال این روزگاران، در هر نقطه از جهان،چگونه استفاده می برنـد و چه نتیجه ای می گیرند و افراد در برابر احساس وظیفه چه می کنند و علّت به وجود آمدن چه اعمال و حوادثی و آثار و افکار و رفتاری می شوند... («همان مدرک»، ص۴۳)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ف» آغاز می شود

فارقلیط

رجوع شود به: زردشتیان و انتظار

فاضل

«فاضـل» نـام زره رسول اکرم صـلّی الله علیه و آله است که حضـرت قـائم (عـج) هنگام ظهور همراه خود دارنـد. («نجم الثّاقب»، ص ۱۲۵)

فایده غیبت طولانی قائم

امام قائم (عج) به خاطر عدم پذیرش جامعه از نظرها پنهان است، اگر او همچون امامان معصوم علیهم السّلام دیگر آشکار بود، مردم همان که با امامان کردنـد با او می کردنـد، امّا او غائب است تا مردم آمادگی پـذیرش او را در طول زمان پیـدا کننـد.از جمله فوائد غیبت امـام قائم (عـج) می توان به این مورد اشاره کرد:۱- غیبت او به پیروانش امیـد می بخشـد و آنها را دلگرم می کنـد که دارای چنین رهبری هسـتند، بـا توجّه به این که امیـد، سازنـده است.۲- غیبت آن حضـرت پیروانش را قـدم به قـدم آمـاده می سـازد تا آن حضـرت را از عزلـت بیرون آورنـد.۳- گفتگـو دربـاره قیـام مهـدی (عـج) در طـول زمـان بـا فرصت کـافی موجب پرورش نفوس و آمادگی در انـدیشه انقلاب جهانی بودن و هدفداری و... می شود و به این ترتیب زمینه سازی ظهور آن حضـرت مهیّا می گردد.۴- شناخت موانع یک انقلاب جهانی در تمام ابعاد و بر اندازی آن موانع، نیاز به طول زمان و کمک فکری بسیار در سطح جهان دارد، این نیز یکی از فوائد غیبت امام قائم (عج) می باشد.۵- طول غیبت و دوری مردم از رهبر مصلح و عادل، موجب فساد در تمام زمینه هـا شـده و همین فسـاد موجب خسـتگی و ناراحتی و نارضایتی مردم می شود و در دل این فساد، جرقّه های انقلاب بروز می کنـد و مردم، تشـنه مصلح واقعی و عدالت می شوند، چرا که تا همه، رنج ظلم و فساد را نبرند، آماده درک لذّت عدالت و اصلاح نخواهند شد.۶- غیبت امتحانی است که خداوند شیعیان را در معرض آزمایش قرار داده تا معلوم شود چه کسی ثابت قدم و استوار در امامت امام دوازدهم باقی خواهد ماند.۷- غیبت دلائلی دارد که به امامان اجازه افشای آن داده نشـده است و... («آخرین امیـد»، ص ۱۷۲-۱۸۰)

فتح

«فتح» لقب مهدی موعود (عج) است. در روایات آمده که در آیه شـریفه«إذا جآءَ نَصْرُ اللهِ وَ الْفَتْحُ (نصر/۱): هنگامی که یاری خدا و پیروزی فرا رسـد»،مراد از فتـح، مهـدی (عـج) اسـت.در تفسـیر علی بـن ابراهیـم، در تفسـیر آیـه مبـارکه«نَصْرٌ مِنَ اللهِ وَ فَتْحٌ قَرِیبٌ (صف/۱۳): یاری خداوند و پیروزی نزدیک است»آمده که به فتح حضرت مهدی (عج) اشاره دارد. («نجم الثاقب»، ص ۸۴)

فتوریسم

«فتوریسم» (fotorism) یعنی اعتقـاد بـه دوره آخر الزّمـان، و انتظـار ظهـور منجی، عقیـده ا ی کـه در کیشـهای آسـمانی یهـودیّت (جودائیسم)، و زردشتی (زوراستریانیسم)، و مسیحیّت (در سه مذهب عمده آن: کاتولیک، پروتستان، و ارتدوکس) و مدّعیان نبوّت عموماً، و دین مقدّس اسـلام خصوصاً، به مثابه یک اصل مسلّم قبول شده است. و درباره آن در مباحث تئولوژیک مذاهب آسمانی، رشته تئولوژی بیبلیکال، کاملاً شرح و بسط داده شده است. («خورشید مغرب»، ص ۵۲)

فجر

«فجر» لقبی برای حضرت صـاحب الزّمـان (عـج) اسـت.امـام صـادق علیـه السّـلام در تفسـیر کلام خداونـد که می فرمایـد:«وَالْفَجْر (فجر/۱):قسم به فجر»فرمود: «مراد از فجر، قائم (عـج) است».همچنین آن حضـرت در تفسیر سوره مبارکه قدر و آیه آخر این سوره: «... حتّی مَطْلَعِ الْفَجْرِ،... تا هنگام طلوع فجر»فرمودند:«تا آنکه قائم ما برخیزد و ظاهر شود» («نجم الثّاقب»، باب دوم، ص ۸۴ و ۱۱۷)

فرائد

«فرائد» نام کتاب «میرزا ابوالفضل گلپایگانی» است. به قول خود وی این کتاب را در اسـتدلال به صـحّت دعوی باب و بهاء نوشـته و مشـتمل بر سه فصل: استدلال به آیات قرآنی و استدلال به احادیث و به اخبار و تقریر است.اساس سایر نوشته های بهائیگری در نقل آیـات و روایات و شواهـد تاریخی و تأویل هر مطلبی به نفع دعوی باب و بهاء، دو کتاب «فرائـد» و «ایقان» است.رجوع شود به واژه: ایقان

فرج الاعظم

در کتاب «هدایـهٔ»، «فرج الاعظم»، لقب مهدی موعود (عج) عنوان شده است.امام رضا علیه السّـلام فرمود: «هر گاه عالِم شـما از میان شما غائب شد پس منتظر «فرج الاعظم» باشید. («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۴ و ۱۱۷)

فرج المؤمنین

«فرج المؤمنین» لقب امـام عصـر (عـج) است. در اخبار ولادت مهـدی موعود آمـده که،«حکیمه خاتون» به «نرجس» گفت: خـداوند امشب به تو غلامی می بخشد کهدر دنیا و آخرت سیّد (آقا) و او «فرج المؤمنین» است. (همان مدرک)

فرخنده

«فرخنده» نام حضرت ولی عصر (عج) در کتاب اشعیای پیامبر علیه السّلام است.(همان مدرک)

فردوس الاکبر

در کتـاب «ذخیرهٔ الالبـاب» ذکر شـده کـه «فردوس الاـکبر» نـامی است که در کتـاب قبرسـرومیان به امـام زمـان (عـج) اطلاـق شـده است.فرزندان قائم (عج) رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

الفصول العشرهٔ فی الغیبهٔ

کتاب «الفصول العشرهٔ فی الغیبهٔ» تألیف «محمّد بن نعمان» معروف به «شیخ مفید» (متوفّی ۴۱۳ هجری قمری) است.وی مرجع تقلید شیعیان امامیّه بود، در زمان او بود که تعمّق در مباحث کلامی غیبت آ آغاز شد. او در این کتاب می کوشد تا وجود امام غائب را بر اساس دو اصل ضرورت وجود امام در هر دوره از زمان و عصمت آن حضرت، اثبات کند.رجوع شود به واژه: البرهان علی صحهٔ طول عمر امام صاحب الزّمان (عج)

فضل بن شاذان

«ابو محمّد، فضل بن شاذان أزْدی» از اصحاب امام رضا علیه السّلام بود. وی عمر طولانی و با برکتی داشته است. «فضل بن شاذان»، ۱۸۰ جلد کتاب در دفاع از حریم تشیّع نوشته، که یکی از آنها کتاب «الغیبهٔ» پیرامون امام قائم (عج) است.وی در سال ۲۶۰ هجری قمری در گذشت. («رجال»، شیخ طوسی، ص ۴۲۰)

فضل بن یحیی

«فضل بن یحیی طیّبی» نویسنده قرن هفتم است. وی اهل کوفه و مقیم «واسط»بود و به شغل کتابت اشتغال داشت. و جزء دوازده نفری است که «کشف الغمّه» را در حضور مؤلّفش (علی بن عیسی اربلی) فرا گرفتند.او در تاریخ ۱۱ شوّال ۶۶۹ هجری قمری، مشروح داستان «علی بن فاضل مازندرانی» که در جزیره خضراء به خدمت امام قائم (عج) مشرّف شده است را از زبان خودش (علی بن فاضل) در حلّه شنیده و آن را در کتابی به نام «الجزیرهٔ الخضراء» گردآوری کرده است.این کتاب مورد توجّه علمای شیعه واقع شده و آن را در کتابهای خود درج کرده یا به آن استناد نموده اند. تاریخ وفات «فضل» در دست نیست، فقط مشخّص است که وی تا سال ۶۹۹ هجری قمری زنده بوده است. («جزیرهٔ الخضراء»، ص ۵۳ و ۱۹۳)رجوع شود به واژه: علی بن فاضل

فطحیه

«فتحیّه» نام فرقه ای است که اعتقاد به امامت «عبد الله افطح» دارند و او را مهدی موعود (عج) می دانند. («مهدی موعود»، ص ۴۳۱)«عبد الله افطح» پسر امام جعفر صادق علیه السّلام بود. چون سر یا دو پای عبد الله پهن بود، از این رو «افطح» و پیروانش را «افطحیّه» یا «فطحیّه» نامیدند. («ادیان و مذاهب جهان»، ج ۱، ص ۶۰۱)

فقیه

«فقیه» لقب امام زمان علیه السّلام است.

الفوائد الشمسیه

«الفوائد الشّمسیّه» نام کتابی مشتمل بر بیش از ۹۰ مسأله که «علی بن فاضل مازندرانی» آنچه را که از محضر جناب «سیّد شمس الدّین» در جزیره خضراء استفاده کرده، در این کتاب جمع آوری نموده استرجوع شود به واژه: سیّد شمس الدّین

فیذموا

«فیذموا» لقب امام قائم (عج) در کتاب «تورات» است.

فیروز

در کتاب «نجم الثاقب» در باره این لقب امام عصر چنین نوشته شده است: «در کتاب «ذخیرهٔ الالباب» گفته که فیروزه اسم آن جناب است در نزد آمان، به لغت «ماچار» و در تذکره گفته که در کتاب فرنگان ماچار الامان است». («نجم الثاقب»، باب دوم، ص ۸۳)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ق» آغاز می شود

قائم

«قائم» از القاب بارز حضرت مهدی (عج) است. «قائم» یعنی «قیام کننده»، نظر به اینکه قیام و نهضت حضرت صاحب العصر (عج) جهانی است و در تمام تاریخ بشر چنین قیام و حکومتی نبوده، آن حضرت با این عنوان خوانده می شود.اینکه پیروان آن حضرت با شنیدن این لفظ و یا با تلفّظ به این کلمه بر می خیزند و می ایستند، این کار یک نوع عمل مستحبّی است و احترام و اظهار پیوند و انتظار آن حضرت است و ضمناً مردم را به یاد نهضت و قیام حضرت مهدی (عج) می اندازد و برای آنها تلقین عملی می شود که باید برخاست، نهضت کرد، امیدوار بود و به زمینه سازی برای ظهور و قیام جهانی رهبری معصوم و قاطع پرداخت.این کار در زمان امام صادق علیه السّلام نیز در میان شیعیان معمول بود. حتّی نقل شده در خراسان در حضور حضرت امام رضا علیه السّلام کلمه «قائم» ذکر شد، امام رضا علیه السّلام برخاست و دستش را بر سر مبارک نهاد و فرمود:«اللهمَّ عَجِّلْ فَرَجَهُ وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۰): خداوندا در فرجش شتاب کن، و راه ظهورش را آسان گردان».همچنین از امام باقر علیه السّلام سؤال شد: چرا قائم (عج) را «قائم» خواندند؟حضرت فرمودند: «زیرا یاد او فراموش می شود و بسیاری از معتقدان به امامت آن حضرت راه ناصحیح می روند». («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۶۶)«ابو حمزه ثمالی» در ضمن روایتی از امام باقر علیه السّلام پرسید: یابن رسول الله مگر شما ائمه، همه قائم به حق نیستید؟ فرمودند: بلی! عرض کرد: پس چرا فقط امام زمان (عج) قائم نامیده شده است؟امام باقر علیه السّلام پاسخ فرمودند: «چون جدّم امام حسین علیه السّلام شهید شد، فرشتگان به درگاه الهی نالیدند و گفتند: پروردگارا! آیا قاتلین بهترین بندگانت، و زاده اشراف برگزیدگانت را به حال خود وا می گذاری؟خداوند به آنها وحی فرستاد که: «ای فرشتگان من آرام گیرید. به عزّت و جلالم سوگند، از آنها انتقام خواهم گرفت هر چند بعد از گذشت زمانها باشد. آنگاه پروردگار عالم امامان اولاد امام حسین علیه السّلام را به آنها نشان داد و فرشتگان مسرور گشتند. یکی از آنها ایستاده بود و نماز می گذارد.خداوند فرمود:«بِذلِکَ الْقائِمُ إنتَقِمُ مِنْهُمْ: به آن قائم از آنها انتقام می گیرم.» («مهدی موعود»، ابتدای باب دوم، ص ۲۲۸)به بشر ناب ترین هدیه سرمد آمد قائم و منتقم آل محمّد آمدبه بشر ناب ترین هدیه سرمد آمد قائم و منتقم آل محمّد آمد

قائم آل محمد

«قائم آل محمّد» لقب مهدی موعود (عج) است.

قائم الزمان

«قائم الزّمان» لقب امام دوازدهم شیعیان حضرت مهدی (عج) است.شخصی ازدی در مسجد الحرام خدمت حضرت ولی عصر (عج) رسید و حضرت سنگی را برای او طلا کرد و در حقّ او دعا نمود و سپس فرمود: مرا می شناسی؟ گفت: نه!آن حضرت فرمود: «منم مهدی، منم قائم الزّمان، منم آنکه زمین را پر از عدل و داد و همانگونه که از جور و ظلم پر شده است». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۱)

قائم المنتظر

«قائم المنتظر»، (قائمی که انتظار او را می کشند) لقب مهدی موعود (عج) است.

قائم در شعر فارسی

ادبیات فارسی غنی ایران زمین سرشار از مضامین بسیار زیبایی پیرامون ائمّه اطهار و پیامبران علیهم السّلام گذشته الهی است. ذکر نام خجسته امام زمان (عج) هم در شعر فارسی، سابقه ای بس قدیم دارد.«اسدی طوسی» شاعر حماسه سرای معروف قرن پنجم هجری، در آغاز گرشاسب نامه ضمن اشاره به حکمت دین و لزوم دینداری، و تأکید بر حقّانیت دین اسلام، ذکر فرخنده امام غائب، حضرت مهدی (عج) را این چنین ادا کرده است:جهان را نه بر بیهده کرده اند تو را نز پی بازی آورده اندره دین بیاب از خِرَد، چون سزاست که گیتی بدین ایستادست راستاز این پس نباشد پیمبر دگر کند دین پیغمبری آشکاربدارد جهان بر یکی دین پاک بر آرد ز دجّال و خیلش هلاکرسد زآسمان هر پیمبر فراز شوند از پس مهدی اندر نماز«شیخ فرید الدّین عطّار نیشابوری» شاعر قرن ۶و ۷ هجری قمری و متوفّی سال ۶۱۸ هجری قمری چنین می گوید:صد هزاران اولیاء روی زمین از خدا خواهند مهدی را یقینیا الهی مهدیم، از غیب آر تا جهان عدل گردد آشکار«مهدی» هادیست تاج اتقیاء بهترین خلق، برج اولیاءای ولای تو معیّن آمده بر دل و جانها همه روشن شدهای تو ختم اولیای این زمان وز همه معنی نهانی جان جانای تو هم پیدا و پنهان آمده بنده «عطّارت» ثناخوان آمده«خواجه حافظ شیرازی»،شاعر عارف قرن هشتم نام آن بزرگوار را در شعر خویش ذکر کرده است:کجاست صوفی دجّال فعل مُلحِد شکل بگو بسوز که «مهدی» دین پناه رسیدشب وصل است و طی شد نامه هجر سلامٌ فیه حتّی مَطْلَعِ الفَجْردلا در عاشقی ثابت قدم باش که در این ره نباشد کار بی اجربرآ ای صبح روشندل خدا را که بس تاریک می بینم شب هجردلم رفت و ندیدم روی دلدار فغان از این تطاول، آه از این زجرو شعری دارد با مطلع:ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی دل بی تو به جان آمد وقت است که باز آیی«شیخ محمود شبستری» دیگر شاعر نامدار ایران (در گذشته به سال ۷۲۰ هجری قمری) گفته است:بسی گفتند از عیسی و مهدی مجرّد شو، تو هم عیسای عهدیز مهدی، گرچه روزی چند،پیشی بکش دجّال خود مهدیّ خویشیحکیم و عارف بزرگ قرن یازدهم هجری، «ملّا محسن فیض کاشانی» که تعداد ابیات او را شش تا هفت هزار بیت نوشته اند، این گونه فریاد رس را می خواند:ای تو ما را راحت جان الغیاث دردها را جمله درمان الغیاثقائم آل پیامبر (ص) دستگیر بی توأم افتان و خیزان الغیاثکار شرع از دست شد بیرون خرام تازه کن آئین ایمان الغیاثعالمی گردید مالامال شرّ از جفا و جور و طغیان الغیاثخون ما خوردند این دجّالیان مهدی و هادی دوران الغیاثدر میان شاعران معاصر هم دلسوختگان حریم یار، زمزمه هایشان را بعضاً به چاپ سپرده اند:ای نهان ساخته از دیده ما صورت خویش بدر از پرده غیب آی و نما طلعت خویشنه همین چشم به راه تو مسلمانانند عالمی را نگران کرده ای از غیبت خویش(«مهدی موعود»، ص ۱۲۸۳ (شاعر: محمّد علی فتی تبریزی))

قابض

«قابض» لقب مهدی موعود (عج) است. قابض در لغت به معنی: در مشت گیرنده، درآورنده، بیرون کشنده و میراننده است.

قاتل الکفره

«قاتل الکفره» (کشنده کافران)، لقب امام عصر (عج) است.رجوع شود به واژه: امیر الأمرهقادیانی رجوع شود به واژه: احمدیّهقاسم رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

قاسم بن العلاء

«قاسم بن علاء» از اهالی آذربایجان و از زمان امام هادی علیه السّلام وکیل این ناحیه بود، ابن طاووس می گوید: «او از نائبان با واسطه حضرت قائم بودهو مکنّی به «ابی محمّد» است. وی ۱۱۷ سال عمر کرده و ۸۰ سال از سلامتی چشم برخوردار بود، و امام هادی علیه السّلام و امام حسن عسکری علیه السّلام را زیارت کرده است.»امام قائم (عج) با «قاسم بن علاء» در تماس بود و نامه های آن حضرت به وسیله «محمّد بن عثمان» و بعد از او به وسیله «حسین بن روح» مرتّب به او می رسید. («آخرین امید»، ص ۱۱۸)

قاطع

«قاطع» لقب حضرت مهدی (عج) در کتاب «قنطره» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

قاهر

«قاهر» نوزدهمین خلیفه عبّاسی است که از سال ۳۲۰ تا ۳۲۲ هجری قمری به مدّت دو سال حکومت کرد.هنگام مرگ وی، حضرت قائم (عج) ۶۲ سال از مدّت امامتشان می گذشت.

قدر

«قدر» نود و هفتمین سوره قرآن کریم است. این سوره ۵ آیه، ۳۰ کلمه، ۱۱۲ حرف دارد.آنچه از احادیثی که در تفسیر این سوره و تفسیر آیات آغازین سوره «دخّان» و جز آن رسیده است، فهمیده می شود که فرشتگان در شب قدر، مقدّرات یکساله را به نزد «ولی مطلق زمان» می آورند، و بر او عرضه می دارند. این واقعیّت همواره بوده و خواهد بود.در روزگار پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم محل نزول فرشتگان شب قدر، آستان مصطفی صلّی الله علیه و آله و سلّم بوده است. این امر مورد قبول همگان است. (برای آگاهی بیشتر ر.ک. به «خورشید مغرب»، ص ۱۲۵ تا ۱۴۸)قَذْفْ رجوع شود به واژه: خَسفْ

قرآن و قائم

در قرآن کریم درباره مسائل آینده دوران، حوادث آخر الزّمان، و استیلای خوبی و خوبان بر جهان، و حکومت یافتن صالحان گاه به اشاره و گاه به تصریح سخن گفته شده است. اینگونه آیات را مفسّران اسلامی، طبق مدارک حدیثی و تفسیری، مربوط به مهدی (عج) و ظهور آخر الزّمان دانسته اند. آیات دیگری در همان قرآن کریم هست، که به جنبه حضور ولایتی مهدی (عج) اشاره بلکه در این باره صراحت دارد.در شرح و تفسیر آیات، به احادیث نبوی، و سخنان امام علی علیه السّلام و دیگر أئمّه طاهرین علیهم السّلام، و سایر علماء و محدّثان و بزرگان اسلام، استناد گشته است. شاید کتاب تفسیری، از تفاسیر عالمان شیعه یافت نشود که در آن، به مناسبت آیات یاد شده، سخنی از مهدی (عج) و مسائل آن امام به میان نیامده باشد.در کتاب حاضر گاهی به تناسب موضوع، برای تثبیت ادّعا و غنی ساختن مطالب، از آیات قرآن استفاده شده است.برای آگاهی بیشتر در زمینه آیات قرآنی مربوط به موضوع مهدویّت می توانید به کتاب«أَلْمُحَجَّهُ، فیما نَزَلَ فِی الْقائِمِ الْحُجَّهْ»تألیف عالم بزرگ، «سی،د هاشم بحرانی»، مؤلّف تفسیر عظیم، «البرهان» مراجعه کنید، در این کتاب به بررسی ۱۲۰ آیه از قرآن کریم که درباره این موضوع می باشد، پرداخته شده است وی در سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۸ هجری قمری درگذشت.در ذیل به چند نمونه از آیات قرآن که در رابطه این موضوع است اشاره می شود:۱- «أَیْنَ ما تَکونوا یَأْتِ بِکُمُ اللهُ جَمیعاً (بقره/۱۴۸): هر کجا که باشید خداوند شما را حاضر می کند»امام باقر علیه السّلام در

تفسیر آیه فرمود: «منظور یاران قائم هستند که ۳۱۳ نفرند، به خدا سوگند منظور از امّت معدوده (که در آیه ۸، سوره هود آمده) آنها هستند، به خدا سوگند در یک ساعت همگی جمع می شوند همچون پاره های ابر پائیزی که بر اثر باد جمع و متراکم می گردد.» («نور الثّقلین»، ج ۱، ص ۱۳۹، «بحارالانوار»، ج ۵۲، ص ۳۴۲)۲- «قالَ لَو أنَّ لِی بِکُمْ قُوَّةً أوْ آوِی إلی رُکْنٍ شَدیدٍ (هود/۸۰) گفت: (افسوس) ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی در اختیار من بود (آنگاه می دانستم که به شما پست فطرتان چه کنم)امام صادق علیه السّلام فرمود: منظور از «قوّه» همان قائم (عج) است و منظور از «رکن شدید» (پشتیبان محکم) ۳۱۳ نفر از یارانش هستند. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۱۰۰)۳- «فاصْبِرْ عَلی ما یَقُولُونَ (طه/۱۳۰): به آنچه مخالفان می گویند استقامت کن».امام صادق علیه السّلام به یکی از یاران خویش فرمود: تفسیر این آیه این است که: ای محمّد در برابر مخالفان ایستادگی کن که من به دست مردی از نسل تو که او را به خون ستمگران مسلّط کنم از آنها انتقام می گیرم» («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص۱۲۸)۴- «وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ أنَّ الأرْضَ یَرِثُها عِبادِیَ الصّالِحونَ» (انبیاء/۱۰۵): «ما در زبور (داوود)، از پس تورات نوشته ایم که سر انجام، زمین را بندگان شایسته ما میراث برند و صاحب شوند»امام محمّد باقر علیه السّلام فرمود: «این بندگان شایسته که وارثان زمین شوند، اصحاب مهدی (عج) در آخر الزّمان هستند» («مجمع البیان» ج ۷، ص ۶۶)۵- «إعْلَمُوا أنَّ اللهَ یُحْیِ الْأرْضَ بَعْدَ مَوْتِها (حدید/۱۷): بدانید که خداوند، زمین را پس از مرگش زنده می کند»امام صادق علیه السّلام این آیه را با ظهور امام قائم (عج) تطبیق نمودند و فرمودند:«خداوند زمین را به عدالت قائم (عج) پس از مرگ رهبران ستمگر زنده می گرداند («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۶۳)»

قرقیسا

«قرقیسا» نام شهری در کنار فرات و آوردگاه سفیانی در زمان قیام قائم (عج) است.امام علی علیه السّلام می فرماید: «سفیانی بر دشمنان در شام پیروز می شود بعد از آن بین او و دشمنان دیگرش در «قرقیسا» جنگی روی می دهد که پرندگان آسمان و درّندگان زمین از باقی مانده های کشته ها سیر می شوند. («عقد الدّار»، ص ۸۷)

قسط

«قسط» لقب امام زمان (عج) است. قسط یعنی عدل و داد و از آنجا که حضرت قائم (عج) بر پا کننده عدل و داد در گستره جهان خواهند بود، پس چنین لقبی شایسته آن حضرت است.رجوع شود به واژه: قسط و عدل

قسطنطنیه

«قسطنطیّه» منطقه ای واقع در کشور ترکیه است. طبق روایات اسلامی، آنجا از فتوحات حضرت مهدی موعود (عج) خواهد بود. («اعلام الوری»، ص ۴۳۲)در این رابطه رسول اکرم صلّی الله فرمود:«پیش از آنکه قیامت شود، مردی از اهل بیت من به سلطنت رسد و قسطنطیّه و کوههای دیلم (کوههای دیلم نواحی قزوین رو به طرف شمال و منطقه گیلان است) را فتح کند، اگر یک روز از عمر دنیا باقی باشد خداوند آن روز را چندان دراز گرداند تا آنجا را فتح کنند («آخرین امید»، ص ۲۴۷)»

قسط و عدل

در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) متواتر آمده که خداوند، پس از ظهور آن حضرت دنیا را پر از قسط و عدل می کند، آنچنانکه پر از ظلم و جور شده است. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج۷، ص۵۱)واژه «قسط»بیشتر در امور اقتصادی و توزیع اموال بر اساس عدالت

اجتماعی بین افراد به کار می رود، که در این جهت هیچگونه تبعیضی نباشد که در مقابل جور قرار گرفته است. امّا «عدل» یک معنی عامّی دارد که شامل عدالت در تمام ابعاد از عقائد و فرهنگ و سیاست و... خواهد شد، که در مقابل ظلم است.«قسط» و «عدل»، هر دو بسیار مهم هستند، ولی رعایت «قسط» به خصوص در حکومت اسلامی جای خاصّی دارد. مثلاً در اسلام باید بیت المال به طور مساوی در بین مستحقّین، توزیع گردد. شیوه امام علی علیه السّلام همین بوده است، داستان آهن گداخته در رابطه با برادرش عقیل که در خطبه ۲۲۴ نهج البلاغه آمده، شاهد گویائی بر این مطلب است. این همان «قسط» است. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۲۴)

قضاوت قائم

از خصائص حکومت امام قائم (عج) قضاوت کردن او، مانند حضرت داوود علیه السّلام است. شیخ مفید می گوید: «چون قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم قیام کند، مانند حضرت داوود علیه السّلام، یعنی بر حسب باطن، قضاوت کند، و بی هیچ نیازی به شاهد حکم کند. مهدی (عج) نقشه های پنهانی هر گروه را بداند و به آنان آن نقشه ها را بگوید. مهدی (عج)، دوست و دشمن خود را، با نگاه بشناسد. («الارشاد»، ص ۳۶۵)»چگونگی قضاوت حضرت داوود علیه السّلام و ماجرای آن در سوره انبیاء، آیه ۷۸ آمده است. (ر.ک. به «تفسیر نمونه»، ج ۱۳، ص ۴۶۵)

قطب

«قطب» از القاب شایعه حضرت ولی عصر (عج) در نزد عرفا و صوفیان است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۱)«در اصطلاح تصوّف، (قطب) کسی است که منظور نظر خدای تعالی است در همه زمانها و طلسم اعظم به او داده شده است، و او در کون و اعیان ظاهر و باطن ساریست چون سریان جان در کالبد، قسطاس فیض در کف او و افاضه روح حیات بر کون اعلی و اسفل در دست اوست. وی تنها انسان کاملی است که به نظر صوفیان احاطه اش به جمیع آدمیان محقّق است و همه مقامات و حالات تصوّف را می دانند. او عقل عالم امکان است و تصرّف وی در عقول برای صوفیان مسلّم است». («فرهنگ فارسی معین»، ج ۲، ص ۲۶۹۰)

قم

یکی از شئون یک حکومت جهانی، و یا فراهم آوردن مقدّمات آن، استفاده از مراکز استراتژیکی و مهم از نظرات مختلف، به خصوص از نظر معنوی است. این مراکز همچون پایگاه و هسته های اصلی هستند که می توان از آنها به عنوان فراهم آوردن اسباب کار، استفاده کرد.در روایات مربوط به حضرت مهدی (عج) سه مرکز مکّه، کوفه، و قم به خصوص اسم برده شده است. در مورد قم و فضیلت این سرزمین مطالب بسیاری گفته شده است.امام صادق علیه السّلام در باره قم فرمود: «مردم قم یاور قائم (عج) و خواهان حقّ ما هستند.» آنگاه آن حضرت سر مبارک را به سوی آسمان بلند کرد و عرض نمود: «خدایا! این مردم را از هر فتنه ای حفظ کن و از هر هلاکتی نجات بده.» («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۳۱۰)همچنین آن حضرت علیه السّلام فرمود: «پیش از ظهور مهدی (عج) قم مرکز علم و دانش می گردد و از آنجا به تمام شهرها در شرق و غرب، علم و دانش منتشر می شود، و حجّت خداوند بر همه مردم تمام می گردد و کسی نمی ماند که از این سرزمین بهره مند نشده باشد». («سفینهٔ البحار»، ج ۲، ص ۴۴۶)«قم چندین نام دارد که از جمله نامهای آن:«مجمع انصار القائم (عج)» یعنی محلّ تجمّع یاران امام زمان (عج).«مأوی للفاطمیین» یعنی پناهگاه منسوبین به فاطمه زهرا سلام الله علیها است. (در این باره ر.ک. به «بحار الانوار»، ج ۶۰، ص ۲۱۰ به بعد)«قم» آشیانه اهل بیت و مرکز نشر اسلام است. اهمیّت قم به اموری مانند وجود بارگاه ملکوتی حضرت معصومه (کریمه اهل بیت)، وجود حوزه

علمیه مقدّسه آن، که توسّط آن اسـلام به جهان منتشـر می شود، و وجود مسـجد مقدّس جمکران (مسجد صاحب الزّمان) می باشد. («حضرت مهدی (عج) فروغ...»، ص۲۹۳ به بعد)رجوع شود به واژه: مسجد جمکران

قوۀ

«قوّۀ»، لقب حضرت مهدی (عج) است.

قیامت

در کتاب هدایه، «قیامت» از القاب حضرت حجّۀ بن الحسن العسکری علیه السّلام عنوان شده است.

قیام مسلحانه

امـام قـائم (عـج) همچون پیـامبر اکرم صـلّی الله علیه و آله نخست اعلاـن دعوت می کنـد و در آغاز ظهور، پیامش را به جهانیان می رسانـد، در این میان عـدّه ای دعوتش را می پذیرنـد ولی عـدّه ای دیگر کار شـکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت بر می خیزند، امام (عج) در برابر اینها قیام مسـلّحانه می کند.امام جواد علیه السّلام در ضمن حدیثی می فرماید:«وقتی که ۳۱۳ نفر یاران خاصّ امام قائم (عج) به خدمتش در مکّه رسـیدند، حضرت دعوتش را به جهانیان آشکار می سازد (یعنی ظهور می کند) و وقتی که این تعداد به ده هزار نفر رسید، به اذن خداوند متعال قیام مسلّحانه می کند (خروج می نماید).» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۸۳)

قیم الزمان

از القاب امام قائم (عج)، «قیّم الزّمان» است.

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ک» آغاز می شود

کار

«کارّ» به معنی «رجوع کننـده» و «باز گرداننـده» و لقب مهدی موعود (عج) است.آشـکار است که آن حضـرت از عالم غیب آگاه و استتار برمی گردد و جمعی از مردگان را بر می گرداند. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

کاشف الغطاء

«کاشف الغطاء» (ظاهر کننده پوشش)، لقب حضرت قائم (عج) است.

کافی

«شـیخ احمـد کافی»، واعظ مشـهور و یکی از دلباختگان حضـرت صاحب الامر (عج) بود که در بیشتر مجالس وعظ مطالبی پیرامون امام قائم (عج) بیان می کرد و در آرزوی دیدار دوست نغمه سرائی می نمود.وی در سال ۱۳۱۵ ه.ش در مشهد مقدّس متولّد شد و در سال ۱۳۵۷ ه.ش توسّط عمّال رژیم شاهنشاهی به طور مرموزی به شـهادت رسـید و علی رغم وصـیّت آن مرحوم، مبنی بر دفن او در حرم امام رضا علیه السّلام، در خواجه ربیع مشهد به خاک سپرده شد. روحش شاد.

کامل بن ابراهیم مدنی

«کامل بن ابراهیم مـدنی»، از کسانی است که به زیارت و ملاقات امام عصـر (عـج) نائل شـد.گروهی از مفوّضه او را به محضـر امام حسن عسـکری علیه السّـلام فرسـتادند تا سؤالاتی از محضـر امام علیه السّـلام بپرسد. وی وارد مجلس امام علیه السّلام شد و در کنار دری که پرده ای بر آن آویخته بود، نشـست. پیش از آنکه سؤالاتش را طرح کند، بادی وزید و پرده کنار رفت. حضرت قائم (عج) که در آنجا بودند، پاسخ پرسشهای او را، ارائه فرمودند. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۵۰- «کشف الغمّهٔ»، ج۲، ص ۴۹۹)

کتاب نویسی درباره قائم

درباره وجود مقـدّس حضـرت مهدی (عج) و ظهور او در آخر الزّمان، کتابهای بسـیار تألیف کرده اند و رساله ها و مقاله های جامع فراوان نوشـته اند. نوشـتن در این باره، از زمان حیات ائمّه گرامی علیهم السّـلام شـروع شد و تا عصر حاضر ادامه یافته است. و کمتر کسـی در میان عالمان شـیعه و سنّی و حتّی غیر مسلمانان یافت می شود که در این باره کتابی ننوشته، یا مقالاتی ننگاشته و یا سخنی نگفته باشد.در اینجا برای جلوگیری از اطاله کلام و ذکر اینکه چه کتبی در باره مهدی موعود (عج) به رشته تحریر در آمده، تنها به معرّفی کتـاب ارزشـمند «در جسـتجوی قائم (عـج)»، که فهرست کاملی از ۸۵۲ جلـد کتـاب در این رابطه در خـود جـای داده است، بسـنده می کنیم و شـما را به این اثر گرانسـنگ رهنمون می سازیم. (این کتاب تألیف آقای «سیّد مجید پور طباطبائی) و از انتشارات مسجد مقدّس جمکران قم است.)

کرخی

«احمـد بن هلال کرخی» از اصـحاب امام حسن عسـکری علیه السّـلام بود. او عالمی برجسـته و عارفی متّقی بوده است و کتاب «یوم ولیله» و کتاب «نوادر» از تألیفات اوست، برخی از نویسـندگان می نویسند: وی مسلک تصوّف اتّخاذ کرد و ۵۴ بار به سفر حج رفت که بیست بـار آن بـا پـای پیاده بود. («رجال کشـی»، ص ۴۴۹)«کرخی» از جمله مـدّعیان بـابیّت بود. وی پس از وفـات امـام یازدهم شیعیان، «محمّد بن عثمان» را به نیابت از سوی امام قائم (عج) نپذیرفت. شـیعیان او را لعن کردند و از او تبرّی جسـتند، آنگاه توقیعی به وسیله «ابو القاسم حسین بن روح» بر لعن و برائت از او صادر گردید. («بحارالانوار»، ج۵۱، ص ۳۶۸)

کرعه

طبق روایـات و احـادیث یکی از اقامتگاههای امام قائم (عـج) مکانی به نام «کرعه» است.مرحوم مجلسـی در «تذکرهٔالأئمّـهٔ»، از کتب اهل سنّت نقل می کند که حضرت مهدی علیه السّلام در غیبت کبری در قریه ای به نام «کرعه» اقامت می کند. («العبقری الاحسان»، ج ۲، ص ۱۳۴)گویـا «کرعه» قریه ای در یمن است. («المجالس السّـنیّهٔ»، ج ۵، ص ۷۰۸)رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عـج) در غیبت کبری

کسوف آفتاب

از جمله علاـئم حتمیّه ظهور حضـرت قـائم (عـج)، کسوف آفتاب در نیمه ماه رمضان و خسوف ماه در آخر همان ماه است. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۸)

کشته شدن شیطان

همـانگونه کـه در قرآن کریـم آمـده اسـت، شـیطان از سـجده بر انسـان خودداری کرد (حجر/۳۱) و از درگـاه خداونـد رانـده شـد (حجر/۳۴). در این هنگـام او از خداونـد درخواستی کـرد:«قالَ رَبِّ فَأَنظِرْنی إلی یَوم یُبْعَثونَ (حجر/۳۶):گفت: پروردگارا! مرا تا روز رستاخیز مهلت ده (و زنده بگذار!)».خداوند در پاسخ او:«قالَ فَإنّکَ مِنَ الْمُنْظِرینَ – إلی یَوْم الْوَقْتِ الْمَعْلوم (حجر/۳۷و۳۸) فرمود:تو از مهلت یافتگانی! (امّا نه تا روز رستاخیز، بلکه) تا روز و وقت معیّنی.»از این تعبیر معلوم می شود در خواست شـیطان، اجابت نشـده است، و طبق فرموده امامـان علیهم السّـلام منظور از روز وقت معیّن، وقت ظهور امـام قـائم (عـج) است.بنابر این شـیطان در این وقت کشـته می شود یا می میرد.در روایات می خوانیم، شخصـی در مورد جمله«یَوْم الْوَقْتِ الْمَعْلوم»که در آیه مذکور آمده از امام صادق علیه السّـلام سؤال کرد، امام علیه السّـلام فرمود:«وقتی که قائم (عـج) ظهور کنـد و به مسـجد کوفه بیایـد، در این مسـجد، شـیطان به حضور آن حضـرت می آیـد و زانو به زمین می زنـد و می گویـد:«یا وَیْلَهُ مِنْ هذَا الْیَوْم: وای از این روز».آنگاه امام قائم (عج) موی پیشانی شـیطان را می گیرد و گردنش را می زنـد و او را به هلاکت می رسانـد، این روز وقت معلوم، (در آیه مـذکور) است. («اثباة الهداة»، ج۷، ص۱۰۱)بنابر این شـیطان کشته می شود، ولی در اینجا این سؤال پیش می آید: پس دیگر مردم آزادی در اراده ندارند و همچون فرشـتگان مجبور به اطاعت خدا خواهند بود؟خیر، آزادی اراده و اختیار از انسانها گرفته نمی شود، منظور از کشتن شیطان این است که ریشه های فساد و عوامل انحراف و ظلم و جور در عصـر درخشان حکومت امام عصـر (عـج) نابود می گردد و به جای آن عقـل و ایمان حکومت می کنـد، چنانکه در حـدیث دیگری نیز می خوانیم:«در صـحف ادریس پیامبر علیه السّـلام آمـده: تو ای شیطان! تا زمانی که مقـدّر کرده ام که زمین را در آن زمان از کفر و شـرك و گناه پاك سازم، مهلت داده خواهی شد، ولی در این زمـان (به جای تو) بنـدگان خالص و پاکـدل و با ایمان روی کار آینـد آنها را خلیفه و حاکم زمین می کنم و دینشان را اسـتوار می سازم، که تنها مرا می پرسـتند و هیچ چیز را شریک من قرار نمی دهند، در آن روز است که تو (شیطان) و همه لشکریانت از پیاده و سواره را نـابود می نمـایم» («بحـار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۸۴)توضـیح بیشتر اینکه کشـته شدن و نابودی شـیطان همانند کشته شدن و نابودی انسان نیست، شیطان مانند بشر جسم ندارد که کشته شود، کشته شدن او در مورد بالا، همان قطع نفوذ او و مرگ حکومت و تزویر او می باشد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۱۳۲)کعبه رجوع شود به واژه: مکّه

کف دست

از علائـم ظهور امـام زمان (عـج)، ظاهر شـدن کف دستی است که در آسـمان طلوع می نمایـد و در روایت دیگر صورت و سـینه و کف دستی در نزد چشمه خورشید ظاهر شود. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۷)

کلمهٔ الحق

از نامهـای قائم (عـج)، «کلمـهٔ الحقّ» است. در کتاب «ذخیرهٔ الالباب» عنوان شـده که این نام آن حضـرت در «صـحیفه» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

کلینی

«شـیخ ابو جعفر، محمّـد بن یعقوب کلینی»، از عالمان بزرگ و موثّق اسـلام، و از خدمتگذاران جلیل القدر دین خدا و مذهب تشیّع است. تعبیر «ثقـهٔ الاسـلام»، لقب معروف اوست.به این دلیـل که این عـالم بزرگ، در عصـر غیبت صـغری می زیسـته است، و کتاب

عظیم «الکافی» را در این عصر، در خلال بیست سال کوشش و رنج و پژوهش با تنظیم و نقل و ترتیبی بسیار خوب، گرد آوره است، می توان حدس زد، که چه بسا گاه گاه، از سوی امام عصر (عج) در کار این تألیف راهنمائی شده است. («خورشید مغرب»، ص ۴۷)رجوع شود به واژه: سیّد مرتضی

کمال

«کمال»، لقب امام عصر (عج) است.

کناسه

«کُناسه» نام محلّی در کوفه است که در آن جا «یوسف بن عمر ثقفی» با «زید بن علی بن الحسین بن علی بن ابی طالب علیه السّلام» جنگید. («لغت نامه دهخدا»، ج ۱۱، (چاپ جدید)، ص ۱۶۴۰۹)طبق روایتی حضرت مهدی (عج) دجّال را، در کناسه کنار کوفه به دار می زند. («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۱۴۲و ۱۷۶)رجوع شود به واژه: دجّال

کوفه

در روایات اسلامی عنوان شده که شهر کوفه (در کشور عراق) مقرّ حکومت حضرت قائم (عج) خواهد بود. (همان مدرک، ص ۹۴) همانگونه که مقرّ حکومت حضرت علی علیه السّلام بود. و امام قائم (عج) پس از ظهور از مکّه به مدینه آمده و در آنجا همراه با دهها هزار نفر از همراهان به سوی کوفه (که به عبارت دیگر، آن شامل نجف و عراق است)، رهسپار می شوند.حضرت مهدی (عج) در کوفه به گونه ای راهها و خیابانها و شهرها و مساجد را توسعه می دهد که خانه های کوفه به رود کربلا متّصل می شود و مساجد با شکوهی در پشت کوفه ساخته می شود که هزار در دارد.امام صادق علیه السّلام در باره کوفه فرمود: «کوفه باغی از باغهای بهشت است، قبر نوح علیه السّلام و حضرت ابراهیم علیه السّلام و ۳۷۰ پیامبر دیگر و ۶۰۰ وصیّ و قبر سرور اوصیا حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السّلام در کوفه است.» (هم اکنون نجف اشرف به کوفه متّصل شده است.) («ارشاد اهل القبله»، ص ۲۰)پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله فرموده اند: «عصای موسی علیه السّلام و انگشتری سلیمان علیه السّلام و محلّ اصلی جوشیدن آب در طوفان نوح و محلّ تجمّع پیامبران در مسجد کوفه بوده است.» («تهذیب» شیخ طوسی، ج ۳، ص ۳۵۲)شهر کوفه و ساکنان آن بسیار مقدّس هستند. امام صادق علیه السّلام در باره مردم کوفه فرمود: «مؤمنین کوفه، حجّت مردم سایر بلاد هستند.»و همچنین رسول گرامی اسلام منظور از «طور سینین» که در آیه ۲ سوره تین آمده است را شهر کوفه عنوان کرده که خداوند اسن سرزمین را اختیار و امتیاز بخشیده است. («ارشاد اهل القبله»، ص ۲۹)و همانگونه که امام علی علیه السّلام در خطبه ۴۷ نهج البلاغه فرموده است، هر ستمگری که به شهر کوفه نظر سوئی داشته باشد، خدا او را گرفتار می سازد و یا به قتل می رساند.رجوع شود به واژه: عصائب

کوکمأ

«کوکمأ» نام حضرت ولی عصر (عج) در کتاب «نجتا» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم ص ۹۲)

کوه رضوی

در احادیث اسلامی، «کوه رضوی» یکی از اقامتگاههای حضرت قائم (عج) شمرده شده است.امام صادق علیه السّلام از «کوه رضوی» بحث کرده، در پایان می فرماید:«از هر درخت میوه در آن هست، و چه پناهگاه خوبی است برای شخص خائف، وه چه

پناهگاه خوبی، صاحب این امر را در آن دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۳ و «الغیبة»، نعمانی، ص ۱۶۳)در دعای ندبه هم می خوانیم:«لَیتَ شِعْری أیْنَ اسْتَقَرَّت بِکَ النّوی بَل أیُّ أرْضٍ تُقِلُّکَ أوْ ثَری أبِرَضْوی أوْ غَیْرَها أمْ ذی طُوی: کاش می دانستم که کجا دلها به ظهور و آرام و قرار خواهد یافت، در کدامین سرزمین اقامت داری؟ در سرزمین «رضوی» یا غیر آن؟ یا در دیار «ذی طوی» متمکّن گردیده ای؟من ای کاش دانستمی جای تو کجا هست و دور است مأوای توبدانستمی بلکه نیز از مکان کجا سرزمین تو شد در جهانبرضوی و یا ذی طوی ساکنی تو یا غیر این هر دو جا ساکنیرجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبریکوههای دیلم رجوع شود به واژه: قسطنطیّه

کوههای چین

در روایات مهدویّت، مکانهائی ذکر شده که حضرت مهدی (عج) آنها را فتح خواهند کرد و بر دشمنان پیروز خواهند شد.کوههای چین و گیلان را یکی از این فتوحات اعلام کرده اند. («اعلام الوری»، ص ۴۳۲ و «بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۳۹)کوههای گیلان رجوع شود به واژه: کوههای چین، قسطنطیّه

کیسانیه

پیروان «محمّد بن حنفیّه» را «کیسانیّه» می گویند.محمّد بن حنفیّه

کیقباد دوم

«کیقباد دوّم» که به معنی عادل بر حق می باشد، نام حضرت ولی عصر (عج) در نزد «مجوس» و «گبران عجم» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۲)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ل» آغاز می شود

لسان الصدق

در کتاب «ذخیرة الالباب» آمده است که «لسان الصّدق»، از نامهای امام قائم (عج) در «صحیفه» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۳)

لندیطارا

در کتاب «هزار نامه هند» از امام زمان (عج) با عنوان و نام «لندیطارا» یاد شده است. (همان مدرک)

لواء اعظم

در کتاب «هدایة»، «لواء اعظم» (پرچم بزرگ)، از القاب مهدی منتظر (عج) شمرده شده است. (همان مدرک)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «م» آغاز می شود

ماء معین

«ماءمَعینْ» یعنی آب ظاهر جاری بر روی زمین، و از القاب مهـدی موعود (عج) است.امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه شـریفه:«قُلْ أَرَأَیتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مآؤُکُمْ غَوْراً فَمَنْ یَأتیکُمْ بِماءٍ مَعین (ملک/۳۰): بگو به من خبر دهید که اگر آب های سـرزمین شـما در زمین فرو رود، پس چه کسی می تواند برای شما آب روان بیاورد.»فرمود: «این آیه درباره قائم (عج) نازل شده است. خداوند می فرماید: اگر امامتان از شـما غائب شد، که نمی دانید او در کجاست، پس کیست که برای شـما امام ظاهری بیاورد که برای شـما اخبار آسـمان و زمین و حلال و حرام خداونـد عزّ و جـل را بیـان کنـد.»آنگـاه فرمود: «تأویـل این آیه نیامـده است، و به ناچار خواهـد آمـد» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۰۸)

ماریه

«ماریه» از زنانی است که در دودمان امامت خـدمت می کرد و در روز ولادت حضـرت ولی عصـر (عـج) او را دیـده که با انگشت سبّابه به سوی آسـمان اشاره کرده و می گویـد:«الْحَمْـدُ لِلّهِ رَبِّ الْعالَمین وَ صَـلَّی اللهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ...». («کشف الغمّهٔ»، ج ۲، ص ۴۳۱)

ماشع

نام امام زمان (عج) در تورات عبریه، «ماشِعْ» است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۳)

مالک اشتر

یکی از کسـانی کـه در روایـات اسـلامی از او به عنـوان یـار امـام قـائم (عـج) در هنگـام خروج نـام برده شـده است، «مالـک اشـتر» است.مالک اشتر مردی شجاع، رئیس قبیله، و از بزرگان شیعه و سخت دوستدار امیر مؤمنان و یاور او بود.مالک پس از رحلت پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله برای نبرد با سپاه رومیان که به مبارزه با اسلام برخاسته بودند وارد سپاه اسلام شد و همراه با آنها در یکی از نواحی شام به نام «یرموک» با دشمن به نبرد پرداخت، در آنجا بود که شایستگی خود را آشکار ساخت.پس از به خلافت رسیدن حضـرت علی علیه السّلام نخستین کسی که با حضرت بیعت کرد، «مالک اشتر» بود. امام علی علیه السّلام درباره او می فرماید:«او از شمشـیرهای خداست، نه کند می شود و نه ضـربتش بی اثر می ماند»و در جای دیگر می فرماید: «مالک اشتر برای من همانگوته بود که من برای رسول خدا بودم.»مالک اشتر از طرف امام علی به عنوان فرماندار مصر به آن سرزمین روانه شد. امّا قبل از اینکه به مصر برسد، در میانه راه به وسیله مأموران معاویه که از رسیـدن او به مصـر وحشت داشـتند، مسـموم شد و به شهادت رسید. («دانستنیهای نهج البلاغه»، ص ۱۶۸)رجوع شود به واژه: ابو دجانه انصاری

مأمور

«مأمور» از القاب امام دوازدهم شیعیان، مهدی موعود (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۶)

مأمول

«مأمول» هماننـد «مؤمل» یعنی آن کسـی که آرزو و امید دیدار او را دارند و از القاب حضـرت مهدی (عج) است. در زیارت مأثوره آن حضرت است که:«السّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْإِمامُ الْمَأمُول...»رجوع شود به واژه: مؤمَل

مؤمل

«مؤمَل» از نامهای صاحب الزّمان است. «مؤمل» در لغت یعنی کسی که مردم آرزوی دیدن او را دارند و در دعای ندبه اشاره به این مضمون شده است:«بِنَفْسی أنْتَ مِن أُمْنِيَّةُ شائِقٍ يَتَمَنّى مِنْ مُؤمِنٍ وَ مُؤمِنَةٍ ذَكَرَ أفَحَنّا: جانم قربان تو که آرزوی هر زن و مرد مؤمنه هستی که صدایش بزنند و بنالند».امام حسن عسکری علیه السّلام فرمود: «در آن وقت که حجّت (عج) متولّد شد، ظالمان گمان کردند که ایشان مرا می کشند تا اینکه نسل مرا قطع کنند، پس چگونه قدرت خداوند را دیدند و او را (حضرت مهدی (عج)) را مؤمل نامیدند». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۰۷)فدای تو ای حجهٔ بن الحسن(ع) سرا پای من جسم و هم جان منتو مطلوب آن عاشقی کارزو ز مرد و زنش دارد ای نیکخوکه یاد تو بنماید و سر دهد ز دل ناله ها ای ولیّ احدرجوع شود به واژه: مأمولمبارکه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

مبارکیه

«مبارکیه» نام فرقه ای از اسماعیلیّه خالصه است. آنان می گویند: «بعد از پیامبر اکرم صلّی الله علیه و آله هفت امام را بیشتر قبول نداریم، امیر المؤمنین که امام و پیغمبر است و حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام و علی بن الحسین علیه السّلام و محمّد بن علی علیه السّلام و جعفر بن محمّد علیه السّلام و محمّد بن اسماعیل بن جعفر (نوه امام صادق علیه السّلام) که امام عالم و امام مهدی (عج) است». آنان معتقدند معنی قائم این است که او به رسالت و شریعت تازه ای مبعوث می شود که به وسیله آن شریعت محمّد صلّی الله علیه و آله را نسخ می کنند. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)رجوع شود به واژه: اسماعیلیه خالصه

مبدئی الآیات

«مُبْدِئی الآیات»، لقب مهدی موعود (عج) است. «مُبْدِئی الآیات» یعنی ظاهر کننده آیات خداوندی یا محلّ بروز و ظهور آیات الهی». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۱)

مبلی السرائر

یکی دیگر از اسماء و القاب امام منتظر (عج)، «مُبْلی السّرائر» است. (همان مدرک)

متقی

«متّقی» بیست و یکمین خلیفه بنی عبّاس و برادر «راضی محمّد بن المقتدر» است که از سال ۳۲۹ ه.ق پس از مرگ برادرش به خلافت رسید.وی نخستین خلیفه بنی عبّاس در دوران غیبت کبری محسوب می شود. «متّقی» پس از چهار سال حکومت در سال ۳۳۳ ه.ق در گذشت.

متمهدی

در اصطلاح لغت «مُتِمَهْدی» کسی را گویند که ادّعای ممهدویّت کند. در دوره غیبت صغری و غیبت کبری کسانی بوده اند که با توجّه به شرائط خاص خود را مهدی موعود (عج) معرّفی کرده و آنها را «مُتِمَهْدی» خوانده اند.

مثلث برمودا

«مثلث برمودا» مکانی در غرب اقیانوس اطلس و در شرق فلوریدا و در شمال جزائر آنتیل و در جنوب جزائر برمودا قرار دارد. رأس این مثلث: «برمودا»، «میامی» و «سن خوان» می باشد.این مثلث به نام رأس آن که «جزائر برمودا» می باشد به نام «مثلث برمودا» شهرت یافته است. این نام را برای نخستین بار، آقای «وینست گادیس» مؤلّف کتاب «افق نامرئی» بر این منطقه اطلاق کرده و سپس به همین نام مشهور شده است.قسمت اعظم مثلث برمودا، بر دریای «سارگاسو» قرار دارد.در روایات مربوط به حضرت قائم (عج)، در مورد اقامتگاه آن حضرت به نام «جزیره خضراء» برمی خوریم که برخی از نویسندگان احتمال داده اند، آن جزیره (با توجّه به آب سفید و سایر خصوصیات که در داستان «علی بن فاضل مازندرانی» آمده است) همین مثلث برمودا، که از مرموزترین مکانهای روی زمین است، باشد. (برای آگاهی بیشتر به کتبی که درباره جزیره خضرا و مثلث برمودا است مراجعه کنید.)(و الله اعلم)رجوع شود به واژه: علی بن فاضل مازندرانی

مجازی بالأعمال

«مجازی بالأعمال» یعنی کسی که با توجّه به اعمال جزای نیک و بد را می دهد و آن لقب امام زمان (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۲)المَحَجّةُ رجوع شود به واژه: قرآن و قائم (عج)

محسن

«محسن» لقب حضرت ولی عصر (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۰)

محل زندگی قائم در دوران کودکی

امام قائم (عج) از هنگام تولّد تا زمانی که پدر بزرگوارشان امام حسن عسکری علیه السّلام به شهادت رسید (از سال ۲۵۵ تا سال ۲۶۰ ه.ق) مخفی بود و تنها خواص از اصحاب او را می دیدند و مسائل خود را از ایشان می پرسیدند آن حضرت هنگام رحلت پدر، پنج سال داشت.به هر حال در روایات آمده، محلّ زندگی قائم (عج) در دوران کودکی همچون محلّ زندگی حضرت موسی علیه السّلام مخفی بود تا از گزند طاغوتیان محفوظ گردد. («احتجاج»، ج ۲، ص ۲۶۸)

محمد

نام اصلی و اسم اولی امام عصر (عج)، «محمّد» است. چنانچه در اخبار متواتره خاص و عام است که رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «مهدی، همنام من است.» («منتهی الآمال»، باب ۱۴)رجوع شود به واژه: تلفّظ نام مقدّس حضرت قائم (عج)محمّد بن اسماعیل جعفر علیه السّلام رجوع شود به واژه: مبارکتِه

محمد بن ایوب بن نوح

«محمّد بن ایّوب بن نوح» از کسانی است که امام قائم (عج) را ملاقات کرده است. او و «معاویهٔ بن حکیم» و «محمّد بن عثمان عمری» می گویند:«ما چهل نفر از شیعیان در محضر امام حسن عسکری علیه السّلام گرد آمده بودیم که فرزند بزرگوارش حضرت مهدی (عج) را بر ما عرضه نمود و فرمود: «این بعد از من امام شما و جانشین من در میانتان است، از او فمان ببرید و در دینتان اختلاف نکنید که هلاک می شوید» سپس فرمود: «شما دیگر او را نخواهید دید»». («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۲۶- «اکمال الدّین

و...»، ص ۴۳۵)

محمد بن جعفر اسدی

«ابو الحسن، محمّد بن جعفر بن محمّد بن عون اسدی رازی»، از وکلای مورد اعتماد امام قائم (عج) بوده است.«صالح بن ابی صالح» می گوید: «در سال ۲۹۰ هجری، عدّه‌ای از من خواستند وجوهات آنها را بگیرم. ولی من نپذیرفتم و به حضرت مهدی (عج) نامه نوشتم و از او کسب تکلیف نمودم، حضرت در پاسخ من نوشت: «در ری به محمّد بن جعفر اسدی داده شود که او مورد اطمینان ماست.» («آخرین امید»، ص ۱۱۵)

محمد بن حنفیه

نخستین کسی که در اسلام مهدی موعود (عج) معرّفی شد، «محمّد بن حنفیّه» فرزند امیر المؤمنین علی علیه السّلام بود.بعد از شهادت حضرت سیّد الشّهداء فرقه ای قائل شدند به این که، «محمّد بن حنفیّه»، حضرت قائم (عج) و وصیّ علی بن ابیطالب علیه السّلام است و اینکه هر کس با ایشان مخالفت کند، کافر و مشرک است، همچنین معتقد بودند که وی مختار را بر عراقین، کوفه و بصره، بعد از کشته شدن امام حسین علیه السّلام والی نمود و به دستور خونخواهی حسین علیه السّلام و کشتن قاتل او و جستجوی آنها در هر کجا باشند، مذهب وی شناخته شد، «مختاریّه» نامیده و «کیسانیّه» خوانده شد.عاقبت «محمّد بن حنفیّه» در محرّم سال ۸۱ هجری در مدینه وفات یافت. پس از مرگ او اصحابش سه فرقه شدند و هر کدام ایده ای جداگانه داشتند:۱- فرقه ای می گفتند که وی، مهدی موعود (عج) است و او نمرده و به زودی رجعت می کند.۲- دسته ای دیگر قائل به الوهیّت او شده و اینکه وی زنده و در کوه رضوی مقیم است.۳- فرقه ای دیگر قائل به مرگ او شد و پسرش «ابو هاشم بن محمّد» را مهدی موعود می دانند و با او بیعت کردند که این فرقه از شیعه را«هاشمیّه»نامیده اند. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۱۹۸،- «فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۹۱۵»)

محمد بن شاذان

«ابن طاووس، محمّد بن شاذان بن نعیم نعیمی نیشابوری» را جزء نائبان با واسطه حضرت قائم دانسته و از کسانی محسوب داشته اند که از معجزات حضرت آگاهی پیدا کرده و آن حضرت را زیارت کرده است. («جامع الرواۀ»، ج ۲، ص ۱۳۰)محمّد بن عبد الله رجوع شود به واژه: مغیریّه

محمد بن عثمان

دوّمین سفیر و نائب از نوّاب اربعه، «ابو جعفر، محمّد بن عثمان بن سعید اسدی عمروی» بود.وی فرزند نائب اوّل، «عثمان بن سعید» بود. او از جانب امام یازدهم نیز مورد تمجید قرا گرفته بود. پدرش، به هنگام مرگ خود، امر نیابت را به فرمان امام زمان (عج) به فرزند خویش،محمّد سپرد، و او واسطه میان امام و شیعیان گردید. مدّت نیابت «محمّد بن عثمان» و سفارت او، ۵۰ سال به طول انجامید.وی در آخر جمادی الاوّل سال ۳۰۵ ه.ق در گذشت. او را در بغداد نزدیک قبر مادرش و «شیخ عبد القادر» دفن کردند و در آنجا بقعه و صحنی دارد که به «شیخ خلائی» معروف است.محمّد بن قاسم رجوع شود به واژه: جارودیّه

محمد بن نصیر نمیری

از جمله مدّعیان بابیّت، «محمّد بن نصیر نُمَیْری» است. وی در ابتداء از اصحاب امام حسن عسکری علیه السّلام بود. زمانی که آن حضرت وفات یافت، مدّعی مقام و منصب «محمّد بن عثمان» شد و گفت: «من وکیل و نائب امام زمان (عج) می باشم» و سخنان کفر آمیزی که از او صادر شد، جهالتش بر همگان روشن گردید. خداوند او را رسوا ساخت و «محمّد بن عثمان» او را لعن کرده و از او بیزاری جست.وی ادّعا می کرد که پیغمبر است و امام علی النّقی علیه السّلام او را فرستاده است، و عقیده به تناسخ داشت و معتقد به خدائی امام دهم شیعیان بود و نیز ازدواج با محارم را جائز می دانست. و عمل شنیع (لواط) را حلال می شمرد.محمّد بن نصیر با حمایت «محمّد بن موسی بن فرات» وزیر «المقتدر بالله» خلیفه عبّاسی، قادر شده بود تا ادّعای خود را در میان امامیّه نشر دهد و چون دو نفر از ایشان در این امر شرکت داستند، فرقه ایشان به «نُمَیْریّهٔ الفُراتیّهٔ» معروف شد.اکثر وسیعی از پیروانشان از مدائن بودند و پس از رهبرشان «اسحاق بن محمّد احمر»، به «اسحاقیّه» معروف شدند. («آخرین امید»، ص ۱۲۵)

محمدیه

«محمّدیّه»، نام فرقه ای است که بعد از حضرت امام علی النّقی علیه السّلام، پسرش «محمّد» را که در حیات آن حضرت وفات یافت، امام می دانند و می گویند او نمرده، بلکه زنده است و مهدی موعود (عج) اوست.مزار سیّد محمّد در هشت فرسنگی سامرا، نزدیک قریه بلد است. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۶)

مخبر بما یعلن

«مُخْبِرُ بِما یُعْلَنْ»: یعنی آگاه کننده به آنچه شکار می شود.و این لقب قائم (عج) است. (همان مدرک، باب دوّم، ص ۱۱۰)مختاریّه رجوع شود به واژه: محمّد بن حنفیّه

مدبر

«مدبّر»، از القاب حضرت مهدی (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۶)

مدت حکومت قائم

شیخ مفید از ابی بصیر و او از امام باقر علیه السّلام در حدیثی طولانی در سیر و سلوک حضرت قائم (عج) حدیثی نقل کرده تا آنکه فرمود: «پس درنگ می کند بر این سلطنت هفت سال، مقدار هر سالی ده سال از این سالهای شما، آنگاه احیاء می کند خداوند آنچه را که می خواهد.»یانکه در روایت آمده: امام عصر (عج) پنج یا هفت سال و یا نخ سال و یا بیست سال و یا چهل سال و یا سیصد و نه سال به مقدار خواب اوّل اصحاب کهف در غار، حکومت می کند شاید اشاره به مراحل حکومت باشد، به این بیان که تشکّل و پایه ریزی حکومت در پنج و هفت و نه سال اوّل صورت می گیرد و پس از گذشت چهل سال به حدّ کمال می رسد و بیش از سیصد سال ادامه می یابد. («حضرت مهدی (عج)، فروغ...»، ص ۸۶)

مدینه طیبه

در روایات اسلامی آمده است که «مدینه طیّبه» از اقامتگاههای حضرت مهدی (عج) و از مراکزی است که در رابطه با حکومت ایشان نقش به سزائی دارد.هنگامی که از امام حسن عسکری علیه السّلام می پرسند، اگر حادثه ای برای شما روی دهد، کجا از فرزند بزرگوار شما سراغ بگیریم؟ فرمود: «در مدینه» («الغیبهٔ»، شیخ طوسی، ص ۱۳۹)امام صادق علیه السّلام نیز هنگامی که از غیبت

کبری بحث می کند، می فرماید: «مدینه چه جایگاه خوبی است». («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۵۷)حضرت مهدی (عج) با یاران خود از مکّه به مدینه آمده و در آنجا جمعیّتهای زیادی ده آن حضرت می پیوندند و عدّه ای از مخالفان سرکوب می شوند.

مربوع

«مربوع» نام اسب پیامبر خدا است، که حضرت صاحب الأمر (عج) هنگام ظهور همراه خویش خواهند داشت. («نجم الثّاقب»، ص ۱۲۵)

مرگ جاهلی

پیامبر گرامی صلّی الله علیه و آله و سلّم انحراف گرایان از خطّ عقیده به امامت را که از شناخت امام راستین عصر خود سر باز می زنند، جاهلیّت گرا و به عنوان کسی که به دوران جاهلیّت عقب گرد نماید، تعبیر کرده و می فرماید:«مَنْ ماتَ وَ لَمْ یَعْرِف إمامَ زَمانِهِ، ماتَ مَیْتَةً جاهِلِیّةً («اصول کافی»، ج ۱، ص ۳۷۵): کسی که بمیرد و امام زمان خویش را نشناخته باشد، مرگ او مانند مرگ افراد دوران جاهلیّت است.»این حدیث نشانگر صدور یک فرمان قطعی اسلامی از ناحیه پیامبر است، و با صراحت و تأکید توجّه عموم را به دو امر مهم جلب می نماید:۱- پیامبر اسلام با اضافه کردن کلمه «امام» به کلمه «زمان» ضرورت وجود امام جامع الشرائط و قابل شناخت را در هر عصر و زمانی (هر چند تنها یک نفر مسلمان وجود داشته باشد) جهت پیروی از او اعلام فرموده، و چنین امامی جز با امامان معصوم علیه السّلام شیعه که آخرین آنها حضرت مهدی، حجّة بن الحسن العسکری (عج) است، نمی تواند با کسی منطبق گردد.۲- از اینکه پیامبر گرامی صلّی الله علیه و آله و سلّم با اضافه کردن «مَیْتَةً» به کلمه «جاهلیَّةً» مرگ فاقد چنین شناختی را مرگ جاهلی توصیف کرده، معلوم می شود که این امام همانند پیامبر، رابطه بین خلق و خالق است، که نشناختن آن عیناً بسان نشناختن پیامبر، موجب گمراهی خواهد بود.بدین ترتیب و بر اساس نظریّه شیعه، رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم با ایراد این حدیث شریف، امامت افراد غیر معصوم و جائز الخطاء در تبلیغ و اجرا احکام اسلام را، نفی و غیر قابل و در آخر جاهلیّت گرائی خوانده، و این بیان چیزی است که شیعه در طول قرنها به آن معتقد بوده است. («مهدی منتظر در نهج البلاغه»، ص ۹)احمد که جهان را ز تباهی پرداخت دین را به ولایت علی محکم ساختفرموده به مرگ جاهلیّت مرده است آن کس که امام عصر خود را نشناخت

مروانی

«مروانی» از جمله کسانی است که قبل از قیام قائم (عج)، خروج خواهد کرد. این مطلب در روایتی از امام رضا علیه السّلام ذکر شده است. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۳۲)مروزی رجوع شود به واژه: شروسی

مسبحات

«مُسَبّحات»، عنوان دسته ای از سوره های قرآن کریم است که با تسبیح و حمد خداوند تبارک و تعالی و با الفاظی چون «سُبْحانَ»، «سَبَّحِ» و «یُسَبِّحُ» آغاز می شود. این سوره ها عبارتند از: بنی اسرائیل، حشر، صف، جمعه، تغابن و اعلی.امام باقر علیه السّلام در باره فضیلت این سوره ها فرمود:«هر کس که همه مسبّحات را پیش از آن که بخوابد، تلاوت نماید، نمیرد تا حضرت قائم (عج) را درک کند و چنانچه مُرد در پناه و همسایگی رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم خواهد بود.» («ثواب الاعمال»، ص ۱۴۸)

مسجد الحرام

«مسجد الحرام»، مسجدی محیط به کعبه است. در زمان پیامبر صلّی الله علیه و آله حصار و بارو نداشت. در زمان عمر وسعت یافت و باروی آن را ساختند. پس از زمان عمر چندین بار بنای آن تجدید شد، به خصوص در عهد «سلطان سلیم دوّم» وسعت بیشتری یافت. این مسجد دارای ابواب متعدّد و هفت مناره است و در سالهای اخیر بر وسعت آن بسیار افزوده اند. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۱۹۶۹)در احادیث مربوط به امام زمان (عج) آمده است که آن حضرت «مسجد الحرام» را خراب کرده و به اصل خود بر می گرداند. در این مورد امام صادق علیه السّلام فرمود:«وقتی که قائم (عج) قیام کند، مسجد الحرام را ویران نماید تا به جای اصلی خود برگردد، دستهای کلید داران (خائن...) را قطع کرده و در کعبه آویزان می نماید و بر آنها می نویسد: «اینها دزدان کعبه هستند.» («اثباة الهداة»، ج ۷، ص ۱۱۸)

مسجد جمکران

مسجد جمکران، در ۶ کیلومتری شهر مقدّس قم به طرف جادّه کاشان واقع شده است. این مکانِ با عظمت، تحت توجّهات و عنایات خاصّه حضرت بقیّهٔ الله (عج) قرار دارد و خود آن حضرت از شیعیانشان خواسته اند که به این مکان شریف روی آورند.درباره تاریخچه مسجد جمکران، شیخ حسن بن مثله جمکرانی می گوید: من شب سه شنبه، هفدهم ماه مبارک رمضان سال ۳۹۳ ه.ق در خانه خود خوابیده بودم که ناگاه، جماعتی از مردم به در خانه من آمدند و مرا از خواب بیدار کردند و گفتند برخیز و طلب امام مهدی (عج) را اجابت کن که تو را می خواند.آنها مرا به محلّی که اکنون مسجد (جمکران) است آوردند. چون نیک نگاه کردم، تختی دیدم که فرشی نیکو بر آن تخت گسترده شده و جوانی سی ساله بر آن تخت، تکیه بر بالش کرده و پیری هم پیش او نشسته است، آن پیر حضرت خضر علیه السّلام بود.پس آن پیر مرا بنشاند.حضرت مهدی (عج) مرا به نام خودم خواند و فرمود: «برو به حسن مُسلم، که در این زمین کشاورزی می کرد بگو که این زمین شریفی است و حق تعالی آن را از زمینهای دیگر برگزیده است و دیگر نباید در آن کشاورزی کنند.»گفتم: «لازم است که من دلیل و نشانه ای داشته باشم و الّا مردم حرف مرا قبول نمی کنند» آقا فرمودند: «تو برو و آن رسالت را انجام بده، ما خودمان نشانه هائی برای آن قرار می دهیم و پیش سیّد ابو الحسن برو و به او بگو حسن مُسلم را احضار کند و سود چند ساله را که از زمین به دست آورده است وصول کند و با آن پول مسجد را بنا کند.»همچنین آقا دستور نماز مسجد را هم دادند و فرمودند: «و به مردم بگو: بدین مکان رغبت کنند و آن را عزیز دارندو چهار رکعت نماز در آن گذارند. دو رکعت اوّل به نیّت نماز تحیّت مسجد است که در هر رکعت آن یک حمد و هفت«قُلْ هُوَ اللهُ أحَدٌ»خوانده می شود و در حالت رکوع و سجود هم هفت مرتبه ذکر را تکرار کنند. دو رکعت دوّم نیز به نیّت نماز صاحب الزّمان (عج) خوانده می شود، بدین صورت که سوره حمد را شروع می کنیم و چون به آیه«ایّاکَ نَعْبُدُ وَ ایّاکَ نَسْتَعین»می رسیم این آیه شریفه را صد مرتبه تکرار می کنیم و بعد از آن بقیّه سوره حمد را می خوانیم، بعد از پایان حمد سوره«قُلْ هُوَ اللهُ أحَدْ»را فقط یک بار می خوانیم و به رکوع می رویم و ذکر«سُبْحانَ رَبّی الْعَظِیم وَ بِحَمْدِه»را هفت مرتبه، پشت سر هم تکرار می کنیم و ذکر هر کدام از سجده ها نیز، هفت مرتبه است. رکعت دوّم نیز به همین گونه است. چون نماز به پایان برسد و سلام داده شود یک بار گفته می شود:«لا إلهَ الّا الله»و به دنبال آن تسبیحات حضرت زهرا سلام الله علیها خوانده شود و بعد از آن به سجده رفته و صد بار بگوید:«اللّهمَّ صلِّ علی محمّد وَ آلِ محمّد».آنگاه امام مهدی (عج) فرمودند: «هر کس این دو رکعت نماز (نماز صاحب الزّمان (عج)) را در این مکان (مسجد مقدّس جمکران) بخواند، مانند آن است که دو رکعت نماز در کعبه خوانده باشد.»چون من پاره ای راه آمدم، دوباره مرا باز خواندند و فرمودند: «بزی در گلّه «جعفر کاشانی» است، آن را خریداری کن و بدین موضع آور و آن را

بکش و بر بیماران انفاق کن، هر بیمار و مریضـی که از گوشت آن بخورد، حق تعالی او را شـفا دهد.»من سپس به خانه باز گشتم و تمام شب را در انـدیشه بودم تا اینکه نماز صبح خوانده و سپس به سـراغ «علی المنذر» رفتم و ماجرای شب گذشـته را برای او نقل کردم و با او به همان موضع شب گذشـته رفتم. وقتی که رسـیدیم، زنجیرهائی را نزد «سـیّد ابو الحسن رضا» رفتیم و چون به در خانه او رسـیدیم، خادمان او گفتند که سـیّد از سـحر در انتظار توست و تو از جمکران هستی؟ به او گفتم: بلی، به درون خانه رفتم و سیّد مرا گرامی داشت و گفت: «ای حسن بن مثله، من در خواب بودم که شخصـی به من گفت که حسن بن مثله نام از جمکران پیش تو می آید، هر چه گوید تصدیق کن و بر قول او اعتماد کن که سـخن او سـخن ماست، و قول او را رد نکن» و از هنگام بیدار شدن از خواب تا این ساعت منتظر تو بودم. آنگاه ماجرای شب گذشته را برای او تعریف کردم.سیّد بلافاصله فرمود تا اسبها را زین نهادند و بیرون آوردنـد و سوار شدیم. چون به نزدیک روسـتای جمکران رسـیدیم گلّه گوسـفند «جعفر کاشانی» نمایان شد، من به میان گلّه رفتم و آن بز که از پس همه گوسـفندان می آمد پیش من دوید، جعفر سوگند یاد کرد که این بز در گلّه من نبوده و تا کنون آن را ندیـده ام. آن بز را به مسـجد آوردم و ذبـح کردم. هر بیمـاری که از آن گوشت خورد شـفا یافت.«حسن مسـلم» را احضار کردیم و منافع زمین را از او گرفتیم و مسـجد جمکران را با چوب و دیوار پشانـدیم. سـیّد زنجیرها و میـخ ها را (که به عنوان نشانه بود) به قم برد و در خانه خود گذاشت. هر بیمار و دردمندی که خود را به آن زنجیر می مالید شفا می یافت.امّا پس از فوت «سیّد ابو الحسن»، آن زنجیرها پنهان گشـته و دیگر کسـی آنها را ندید. («مسـجد مقدّس جمکران»، تجلّیگاه صاحب الزّمان (عج)»، ص ۲۸-۳۱)مسجد حلّه رجوع شود به واژه: وادی السّلام

مسجد سهله

«مسجد سهله»، مهمترین مسجد پس از مسجد کوفه است که در حدود سه کیلومتری شمال غربی مسجد کوفه (در کشور عراق) قرار دارد.در «مسجد سهله» بقعه ای معروف به مقام مهدی (عج) وجود دارد. و زیارت آن حضرت در آن محلّ شریف مناسب است و از بعضی کتب مزاریه نقل شده که شایسته است حضرت ولی عصر (عج) را در این محل در حالیکه ایستاده باشند با این استغاثه زیارت کننـد:«سـلامُ اللهِ الْکامِـلُ التّامُّ الشّامِلُ العامُّ و...»امام صادق علیه السّـلام فرمود:«گویا حضـرت قائم (عـج) را در «مسـجد سـهله» همراه خانواده خود می بینم» سـپس فرمود: «هیـچ پیامبری مبعوث نشـد، مگر آنکه در این مسـجد نماز خواند»یکی از یاران به نام ابو بصـیر عرض کرد: «آیا امام قائم (عج) همواره در این مسجد خواهد بود؟»فرمود: «آری مسجد سهله خانه امام قائم (عج) است».عرض کرد: «امامان بعـد از قائم (عـج) چطور؟»حضـرت پاسـخ فرمودند: «آنها نیز تا آخر دنیا در این مکان سـکونت خواهند کرد.»از این حدیث اینگونه استفاده می شود که در دوران رجعت، پس از حضرت قائم (عج) سایر امامان نیز همان مکان را پایگاه مرکزی خود قرار می دهند. (برای آگاهی بیشتر از فضیلت و اعمال مسجد سهله ر.ک. به مفاتیح الجنان، باب ۳)رجوع شود به واژه: مسجد کوفه

مسجد صعصعه

«مسـجد صعصـعه» («صعصـعهٔ بن صوحان»، از اصـحاب امیر المؤمنین حضـرت علی علیه السّـلام بوده است.) از مساجد شریف کوفه است. جمـاعتی امـام زمـان (عـج) را در مـاه رجب در آن مسـجد مبـارك مشاهـده کرده انـد که دو رکعت نمـاز کرده و این دعا را خوانده است:(اَللّهمَّ یا ذَالْمَنِّ السّابِغَهِٔ وَ الأْلآء الْوازِعَهِٔ...»ظاهر عمل آن است که این دعاء مخصوص این مسـجد شریف و از اعمال آن است، نظیر دعاهای مسـجد «سـهله» و «زید». ولیکن چون در ماه رجب بوده که آن حضرت این دعا را خوانده اند، احتمال داده شده که شایـد این دعا از دعاهای ایّام رجب باشـد و لهذا در کتب علماء در اعمال ماه رجب نیز ذکر شده است. («مفاتیح الجنان»، انتهای فصل ۶)

مسجد کوفه

از فضائل «مسجد کوفه» این سزاوار است که به خاطر درک فیوضات آن، بار و بنه را بست و آماده سفر شد. آنجا از مکانهائی است که مسافر مخیّر در خوانـدن نماز کامل یا شکسـته است. نماز خوانـدن در مسـجد کوفه معادل حجّ و برابر با هزار نمازی است که در جای دیگر خوانده شود. همچنین گفته اند از مسجد الاقصـی (در بیت المقدّس) با فضیلت تر است.درروایات اسلامی وارد شده که مسـجد کوفه مکان نماز پیغمبران است و روزی محلّ نماز حضـرت مهـدی (عـج) خواهد شد.شـیوه صالحین از علماء و غیر علماء بر این بوده و هست که تشـرّف مه دیـدار حضـرت قائم (عـج) را از قـدیم الایّام در خواست می کرده اند، به طوری که بعضـی از آنان چهل شب جمعه از «مسـجد کوفه» به «مسـجد سـهله» رفته و یا چهل شب چهار شنبه در «مسجد سهله» بیتوته کرده و تضرّع و زاری و عبـادت می نمودنـد تا به این فیض عظیم نائل شونـد. («مفاتیـح الجنان»، باب ۳- آخرین امیـد»، ص ۳۹۱)رجوع شود به واژه: مسـجد سهلهمَسْخ رجوع شود به واژه: خَسْف

مسیح الزمان

«مسیح الزّمان»، اسم امام قائم (عج) در کتاب فرنگیان است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۳)

مسیحیان و انتظار

در آئین مسـیحیّت، و کتابهـای مقـدّس این آئین بشارتهـای بیشتر و روشـنتری دربـاره موعود آخر الزّمـان نسـبت به آئین های دیگر، رسـیده است. و علّت آن، یکی نزدیکی زمـان است که با ظهور حضـرت مسـیح علیه السّـلام زمان در مقیاس کلّی به ظهور حضـرت مهـدی (عـج) نزدیکـتر شـده است. علّت دیگر تحریف کمتری است که در این آثـار پدیـد آمـده است. و این نیز از جهتی به زمـان مربوط می شود، زیرا از دوره نزول و صـدور آثار مقـدّس یهود، زمان بسـیار بیشتری می گـذرد، تا دوره نزول و صدور آثار مقدّس مسـیحیّت این امر بـاعث شـده است، تـا دست تحریف و پوشـیده داری، در این آثـار به انـدازه آثار یهود فرصت کار نیابـد، اگر چه علمای مسـیحی نیز در این باره کوشـش بسیار کردند، و در تأئید یا رد، «اناجیل» به این مسائل نیز توجّه داشته اند، و «انجیل برنابا» را کمتر تأئیـد می کردنـد.به هر حـال، در آثار دینی مسـیحیّت نیز این بشارتها آمـده است. در ذیل به چنـد کتاب که در آنها بشارتها و اشارتهـائی دربـاره ظهـور منجی آخر الزّمـان درج شـده، آمـده اسـت:انجیـل متّی، انجیـل لوقـا، انجیـل مرقس، و مکاشـفات یوحنّا. («خورشید مغرب»، ص ۵۷ و ۵۸)

مشرق

بارها خوانده ایم و شـنیده ایم که حضـرت مهدی زمانی ظهور خواهد کرد که دنیا آکنده از ظلم و ستم است. امّا اسن موضوع شامل همه جهـان به طـور مطلـق نیست بلکه در گـوشه و کنـار جهـان بزرگ، به ویژه در آبادیهـای اسـلامی و شـیعی، مردمی (اگر چه در مقایسه بامردم سراسـر جهان نفوس کلّ بشـر بسیار اندکند) معتقد به حق هستند و چشم به راه ظهور مهدی موعودند. و حتّی پیش از ظهورش، مقدّمات حکومت او را فراهم می سازند.در روایات مربوط به حضرت قائم (عج) نامی از مشرق به میان آمده است.روایت شده که امام علی علیه السّـلام فرمود:«شـروع کار مهدی (عج) از طرف مشرق است.» («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۲۰)مراد از مشرق که در آن احـادیث آمـده، مشـرق کشورهـای اسـلامی در مقیاس قرنهای اوّلیه اسـلام است. بنابراین، این تعبیر با سـرزمین خراسان و همچنین قسـمتهای شـرقی تا نواحی مرکزی ایران منطبق است. مؤیّد قسـمت اوّل، این است که در پاره ای از احادیث به صراحت نام

«خراسان» آمده است. در این رابطه امام باقر علیه السّلام فرمود:«... پرچمهائی از جانب «خراسان» روی آور شود و به سرعت طیّ منازل کند و چند نفر از اصحاب قائم (عج) با آنان همراه خواهند بود.» («خورشید مغرب»، ص ۳۲۰)امام صادق علیه السّلام فرمود: «نازل می شود پرچمهای سیاهی که از «خراسان الکوفه» خروج کرده اند، پس در این هنگام مهدی (عج) در مکّه ظاهر میشود و آنان به او پیوسته و با او بیعت می کنند.» («البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان»، ص ۱۵۰)

المصباح الشدید الضیاء

«المصباح الشّدید الضّیاء»، یعنی چراغی که نور فراوان دارد و لقب صاحب الأمر (عج) است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)رجوع شود به واژه: بقیّهٔ الانبیاء

مصحف امیرالمؤمنین

از جمله خصائص صاحب العصر (عج) همراه داشتن «مصحف امیر المؤمنین علیه السّلام» است.قرآنی که امام زمان (عج) می آورد و به مردم تعلیم می دهد با قرآن فعلی این تفاوت را دارد که آن قرآن توسّط مولای متّقیان امیر المؤمنین به همان نحو که در مدّت ۲۳ سال نازل گردیده، جمع آوری شده است، ولی هیچکدام از لحاظ کلام الهی کم و کاستی ندارد. قرآن فعلی جمع آوری «عثمان بن عفّان» است.امام علی آن مصحف را بر صحابه عرضه نمود، آنان نپذیرفتند، پس آن حضرت آن را مخفی نمود و تا کنون به حال خود باقی است و زمانی به دست حضرت مهدی (عج) ظاهر خواهد شد و مردم مأمور می شوند که آن را بخوانند و حفظ نمایند و به خاطر اختلاف ترتیب که با مصحف فعلی دارد، حفظ آن از تکالیف مشکل مکلّفان خواهد بود. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

مضطر

«مُضْطَرّ»، لقب امام غائب (عج) است. امام صادق علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه:«أَمَّنْ یُجیبُ الْمُضْطَرَّ إذا دَعاهُ وَ یَکْشِفُ السّوءَ وَ یَجْعَلُکُمْ خُلَفاءَ الأرْضِ... («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۲، ویژگی ۱۶): ای کسی که دعای مضطر را اجابت می کند و گرفتاری را برطرف می سازد، و شما را خلفای زمین قرار می دهد»فرمود: «این آیه در حقّ قائم نازل شده و والله او مضطرّ است.» («نجم الثاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۷)

مظهر الفضایح

در کتاب هدایه، «مظهر الفضایح» (جلوه گاه رسوائی ها) از القاب مهدی موعود (عج) عنوان شده است. (همان مدرک، ص ۱۱۱)معاویهٔ بن حکیم رجوع شود به واژه: محمّد بن ایّوب بن نوح

معتضد

«معتضد، احمد بن موفّق» شانزدهمین خلیفه بنی عبّاس که از سال ۲۷۹ ه.ق ال سال ۲۸۹ ه.ق به مدّت ده سال حکومت کرد.آغاز خلافت وی زمانی واقع شد که ۱۹ سال از خلافت امام عصر (عج) گذشته بود.وی در زمان غیبت صغری می زیسته و ۲۹ سال از امامت قائم (عج) گذشته بود که معتضد در گذشت. («فرهنگ معین»، ج ۵، ص ۲۸۸- نجم الثّاقب، ص ۵۳)

معتمد

«ابو العبّاس احمـد معتمد» پانزدهمین بنی عبّاس است که از سال ۲۵۶ ه.ق تا سال ۲۷۹ ه.قبه مدّت ۲۳ سال حکومت کرد. ۱۹ سال از امامت حضرت مهدی (عج) گذشته بود که معتمد درگذشت.

معمرین

«معمّرین» (معمّرون)، جمع «معمّر» است، یعنی درازْزی، انسان دراز عمر، دراز زندگانی، کسی که عمر درازی کرده است. این کلمه در کتابهای تاریخ و سیره و انساب، اصـطلاح شده است. و این به دلیل داشـتن مصادیق بسـیار است.امام قائم (عج) یکی از مصادیق بارز «معمّرین» هستند.مغیرهٔ بن سعید رجوع شود به واژه: مغیریّه

مغیریه

«مغیریّه» اصـحاب «مغیرهٔ بن سعید» هستند که بعد از وفات امام محمّد باقر علیه السّلام مذهبی اختراع نمودند و «محمّد بن عبد الله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی طالب» را مهـدی موعود می داننـد.آنان معتقدنـد که تو زنـده است و در کوهی به نام «علمیّه» که در راه مکّه در حـدّ حـاجز از طرف چپ که به مکّه می رود، مقیم است و در آنجاست تا هنگامی که در مـدینه خروج کنـد و در همان جا کشته شود. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۴)

مفرج أعظم

در کتاب هدایه، «مفرّج اعظم» به عنوان لقب امام عصر (عج) معرّفی شده است.رجوع شود به واژه: فرج الاعظم

مفضل (مفضل)

اگر «مفضّل» تلفّظ شود، به معنی (برتری داده شده) و (مردی که برتری و فضیلت او بر دیگران محرز باشد) است. و چنانچه «مُفْضِلْ» بخوانیم آن هم به معنی «بخشش کننده» است. در هر دو صورت، این لقب برازنده مهدی موعود (عج) است.

مفضل

«مُفَضَّل بن عمر» یکی از شاگردان امام صادق علیه السّلام بود. او یکی از یاران حضرت مهدی (عج) پس از رجعت خواهد بود. امام صادق علیه السّلام به او فرمود:«تو و چهل و چهار نفر مرد دیگر با قائم (عج) هستید.) («اثباهٔ الهداهٔ»، ج ۷، ص ۱۴۶)

مفیق

«مُفیق» در لغت یعنی بیدار شونده. نام حضرت مهدی موعود (عج) در کتاب زبور «مُفیق» است.

مقتدر

«جعفر مقتـدر» برادر «علی مکتفی» هجدهمین بنی عبّاس است که از سال ۲۹۵ ه.ق تا سال ۳۲۰ ه.ق به مدّت ۲۵ سال حکومت کرد. هنگام مرگ «مقتدر»، ۶۰ سال از امامت حضرت قائم (عج) گذشته بود و آن حضرت ۶۵ ساله بودند.

مقتصر

«مقتصر»، به معنی «بسنده کننده» و لقب مهدی موعود (عج) است. شاید منظور از این لقب این باشد که حضرت قائم (عج) بر خلاف جمیع انبیاء و اوصیاء گذشته که به خاطر حفظ و بقای دین با منافقین و فاسقین مدارا می کردند، ایشان تنها از انصار و بندگان صالح اقتصار خواهند فرمود و رشته الفت و مجالست با کفّار و منافقین در آخر الزّمان گسسته خواهد شد.این احتمال هست که کلمه مذکور، «منتصر» یعنی داد گیرنده بوده و از آیه شریفه«وَ لَمَنِ انتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِ فَاولئکَ ما عَلَیْهم مِنْ سَبیلٍ (شوری/۴۱): و کسی که بعد از مظلوم شدنیاری طلبد، ایرادی بر او نیست»،اخذ شده باشد. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

مقداد

طبق روایات اسلامی، «مقداد» یکی از یاران حضرت مهدی (عج) در هنگام ظهور و خروج آن حضرت خواهد بود. او یکی از یاران عالی مقام رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله و سلّم بود. اگر در باره ارزش و اعتبار او به همین یک حدیث اکتفا کنیم، دیگر نیازی به توضیح و تعریف نداریم.رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «خداوند به من فرموده که چهار نفر را دوست بدارم و خداوند به من خبر داده که آنها را دوست می دارد.»پرسیده شد: نام آنها چیست؟رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود: «علی علیه السّلام و سلمان و ابوذر و مقداد.» («دانستنی های نهج البلاغه»، ص ۱۷۳)

مقدرهٔ

«مقدّرهٔ» لقب حضرت مهدی (عج) است. «مقدّرهٔ» یعنی توانائی. همانطور که از کثرت بروز و ظهور عجائب قدرتهای الهی از آن حضرت به حدّی رسیده که گویا عین قدرت شده است.

مقدس اردبیلی

«احمد بن محمّد»، از علماء و متکلّمین بزرگ شیعه و معروف به «مقدّس» یا «مقدّس اردبیلی» و «محقّق اردبیلی» است. وی از جمله کسانی است که لیاقت مشاهده جمال ملکوتی یوسف زهرا سلام الله علیها را پیدا کرد. او در سال ۹۹۳ ه.ق در نجف اشرف در گذشت.«مقدّس اردبیلی» صاحب تألیفات بسیاری است که از جمله: «آیات الاحکام یا زبدهٔ البیان، اثبات الواجب، استیناس المعنویهٔ، الخراجیه و حدیقهٔ الشّیعه.» («منتخب الاثر»، ص ۴۱۳- فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۲۰۰۷)

مکتفی

«علی مکتفی»، هفدهمین خلیفه بنی عبّاس و برادر «معتضد» از سال ۲۸۹ ه.ق ال سال ۲۹۵ ه.ق به مدّت ۶ سال حکومت کرد.زمان حکومت او در دوران غیبت صغری، واقع شده بود. ۳۵ سال از امامت قائم (عج) گذشته بود که «مکتفی» در گذشت.

مکه

بهترین و مهمترین شهر جهان از نظر فضائل معنوی «مکّه» است. در داخل اسن صدف گوهری درخشنده وجود دارد که میعادگاه همه عاشقان حضرت احدیّت مهدی (عج) است. در روایات می خوانیم: «حضرت قائم (عج)، در مکّه، کنار کعبه ظهور و خروج می کند.» («کشف الغمّهٔ»، ج ۳، ص ۱۲۹)آن حضرت هنگام ظهور به کعبه تکیه می کند و صدایش را بلند می نماید که:«هان ای مردم

جهان، کسی که می خواهد به آدم علیه السّلام و شیث علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به موسی علیه السّلام و یوشع علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به عیسی علیه السّلام و شمعون علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد به محمّدصلّی الله علیه و آله و سلّم و امیر المؤمنین علی علیه السّلام بنگرد به من بنگرد، کسی که می خواهد امامان حسن علیه السّلام و حسین علیه السّلام را مشاهده کند مرا بنگرد، کسی که می خواهد به امامان علیهم السّلام از فرزندان حسین علیه السّلام نظر بیفکند مرا نگاه کند و به ندای من پاسخ دهد، من از آنچه که آنها خبر نداده اند به شما خبر می دهم.» («بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۹)تکیه بر کعبه کن ای قبله امید و بگیر انتـقـام گل پرپر شده طـاها را

ملاحم و فتن

«ملاحم و فتن» به معنی جنگهای بزرگ و حوادث با عظمت، و آشوبها است. اسن اصطلاح در باره اخبار مربوط به حوادث آخر الزّمان، و وقایع پیش از ظهور به کار می رود و کتابهائی به همین عنوان: «الملاحم» (نویسندگانی مانند «سیّد علی مولانا» و «محمّد حسین همدانی طاوئی» هر کدام کتابی جداگانه به نام «الملاحم» نوشته اند.) و «الملاحمُ و الفِتَن» (نویسنده این کتاب «سیّد بن طاووس» است.) نوشته شده است.

ملیکه

«ملیکه»، به معنی ملکه و شهبانو و نام بزرگوار امام زمان (عج) است. او از طرف مادر نوه «شمعون بن حمون بن صفا» از حواریون مخصوص حضرت عیسی علیه السّلام و وصیّ او به شمار می رفت.او نامهای دیگر مانند: نرجس، ریحانه، خمط، صقیل (صقیل)، سوسن، حدیث، حکیمه، و مریم نیز دارد، خواهر امام هادی علیه السّلام (حکیمه) او را به عنوان (سیّده) یعنی خانم می خواند.هنگامی که ملیکه به خانه امام حسن عسکری علیه السّلام وارد شد. امام هادی علیه السّلام به خواهرش حکیمه فرمود: «او را به خانه ببر و دستورات اسلامی را به او بیاموز، او همسر فرزندم حس علیه السّلام ن و مادر مهدی آل محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم خواهد بود، آنگاه به ملیکه رو کرد و فرمود: مژده باد تو را به فرزندی که سراسر جهان را با نور حکمتش پر از عدالت و داگری کند، پس از آنکه پر از ظلم و جور باشد.»او در سال ۲۶۱ هجری و به روایتی قبل از به شهادت رسیدن امام حسن عسکری علیه السّلام از دنیا رفت و قبر شریفش در سامراء پشت قبر منوّر همسر بزرگوارش قرار گرفته است. برای این خانم بزرگوار، زیارتی نقل شده است. («مفاتیح الجنان»، باب ۳، - «آخرین امید»، ص ۲۷)

ممطوره

«مَمْطوره» نام فرقه ای است که معتقد بودند، امام کاظم علیه السّلام همان مهدی موعود (عج) است و اخبار مربوط به او از زمان رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم به بعد در همه جا شایع بوده است. («آخرین امید»، ص ۵۹)

منان

«منّان» یعنی بسیار نیکوئی کننده، و لقب حضرت قائم (عج) است. «منّان»، از اسماء الحسنی خداوند عزّ و جل است.منتصر رجوع شود به واژه: مقتصر

منتظر

«منتظر» از القـاب امام زمان (عـج) است، به معنی انتظار برده شـده که همه خلائق پیوسـته منتظر مقـدم اوینـد.از امام باقر علیه السّـلام سؤال شـد که چرا امام عصـر (عج) را «منتظر» گویند؟امام علیه السّـلام فرمود: «زیرا برای او غیبتی طولانی است که روزهایش بسـیار است، افراد مخلص و پاک در انتظارش به سر می برند. ولی افراد شکّاک و مردّد او را انکار می کنند، و منکران نامش را به مسخره می گیرند و تعیین کنندگان وقت بسیارند، عجله کنندگان در او به هلاکت می رسند، مسلمانان در مورد او نجات می یابند.» («بحار الانوار»، ج ۵۱، ص ۳۰)

منتقم

«منتقم»، یعنی انتقـام گیرنـده و لقب صاحب الزّمان (عـج) است. این لقب در احادیث فراوانی آمـده است، از جمله در کتاب «اکمال الدّین» روایت شده که آن حضـرت در سنّ سه سالگی به «احمد بن اسحاق» فرمود:«أنا بَقیَّةُ اللهِ فی أرضِه وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أعْدائه» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۰۵)

منصور

«منصور» نام امام قائم (عج) در کتاب «دیدبراهمه» که به اعتقاد آنان از کتب آسـمانی است، می باشد.امام باقر علیه السّـلام در تفسیر آیه شـریفه:«... وَ مَنْ قُتِلَ مَظْلوماً فَقَدْ جَعَلْنا لِوَلِیِّهِ سُـلْطاناً فَلا یُسْرِفِ فی الْقَتْلِ إنَّهُ کانَ مَنْصوراً (اسرا/۳۳): و آن کس که مظلوم کشـته شد، برای ولیّش سـلطه (و حقّ قصاص قرار دادیم)؛ امّا در قتل اسـراف نکند چرا که او مورد حمایت است»،فرمود: «آن مظلوم کشـته شـده حسین علیه السّـلام است و خداونـد مهـدی (عـج) را منصور نامیـده است.»شاید تعبیر حضـرت مهدی (عج) به امام منصور در زیارت عاشورا، آیه مذکور باشد:«أنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ إمامٍ مَنْصورٍ مِنْ أهْلِ بَیْتِ مُحَمَّدٍ...» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۴)

منصور بالرعب

در روایات اسـلامی آمـده است که مهـدی موعود (عج)، «منصور بالرّعب» و «مؤیّد بالنَّصْـر» است. یعنی به هنگام ظهور، رعب او در دلهای قدرتمنـدان می افتـد، و نیروهای غیبی و غیر مرئی به کمک او و یاران او می شـتابند و این نیروها، در جای خود، کار خود را خواهند کرد. یک نمونه آن بنابر احادیث بسیار، نابود شدن سپاه عظیم سفیانی است. («خورشید مغرب»، ص ۲۹۷)

منعم

«مُنْعِم» یعنی نعمت دهنـده و احسـان کننـده. «منعم» لقب امام دوازدهم (عـج) است.مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللهِ لَهُ شَبیهالقب «مَنْ لَمْ یَجْعَلِ اللهِ لَهُ شَبیها:کسـی که خداوند نظیری برایش قرار نمی دهد»از القاب امام زمان (عج) است. همانطور که از این نام پیدا است احدی شبیه و نظیر آن حضرت نبوده و به رتبه عزّت و جلال او نرسیده و نخواهد رسید.

موتور

«موتور» در لغت یعنی «کسی که یکی از نزدیکانش کشته شده باشد و خون و انتقام او نگرفته باشد.» («فرهنگ الفبائی الرائد»، ج ۲، ص ۱۶۸۸)در چند خبر شریف، حضرت قائم (عج) به لقب «موتور» ذکر شده است. «موتور» به والد آن است که کسی پدرش کشته شده باشد و خونخواهی او نشده و علّامه مجلسـی فرموده که مراد به والد یا حضرت عسکری علیه السّلام یا امام حسین علیه السّلام یا جنس والد که شامل همه أئمه می شود، است.امام صادق علیه السّلام فرمود: «بدرستیکه قائم (عج) مَوتور خشمناک خروج می کند.

در حالیکه پیراهن خونین رسول خدا که در جنگ اُحد بر تن داشت، بر بدن آن حضرت است.» (نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۶)

موعود

«موعود»، (وعده داده شده) لقب صاحب الامر (عج) است. این لقب از آیات قرآن هم استنباط شده (ذاریات/۲۲) و همچنان در زیارت آن حضرت است که:«وَالْیَوْمِ الْمَعودِ وَ شاهِدٍ وَ مَشْهودٍ»

مهدوی

«دکتر محمّد معین در ذیل کلمه مهدوی نوشته است:«مهدوی» صفت نسبی است ۱- منسوب به مهدی (مطلقاً) ۲- منسوب به مهدی صاحب الزّمان (عج)، امام دواردهم شیعیان. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۴، ص ۴۴۶۱)

مهدویت

پیامبر گرامی اسلام صلّی الله و علیه و آله و اهل بیت اطهار علیهم السّلام کراراً بشارت به ظهور مهدی موعود (عج) که از مسل پیغمبر اسلام است، داده اند. این مطلب خود یکی از امتیازات اهل بیت عصمت بود که هنگام ذکر مفاخر خود از وجود مهدی آخرالزّمان و ظهور دولت عالم گیر او و قیام وی با شمشیر و اصلاح کار جهان و تأمین عدالت در سراسر دنیا، سخن می گفتند. ولی متأسفانه این موضوع گاهی اشتباه، و زمانی بهانه دست بعضی از سادات و حتّی مردم عادی شده، از همان قرون اوّلیه اسلامی دعوی مهدویّت نموده و به نام «مهدی» علیه خلفای وقت قیام کردند. مردم عوام هم بدون در نظر گرفتن تمام علائم اوصاف مهدی (عج) و همه شرایط ظهور وی، به طرفداری از آنها برخاسته، باعث گرفتاری خود و سایرین می شدند.اینان افرادی بودند که به واسطه ظلم و بیداد گری که خلفای اموی و عبّاسی می دیدند و در پیشامد های سوء،منتظر مهدی حقیقی بودند، بعضی جوانان سادات را که جزئی اشتباهی در نام یا دلیری یا صورت زیبا و آراسته داشتند، مهدی موعود پنداشته، و دور او را گرفته و فرقه ای تشکیل می دادند.بعلاوه در قرون بعد از ائمّه و مخصوصاً بعد از رحلت حضرت امام حسن عسکری علیه السّلام نیز افراد دیگر که دعوی سیادت داشتند یا رسماً سیّد نبودند، مدّعی مهدویّت شده و حتّی بعضی جنگها و لشکرکشی ها کردند که تا کنون اتباع آنها باقی هستند.لازم به ذکر نیست که این همه اخبار و آیات که درباره مهدی موعود (عج) آمده، و طول زمان و دیدن زور و ظلم از دشمنان، به خصوص اگر متحرّکی در میان باشد هر چه زمان طولانی و ناکامی از پیروزی بیشتر شود، زمینه برای ادّعای مهدویّت بعضی از افراد مالیخولیایی بهتر فراهم می شود. («مهدی موعود»، مقدّمه ص ۱۴۹)در این کتاب نام برخی از این افراد (به ترتیب حروف الفباء) ذکر شده است.رجوع شود به واژه: باب، مهدی سودانی، توقیع

مهدی

«مَهدی» از مشهورترین اسماء و القاب حضرت ولی عصر (عج) در نزد همه فرق اسلامی است. «مهدی» یعنی «هدایت کننده و هدایت یافته».شیخ مفید در «ارشاد» از امام صادق علیه السّلام روایت کرده که فرمود: «قائم (عج) را به این دلیل «مهدی» نامیدند که مردم را به سوی امری که از آن گم شده اند (بر آنها پوشیده است) هدایت می کند.» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۰۶)مرا به غیر تو نبود پناه مهـــــدی جان که من گدایم و هستی تو شاه مهدی جاندر انتظار تو شاها گذشت عمر عزیز نگشت حـــاصل من غیــــر آه مهـــــدی جان

مهدی سودانی

«شیخ محمّد احمد بن سیّد عبدالله» معروف به مهدی سودانی (متمهدی) متولّد سال ۱۸۴۴ میلادی است. وی در حدود سال ۱۸۸۰ میلادی، ادّعای مهدویّت کرد و در سودان علیه مصر و انگلستان قیام نمود و یاران او به زودی در سال ۱۸۵۵ میلادی شهر خارطوم را متصرّف شدند و ویران کردند.خود وی در سال ۱۸۸۵ در «ام درمان» درگذشت، و پیروانش را «لُرد کیچنر» فرمانده قوای مصر و انگلیس، در سال ۱۸۸۹ شکسست داد. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۲۰۵۵)

مهر آزمای

اسم حضرت صاحب الامر (عج) در کتاب جاماسب، «مهر آزمای» است.این نام بر پیامبر اکرم صلّی الله و علیه و آله و سلّم هم اطلاق می شود و می دانیم که مهدی موعود (عج) نیز همنام رسول خدا صلّی الله و علیه و آله است. («ستارگان درخشان»، ج ۱۴، قسمت اوّل ص ۳۳)

مهمید الآخر

در کتاب «انجیل» حضرت قائم (عج) با نام «مهمید الآخر» خوانده شده است.

میرزا جانی

«حاج میرزا جانی» از نویسنگان بابی و از پیروان قدیم باب بود. وی تاجری از مردم کاشان بود و پنهانی به نهضت بابیّه گروید. وقتی که باب را از اصفهان به قلعه چهریق در آذر بایجان می بردند، مبلغ هزار تومان زر نقد به رئیس مستحفظین باب داد و باب را یک شب در منزل خویش مهمان کرد. کتاب «نقطهٔ الکاف» در تاریخ بابیّه از تألیفات اوست.بعد از سوء قصد بابیّه به ناصر الدّین شاه در نیاوران، «حاج میرزا جانی» با ۲۷ تن دیگر از بابیها گرفتار شد و با شکنجه و عقوبت در سال ۱۲۶۸ ه.ق به قتل رسید. («فرهنگ فارسی معین»، ج ۶، ص ۲۰۷۰)رجوع شود به واژه: باب

میرزا محمد استر آبادی

«میرزا محمّد استر آبادی»، مؤلّف کتاب «منهج المقال» معروف به «رجال کبیر» متوفّی سال ۱۰۲۸ ه.ق، ساکن مکّه و از علمای بزرگ دوران بود. وی گذشته از رجال کبیر، «رجال متوسّط»، و «رجال صغیر» هم نوشته است.«رجال کبیر» او را بهترین کتاب رجالی شیعه دانسته اند.«میرزا محمّد» از شرف یافتگان به پیشگاه حضرت قائم (عج) است.رجوع شود به واژه: خرابات

میزان الحق

در کتاب «ذخیرهٔ الالباب»، عنوان شده که «میزان الحق» نام حضرت مهدی موعود (عج) در کتاب «آژی» پیغمبر است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۹۳)

میکائیل

«میکائیل» یکی از فرشتگان مقرّب الهی است که طبق روایات اسلامی هنگام ظهور حضرت حجّت (عج) در کنار سپاه ایشان خواهد

بود. («المجالس السّنیّه»، ج ۵، ص ۷۱۰)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ن» آغاز می شود

ناحیه مقدسه

«ناحیه مقدّسه» لقب حضرت قائم (عج) است که در ایّام تقیّه گاهی آن حضرت را به این لقب می خواندند.

ناطق

«ناطق» لقب حضرت مهدی (عج) است. در حدیثی آمده که رسول خدا اسامی ائمّه علیهم السّلام را برای سلمان فارسی ذکر نمود تا اینکه فرمود: «پس حسن بن علی صامت امین عسکری سپس پسر او حجّهٔ الله ابن الحسن المهدی الناطق القائم بحق الله».در زیارت عاشورا می خوانیم:«وَ أنْ یَرْزُقَنی طَلَبَ ثاری مَعَ إمامٍ هُدیً ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْکُم: (از خدا می خواهم) همانا خونخواهی شما را با امام هدایت کننده ظاهر گویای به حق از خود شما، روزیم کند».ناطق بودن آن حضرت بدین جهت است که آباء طاهرینش به جهت ترس از دشمنان بسیاری از علوم و اسرار را بیان نکردند امّا مهدی موعود ناطق و گوینده تمام علوم خواهد بود. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۰)رجوع شود به واژه: پیشرفت علم و قیام قائم (عج)ناعمه مبارکه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

ناقور

«ناقور» به معنی صور است، شاخ و امثال آن که در آن می دمند. «ناقور» لقب امام قائم (عج) است. امام صادق علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه«فإذا نُقِرَ فِی النّاقورِ (مدّثر/۱۲۰): و هنگامی که در صور دمیده شود»فرمود:«از برای ما امامی مستقر است پس هر گاه خدای عزّ و جل اظهار امر خود را اراده فرماید، در دلش بیفکند پس ظاهر شود و به امر خدا خروج کند». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۱۹)

ناووسیه

«ناووسیّه»، نام فرقه ای است که منکر فوت امام صادق علیه السّلام شدند و معتقد بودند آن حضرت همان امام زمان (عج) و مهدی موعود است. («نجم الثّاقب»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

نجباء

«نُجَباء» جمع نجیب به معنی افراد پاک سرشت و خوش نَفس و جوانمرد است.طبق روایتی از امام علی علیه السّلام و امام باقر علیه السّلام نقل شده: «اینها یاران مهدی (عج) از سرزمین مصر هستند». («مجمع البحرین»، ماده عَصَب) همچنین در روایتی آمده که نجباء از کوفه هستند. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۴۷)

نجم

«نجم» لقب حضرت قائم (عج) است، همانگونه که در قرآن هم مذکور است.امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه شریفه«وَ عَلاماتٍ وَ

بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدونَ (نحل/۱۶): و (نیز) علاماتی قرا رداد و (شب هنگام) آنها به وسیله ستارگان هدایت می شوند»،فرمود:«نَحْنُ النَّجْمِ: ستاره ما هستیم». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۴)

نجم الثاقب

«نجم الثّاقب» در احوال امام زمان (عج)، کتابی است تألیف مرحوم «حاج میرزا حسین طبرسی نوری» به زبان فارسی و مشتمل بر ۱۲ باب است.این کتاب همانگونه که در پایان باب اوّل آن ذکر شده است، در ماه ربیع الاوّل سال ۱۳۳۲ ه.ق در اوائل غیبت کبری نوشته شده و از کتب معتبر در باب مهدویّت است.

نخستین نشانه عدل قائم

حضرت قائم (عج) بر پا کننده عدل و قسط در روی زمین خواهند بود. نخستین نشانه عدل آن حضرت این است که سخنگویان حکومت او، در مکّه، فریاد می زنند: «هر کس نماز فریضه خویش را، در کنار حجر الاسود و محلّ طواف، خوانده است، و اکنون می خواهد نماز نافله بخواند، به کناری رود، تا حقّ کسی پایمال نگردد، و هر کس می خواهد نماز فریضه بخواند بیاید و بخواند». («الکافی»، ج ۴، ص ۴۲۷)رجوع شود به واژه: قسط و عدلنداء آسمانی رجوع شود به واژه: صیحه آسمانی

نداء در شب بیست و سوم ماه رمضان

از علامات حتمیّه قبل از ظهور امام زمان (عج)، ندائی است که جبرئیل در شب بیست و سوّم ماه رمضان سر می دهد به گونه ای که همه ساکنین زمین از شرق تا غرب عالم آن را خواهند شنید. در آن موقع جبرئیل ندا می دهد که:«الْحقُّ مَعَ عَلیٍ وَ شیعَته: حق با علی علیه السّلام و شیعیان اوست».و شیطان نیز در وسط روز در میان زمین و آسمان ندا کند که همه کس بشنود کهألْحقُّ مَعَ عُثْمان وَ شیعَتِهِ: حق با عثمان (لعنهٔ الله علیه) و پیروان اوست». («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷)

نرجس

«نرجس»، (نرگس) معروفترین نام از نامهای مادر امام قائم (عج) است. هنگامی که او (ملیکه) به اسارت مسلمانان در آمد خود را «نرجس» معرّفی کرد («روضهٔ الواعظین»، ج ۱، ص ۲۵۵) تا احدی از اسرار او آگاه نشود، و شاهزاده بودنش آفتابی نگردد.از نور تو روشن، ملکا دیده «نرجس» دل می کند از هر چمنی بوی تو را حس

نزول حضرت عیسی

در روایات اسلامی وارد شده است که پس از ظهور حضرت قائم (عج)، حضرت عیسی علیه السّلام از آسمان فرود می آید، و پشت سر مهدی (عج) نماز می گذارد، و فریاد می زند که: «در بیت المقدّس را باز کنید». در را باز می کنند. در این میان، دجّال با هفتاد هزار یهودی مسلّح پدیدار می شود... و چون عیسی علیه السّلام آهنگ کشتن دجّال می کند، او می گریزد.عیسی علیه السّلام می گوید: من تو را با یک ضربت می شکنم و چنین می شود (او را می گیرد و می کشد)».یهودیان در گوشه و کنار، و در پناه هر سنگ و درخت و جانور و چیز دیگری پنهان می شوند. امّا همه چیز، به سخن می آید و بانگ بر می دارد «ای بنده مسلمان خدا، اینجا یک یهودی است بیا و او را بکش». و اینچنین جهان از وجود یهود پاک می گردد. («خورشید مغرب»، ص ۳۲)

نسیم

«نسیم» از خادمان امام حسن عسکری علیه السّلام بود. او یک شب بعد از ولادت حضرت مهدی (عج) آن حضرت را زیارت نموده و روایتی نقل کرده است. («اثباة الهداة»، ج ۳، ص ۶۶۸)

نشانه پیامبران و قائم

در روایات آمده است که حضرت مهدی (عج) جمیع اوصاف و ویژگی های پیامبران گذشته خود را خواهد داشت. امام سجّاد علیه السّلام در ضمن حدیثی چند نشانه را بیان می کند:«قائم ما دارای نشانه هایی از شش پیامبر است:نشانه ای از حضرت نوح علیه السّلام (طول عمر)نشانه ای از حضرت ابراهیم علیه السّلام (مخفی بودن محلّ ولادتش)نشانه ای از حضرت عیسی علیه السّلام (اختلاف رأی مردم درباره اش، و اعتزال او از مردم)نشانه ای از حضرت موسی علیه السّلام (ترس از دشمن و غیبت، که حضرت موسی علیه السّلام از ترس فرعونیان از مصر به مَدْین رفت و مدّتی مخفی بود)نشانه ای از حضرت ایّوب علیه السّلام (گشایش و پیروزی پس از بلیّات و گرفتاری)نشانه ای از رسول خدا صلّی الله علیه و آله (قیام به شمشیر)و در بعضی از روایات نشانه ای از حضرت یوسف علیه السّلام نیز ذکر شده و آن زندان است. (شاید منظور دوری او از دوستانش است که به منزله زندانی بودن اوست («اعلام الوری»، ص ۴۰۲ و ۴۰۳))رجوع شود به واژه: مکّه

نفس

«نفس»، لقب مهدی موعود (عج) است.

نفس زکیه

یکی از علائم ظهور حضرت صاحب الامر (عج)، قتل «نفس زکیّه» است. او پسری از آل محمّد صلّی الله علیه وآله و سلّم است که در ما بین رکن و مقام به قتل می رسد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۵)نَفْس زکیّه رجوع شود به واژه: جارودیّه

نقباء

«نقباء» جمع کلمه «نقیب» و به معنی مردان آگاه و متعهّد است.طبق برخی از روایات، پس از ظهور امام قائم (عج) جبرئیل و فرشتگان و نجباء جنّ و نقباء مردم، با او بیعت می کنند. («بحار الانوار»، ج ۵۳، ص ۸و۹)نقش نگین انگشتر قائم (عج) رجوع شود به واژه: حجّةنُمَیْرَیةُ الفراتیه رجوع شود به واژه: محمّد بن نصیر نُمیری

نواب اربعه

پس از آن که امام زمان (عج) در سال ۲۶۰ ه.ق، هنگام رحلت پدر بزرگوارشان، از نظرها پنهان شدند (و غیبت صغری به وجود آمد) تا نیمه شعبان سال ۳۲۹ هجری، چهار نفر از علماء و فقهاء ربّانی به ترتیب زیر، از جانب حضرت تعیین و واسطه ایشان و مردم شدند:۱- عثمان بن سعید ۲- محمّد بن عثمان ۳- حسین بن روح ۴- علی بن محمّد سِیْمُری و امام (عج) به آخرین نائب دستور داد که دیگر کسی را جانشین خود نکند. از این زمان به بعد دوران غیبت کبری (طولانی) آغاز شد.۲- این چهار نفر در اخبار مربوط به حضرت قائم (عج) به «نوّاب اربعه» (نوّاب چهار گانه) معروفند. برای هر کدام از آنها زیارتی در «مفاتیح الجنان» ذکر شده

است.نوّاب تو بر گزیدگانند فیضند و پناه شیعیانندبر تو که سلام می رسانند ای کاش برند اسم ما رارجوع شود به واژه: توقیع

نور آل محمد

در کتاب «ذخیرة الالباب»، «نور آل محمّد صلّی الله علیه و آله» از اسامی مهدی موعود (عج) شمرده شده است. در یکی از زیارات جامعه در اوصاف آن حضرت آمده است:«نُورُ الْاَنْوار الّذی تُشْرِق بِهِ الْاَرْض عَمّا قَلیل». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۲)

نور الأتقياء

«نور الاتقیا» (نور پرهیز کاران) لقب حضرت ولی عصر (عج) است.رجوع شود به واژه: بقیّة الانبیاء

نور الاصفياء

«نور الاصفیاء»، از القاب امام قائم (عج) است.رجوع شود به واژه: بقیّة الانبیاء

نور الله

در برخی آیات و روایات اسلامی دیده می شود که «نور الله» از القاب حضرت قائم الزّمان (عج) است. («مصلح آخر الزّمان»، ص ۹۶)نوریّه رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبری

نهار

«نهار» لقب مهدی موعود (عج) است. امام باقر علیه السّلام در تفسیر آیه «وَ النَّهارِ إذا جَلّیها (شمس/۳): و (قسم) به روز هنگامی که زمین را روشن سازد» فرمود: «منظور از نهار، قائم آل محمّد صلّی الله علیه و آله است که زمین را از عدل و دا پر کند».و همچنین فرمود: منظور از نهار در آیه شریفه«وَ النَّهارِ أذا تَجَلّی (لیل/۲): و قسم به روز هنگامی که تجلّی کند».آن قائماز ما اهل بیت است که هر گاه قیام کند بر دولت باطل غلبه کند» («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۱ و ۱۲۲)

نهج البلاغه و قائم

از آنجا که کتاب «نهج البلاغه» حاوی سخنان برگزیده امام امیر المؤمنین علیه السّلام و بیانگر اسلام راستین و برگردان شیوائی از قرآن کریم است، این سؤال مطرح می شود که:موضوع مهدویّت در اسلام به طور کلّی و انطباق آن با امام دوازدهم شیعه «حجّة بن الحسن العسکری علیه السّلام» از نظر این کتاب چگونه و تا چه حد از واقعیّت برخوردار و قابل قبول است؟مسأله مهدویّت امام دوازدهم (عج) و ظهور آن حضرت در آخر الزّمان در کتاب «نهج البلاغه» از دو نظر قابل بررسی و دارای زمینه برای مطالعه و تحقیق است:نخست از دیدگاه مَلاحِم و پیشگوئیهای امام که قسمتی (امثال روی کار آمدن بنی امیّه، حکومت حجّاج بن یوسف، سقوط بنی امیّه، افتادن زمام امور به دست بنی العبّاس، قیام زنج در بصره، فتنه مغول و...) در گذشته به وقوع پیوسته است و قسمت دیگر مربوط به آینده جهان است از قبیل ظهور مهدی (عج) و قیام جهانی آن بزرگوار که به خواست خدا در آینده به وقوع خواهد پیوست.اکنون تنها به ذکر شماره خطبه هائی (شماره خطبه بر اساس نهج البلاغه چاپ «صبحی صالح» تنظیم شده است.) که حضرت در آن به مهدویّت اشاره فرموده اند اکتفاء کرده و تفصیل آنها به کتب دیگر واگذار می شود. (به عنوان نمونه به کتاب «مهدی

منتظر در نهج البلاغه» تألیف «مهدی فقیه ایمانی» مراجعه شود.)خطبه ۱۰۰- وَ خَلَّفَ فینا رَایَةَ الْحَقَّ...خطبه ۱۳۸- یَعْطِفُ الْهَوی عَلَی الْهُدَی...خطبه ۱۵۰-... یا قَوْمِ هَـذا إبّانُ وُرود کُلِّ مَوعُودٍ...خطبه ۱۸۲- قَدْ لَبِسَ لِلْحِکْمَهْ جُنّتَها...خطبه ۱۸۷- ألا بِأبی وَأُمی هُمْ عِـدّةٍ أسماؤهم فی ألسّماءِ مَعْرُوفةٌ...خطبه ۱۹۵- إلْزَموا الارضَ، وَ اصْبِروا عَلَی الْبَلاءِ...حکمت ۱۴۷- أللهمّ بَلی لا تَخْلوا الْأرضِ مِنْ قائِمٍ لِلّهِ بِحُجَّةٍ...حکمت ۲۵۹- لَتَعْطِفَنَّ الدُّنیا عَلَینا...حدیث یک- فَإذَا کَانَ ذَلِکَ ضَرَبَ یَعّسوبَ الدّینَ بِذَنبِهِ...

نیابت خاصه

«نیابت خاصّه»، آن است که امام قائم (عج)، اشخاص خاصّی را، نائب خود قرار دهد، و به اسم و رسم معرّفی کند، و هر کدام را، به وسیله نـائب پیش از او به مردم بشـناساند.بنـا براین کسـانی که در دوره غیبت صـغری، نیـابت داشـتند، و با اسم و رسم معرّفی شـده بودنـد، «نـائب خـاص» نامیـده می شونـد.نائبـان خاص را، «نوّاب خاص»، و «نوّاب اربعه» می گوینـد.رجوع شود به واژه: نوّاب اربعه، غیبت صغری

نیابت عامه

«نیـابت عـامّه»، آن است که امـام، ضـابطه ای کلّی به دست دهـد، تـا در هر عصـر، فرد شاخصـی که آن ضابطه، از جهت، و در همه ابعاد، بر او صدق می کند، نائب امام شـناخته شود، و به نیابت از امام، ولیّ جامعه در امر دین و دنیا باشد.بنابراین کسانی که از آغاز غیبت کبری نیابت داشته انـد و دارنـد، و بر طبق ضابطه معیّن شـده از سوی خود امامان، به نیابت رسـیده انـد، «نائب عامّ» نامیده می شوند.دوره «غیبت کبری»، دوره «نیابت عامّه» است.

نیة الصابرین

«نیّهٔ الصابرین»، لقب مهدی موعود (عج) است.

نیمه شعبان

«نیمه شعبان» سالروز میلاد برترین موجود عالم امکان حضرت بقیّهٔ الله، مهدی صاحب الزّمان (عج) است. آن حضرت در نزدیکیهای اذان صبح چنین روزی از سال ۲۵۵ ه.ق، دیده مبارک به جهان گشودند.درباره فضیلت شب نیمه شعبان و روز آن و همچنین اعمال مخصوص این اوقات شـریف، مطالبی در کتب ادعیّه و منابع معتبر نقل شده است.«شـیخ حرّ عاملی» از بزرگان اصحاب نقل می کند که امـام صادق علیه السّـلام فرمود:«شبی که حضـرت قائم (عـج) متولّـد شـد، و اگر در سـرزمین کفر متولّـد گردد، خداونـد او را به برکت امام زمان (عـج) به سوی ایمان منتقل می سازد». («توضیـح المقاصد»، ص ۵۳۳)امام باقر علیه السّـلام درباره فضیلت شب نیمه شعبان فرمود:«آن شب افضل شـبها بعد از «لیلهٔ القدر» است. در آن شب خداوند فضل خود را به بندگان عطا می فرماید و آنان را به کرم خود می بخشد. پس در آن شب در تقرّب جستن به سوی خدا سعی و کوشش کنید به درستی که آن شبی است که خداوند به ذات مقـدّس خود سوگنـد یاد کرده که بنـده ای را دست خالی برنگردانـد به شـرط آنکه آن بنده در آن شب گناه نکند. و خداوند شب نیمه شـعبان را برای ما قرار داده در مقابل شب قـدر که برای رسول خـدا صـلّی الله علیه و آله قرار داد». («مفاتیـح الجنان»، باب دوّم)ضـمناً در روایاتی آمده که نیمه شـعبان همان شب قدر و تقسیم ارزاق و عمرها است.برای این شب مبارک چند عمل بر شمرده شده اند:اوّل غسل است که باعث تخفیف گناهان می شود، دوّم احیاء این شب به نماز و دعا و استغفار همانگونه که امام سجّاد علیه السّلام چنین می کردند، سوّم زیارت امام حسین علیه السّلام که برترین اعمال در این شب است و صد هزار پیامبر آن حضرت را در

این شب زیارت می کنند. چهارم خواندن دعای کمیل در سجده است. کمیل گوید:«حضرت علی علیه السّلام را دیدم که این دعا را در شب نیمه شعبان در سجده خواندند».از نماز های مستحبّی که در این شب واردشده است، دو رکعت است که در هر رکعت بعد از حمد، صد مرتبه توحید خوانده شود. (ر.ك. به کتاب «المراقبات» اثر مرحوم حاج میرزا جواد تبریزی)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ه» آغاز می شود

هادی

«هادی» (هدایت کننده)، لقب حضرت مهدی (عج) است و در اخبار و ادعیّه و زیارات، به این لقب مکرّر ذکر شده است.

هاشم

«هاشم» نام یکی از پسران حضرت صاحب الامر (عج) است.رجوع شود به واژه: اقامتگاه قائم (عج) در غیبت کبریهاشمیّه رجوع شود به واژه: محمّد بن حنفیّه

هفت تکبیر

در حدیث وفات امام علی علیه السّلام و وصیّت آن حضرت به امام حسن مجتبی علیه السّلام ذکر شده است که بعد از حضرت امیر المؤمنین علیه السّلام بر جنازه احدی جز حضرت قائم (عج) جایز نیست که هفت کبیر گفته شود. (منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل دوّم، ویژگی ۴۴)

همسر قائم

در مورد همسر و یا همسران حضرت بقیّهٔ الله علیه السّلام فقط یک سر نخ وجود دارد و آن روایتی است که مرحوم «کفعمی»، در مصباح مقل کرده است. بر اساس این روایت:«همسر مهدی موعود (عج) از نسل «عبد العزی» (ابو لهب) پسر عبد المطلب می باشد». («نجم الثّاقب»، ص ۲۲۵)

هندوان و انتظار

در آئین هندوان و کتابهای آنها نیز، سخن از نجات دهنده و موعود آمده است. از جمله در کتاب «مهابارانا» و کتاب «پورانه ها».بنابر اعتقاد هندوان، «ویشنو» در حالی که بر اسبی سفید سوار است و شمشیری از شعله آتش بر دست دارد در پایان دوره کنونی جهان به عنوان «کال کی» ظاهر خواهد شد و سرزمین آریا را از دست ستمگران غاصب (که منظور اقوام فاتح مسلمانند) رهائی خواهد بخشید. («خورشید مغرب»، ص ۵۴–«آخرین امید»، ص ۱۸۴)

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «و» آغاز می شود

وادی السلام

درکتاب «منتهی الآمال»، باب چهاردهم (در تاریخ امام دوازدهم حضرت حجّهٔ بن الحسن العسکری (عج)) مؤلف کتاب، «حاج شیخ

عبّاس قمی» می گوید:«مخفی نماند که در جمله ای از اماکن محلّ مخصوصی است معروف به مقام آن جناب مثل:وادی السّلام و مسجد سهله و مسجد حلّه و خارج قم (مسجد جمکران) و غیر آن و ظاهر آن است که کسی در آن مواضع به شرف حضور مشرّف یا از آن جناب معجزه ای در آنجا ظاهر شده و از این جهت داخل شده در اماکن شریفه متبرّکه و محلّ انس و تردّد ملائکه و قلّت شیاطین در آنجا».

وادی یابس

«وادی یابس» یعنی بیابان بی آب و علف و سرزمینی است که در ما بین مکّه و شام واقع شده است و سفیانی از آنجا بر علیه حضرت قائم (عج) خروج خواهد کرد. («منتهی الآمال»، باب ۱۴، فصل ۷، علامت ۳)

وارث

«وارث» از القاب مشهور حضرت ولی عصر (عج) است. رسول گرامی اسلام صلّی الله علیه و آله در خطبه غدیریه فرمود:«ألا إنّهُ وارِثٌ کُلِّ عِلْمٍ وَ مُحیطٌ بِهِ: به درستی که او (حضرت قائم (عج)) وارث هر علمی است و به آن احاطه دارد».حضرت مهدی (عج) وارث نشانه هائی انبیاء گذشته است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۵)مهدی قدم به عرصه گیتی نهاده است مهدی که وارث نبی و نسل مرتضاسترجوع شود به واژه: نشانه پیامبران و قائم (عج)

واقفیه

«واقفیّه» نام فرقه ای است که حضرت موسی بن جعفر، امام کاظم علیه السّلام را، قائم و مهدی موعود (عج) می دانند.برخی به وفات آن حضرت معترفند و می گویند زنده می شود و عالم را مسخّر می کند و بعضی می گویند در روز، از حبس «سِنْدی» بیرون آمد و کسی او را ندید و اصحاب هارون بر مردم این امر که او مرده یا نمرده یا غائب شده، مشتبه کردند. («همان مدرک»، باب چهارم، ص ۲۱۵)

واقیذ

«واقیذ» لقب مهدی منتظر (عج) است. این لقب در کتب آسمانی ذکر شده و به معنی «غائب شونده در مدّت مدید» است.در کتاب «تاریخ عالم آرا» ذکر شده است که اسم آن حضرت در تورات «واقیذما» نوشته شده است. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۴)

وتر

«وَتْر» لقب ممهدی موعود (عج) است. «وتر» به معنی: تنها، طاق، منفرد، فرد در کمال و فضائل که تحقّق آن در نوع بشر ممکن باشد و احدی از حجج قبل از حضرت قائم (عج) به آنها سر افراز نشده است. (همان مدرک)

وجه

«وجه» در کتاب «هدایه» از القاب امام غائب (عج) شمرده شده است و در زیارت آن جناب است:«اَلسّلامُ عَلی وَجْهُ اللهِ الْمُتَلَقِّبُ بَینَ أظهَرُ عِبادِهِ»

وجیزة فی الغیبة

کتاب «مسألة وجیزة فی الغیبة» تألیف «علی بن حسین» معروف به «سیّد مرتضی» (متوفّی ۴۳۶ ه.ق) است.پس از «شیخ مفید» شاگرد برجسته اش معروف به «سیّد مرتضی»، روش استدلالی استاد خود را در رساله خویش در باره طول عمر امام غائب دنبال کرده این شیوه، در رساله بجا مانده از سیّد مرتضی که در سال ۱۹۵۵ میلادی در بغداد به نام «مسألة وجیزة فی الغیة» به چاپ رسیده و توسّط شخصی به نام «ساشدینا» به انگلیسی ترجمه گردیده، به روشنی دیده می شود. («آخرین امید»، ص ۱۷۰)رجوع شود به واژه: سیّد مرتضی

وشاء

«حاجز بن یزید» ملقّب به «وشّاء» از وکلای مورد اعتماد امام قائم (عج) بوده و تا آخر هم باقی مانده و همچون برخی وکلا منحرف نگردید. (همان مدرک، ص ۱۱۴)

وقاتون

آنگونه که از روایات و احادیث بر می آید، عمر مبارک حضرت ولی عصر (عج) طولانی است، و مدّتی برای غیبت آن حضرت، و وقتی برای ظهورش تعیین نشده است. بلکه جداً از تعیین وقت معیّن منع و نهی شده است.در زبان روایات کسانی که به این مهمّ اعتنائی نداشته و بی دلیل وقت معیّن کنند،«وقّاتون» گفته می شود.امام صادق در پاسخ ابا بصیر که پرسیده بود، قائم (عج) کی خروج خواهد کرد، فرمود:«یا اَبا مُحَمّد إنّا أهْل بَیْتُ لا نُوَقّتُ- وَ قَدْ قالَ مُحَمّدٌ صلّی الله علیه و آله کَذَّبُ وَقّاتُون: ای ابا محمّد! ما خاندانی هستیم که وقتی را معیّن نمی کنیم زیرا رسول اکرم صلّی الله علیه و آله فرموده است وقت تعیین کنندگان دروغ می گویند». («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۱۱۹)

ولایت فقیه

«ولی فقیه» یعنی مرجع تقلیدی که شایستگی نیابت عامّ امام زمان (عج) را داشته باشد، چنین فردی می تواند به جانشینی از امام قائم (عج) زمام امور را در دست بگیرد.هنگامی که در دوران غیبت کبری شیعیان ارتباط مستقیم با آن حضرت ندارند باسد به چه کسی مراجعه کنند و وظائف دینی خود را از چه کسی بپرسند و به آن عمل کنند؟امام قائم (عج) در پاسخ این سؤال اسحاق بن یعقوب با خط مبارک خودشان مرقوم فرمودند:«... وَ أمّاالْحَوادِثُ الْواقِعَةِ فَارْجِعوا فیها إلی رُواةِ أحادیثِنا، فَإنَّهُمْ حُجَّتی عَلَیْکُمْ وَ أنا حُجَّةُ اللهِ...: در حوادث به راویان احادیث ما مراجعه کنید که آنها حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر شما هستم». («کشف الغمّة»، ج ۳، ص ۱۰۱)راهنمای مردم در عصر غیبت، نائب امام است. مسلمین در این عصر نیز بی سرپرست رها نشده اند. و طبق قاعده لطف کلامی- که در امامت به آن استدلال می شود- نائب امام، به جای امام قرار دارد. و احیاء و اجرای احکام قرآن، و رهبری شعار قرآن، و تشکیل دادن جامعه قرآنی، به عهده اوست. و نائب امام در هر عصر،عالم بزرگ آن عصر است، عالم نمومه امام (عالم ربّانی)، و جامع همه شرائط لازم.با وجود غیبت امام، باید افراد بر طبق موازین دینی تربیت شوند، و باید جامعه بر طبق سیاست دینی و اسلامی اداره شود، و این سیاست در جامعه حاکم باشد. باید احکام قرآن مورد عمل قرار گیرد، و هدایت قرآنی فعلیّت یابد، و قرآن کتاب شناخت وعمل باشد. آری، در عصر غیبت تکلیف باقی است، هم به دلیل عقل و هم به دلیل نقل، و هم به دلیل اعتبار- چنانکه بزرگان بیان کرده اند. («خورشید مغرب»، ص ۲۲۴ و ۲۲۷)

ولی الامر

از القاب شایسته امام زمان (عج)، «ولی الامر» است.

ولی الله

حضرت قائم (عج) مکرّر در اخبار به لقب «ولی الله» ذکر شده اند. در روایت است که خداوند در شب معراج به رسول خدا صلّی الله علیه و آله و سلّم فرمود:«او (حضرت قائم (عج)) به راستی ولیّ من است». («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۴)

ولی الناصح

یکی دیگر از القاب حضرت مهدی (عج)، «ولیّ النّاصح» (سرپرست نصیحت کننده) است.

ولی عصر

«ولیّ عصر»، لقب مهدی موعود (عج) و مترادف لقب «صاحب الزّمان» است.بگشته مولّد مسعود ختم جمله امامان ولیّ عصر و امام زمان و بر همه مولا

و هوه ل

«و هوه ل»، نام حضرت صاحب الامر (عج) در کتاب «تورات» است. (همان مدرک، ص ۲۹)ویشنو رجوع شود به واژه: هندوان و انتظار

واژه هایی که ابتدای آنها با حرف «ی» آغاز می شود

یا ابا صالح المهدی ادرکنی

«یا ابا صالح المهدی ادرکنی» استغاثه است که با آن امام غایب (عج) را طلبیده و در بر آوردن حوائج مشروع خویش او را خوانده و عاجزانه می خواهیم که ما را درک کند. هر چند که آن حضرت ما را هیچ گاه فراموش نکرده و از یاد نمی برد.رجوع شود به واژه: ابو صالح

یا امام زمان

لفظ «یا امام زمان» یکی از پر مصرفترین الفاظ استغاثه به صاحب العصر و الزّمان (عج) در میان عامّه مردم است. همانگونه که لفظ «یا علی علیه السّلام» در هر کاری با گوشت و پوست مردم در هم آمیخته، این لفظ هم در همین مقام اعتبار دارد.رجوع شود به واژه: امام زمان (عج)

یابن الحسن

«یابن الحسن» استغاثه ای است که امام قائم (عج) را به نام پدرش می خوانیم.یابن الحسن اگر چه نهانی ز چشم من در عالم

خــــیال هویدا کـــنم تو را

یا لثارات الحسین

«یا لثارات الحسـین»، شـعاری است که همیشه در خون شیعه می جوشـد:(بیاییـد به طلب خون حسـین!). این شـعار شور آور، از ظهر عاشورا، از درون خاک خونین کربلا برخاست و همین شـعار است که شورشیان دوران شورش بزرگ، شورش مهدی (عج) نیز، سر خواهنـد داد.امـام جعفر صـادق علیه السّـلام می فرمایـد: «... یـاران مهـدی، مردانی هسـتند پولاددل، و همه وجودشان یقین به خـدا، مردانی سـختتر از صـخره ها... این مردان، تنها از خدا می ترسند، و فریاد «لا اله الّا الله»، آنان بلند است. و همواره در آرزوی شهادت و کشـته شدن در راه خدایند. شعار آنان: «یا لَثاراتِ الحسین علیه السّلام» است. («بحار الانوار»، ج ۵۲، ص ۳۰۸)یحیی بن عمر رجوع شود به واژه: جارودیّه

یحیی نوری

«میرزا یحیی نوری»، ملقّب به «صبح ازل» فرزند میرزا عبّاس نوری مازندرانی بود که در سال ۱۲۸۴ ه.ق متولّد و در ۱۱ جمادی الاول سال ۱۳۳۰ ه.ق در گـذشت.وی مؤسـس فرقه «أزَلیان» بود. پس از کشـته شـدن «سـیّد علی محمّد باب»، پیروان او دور «میرزا یحیی» گرد آمدنـد، «بهاء الله» برادر وی نیز متابعت او را پذیرفت و تا سال ۱۲۷۸ ه.ق این موافقت بر قرار بود، لیکن سـر انجام بین دو برادر کار به اختلاف کشـید و پس از آنکه حکومت عثمانی میرزا یحیی را به قبرس و میرزا حسـینعلی (بهاء الله) را به عکّا تبعیـد کرد، این اختلاف بین دو فرقه بیشـتر شـد، پیروان میرزا حسـینعلی بر ازلیـان فـائق شدنـد.«میرزا یحیی» الواح و رسـائلی دارد که به خـط «میرزا رضوان علی» پسر اوست. («فرهنگ فارسی مفین»، ج ۶، ص ۲۳۳۰)

ید الباسطه

«ید الباسـطه» از القاب خاصّ حضـرت بقیّهٔ الله (عج) شـمرده شده است.«ید الباسطه» یعنی دست قدرت و نعمت خداوندیکه به وسیله او رحمت و رأفت و لطـف خود را بر بنـدگان می گسترانـد و روزی را بر آنهـا فراخ می کنـد و بلاـ را از آنها دفع می کنـد. («نجم الثّاقب»، باب دوّم، ص ۱۲۸)

یعسوب الدین

«یعسوب الـدین» لقب حضـرت قائم (عـج) است. این لقب در نهـج البلاغه از زبان امیر المؤمنین حضـرت علی علیه السّـلام نقل شده است. («نهج البلاغه»، صبحی صالح، حدیث یکم، ص ۵۱۷)

یعفور

«یَعْفور» نام الاغ رسول اکرم صلّی الله علیه و آله و سلّم است که هنگام خروج و ظهور حضـرت مهـدی علیه السّـلام همراه ایشان به عنوان شاهدی بر ظهورش خواهد بود. («نجم الثّاقب»، ص ۱۲۵)

یعقوب ابن منقوش

از جمله کسانی است که در زمان حیات امام حسن عسکری علیه السّلام امام قائم را مشاهده نموده، «یعقوب بن منقوش» است. («اکمال الدین»، ص ۴۳۷- «کشف الغمّهٔ»، ج ۲، ص ۵۲۷)

یمانی

«یمانی» از رهبران بر حق است که به حمایت از حضرت مهدی (عج) خروج می کند. امام صادق علیه السّلام در ضمن روایتی فرمود: «سفیانی و خراسانی و یمانی در یک سال و در یک شهر و در یک روز خروج می کنند و هیچ پرچمی مانند یمانی به هدایت نزدیکتر نیست، زیرا یمانی مردم را به حق دعوت می کند. («اعلام الوری»، ص ۴۲۹)»

یمین

«یمین»، لقب امام زمان (عج) است.

یوسف زهرا

استفاده از لقب «یوسف زهرا سلام الله علیها» برای قائم (عج) اغلب در مدیحه سرائی و اشعار شاعران اهل بیت به صورت کنائی به کار می رود.همانگونه که می دانیم حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها، همسر حضرت علی علیه السّلام و مادر گرامی بقیّه ائمّه به شمار می روند و از طرف دیگر در احادیث و قرآن کریم می خوانیم که حضرت یوسف علیه السّلام مدّت مدیدی از دید و نظر پدر خویش (حضرت یعقوب علیه السّلام) پنهان و غائب بود.ای یوسف گمگشته زهرا (س) بکجائی ای قائم بر حقّ مه یکتا بکجائی

یوشع بن نون

«یوشع بن نون»، وصیّ حضرت موسی علیه السّلام بود. در روایات اسلامی نام وی در زمره یاران و فرماندهان حضرت قائم (عج) ضبط شده است.رجوع شود به واژه: ابو دُجانه انصاری

یهودیان و انتظار

یهودیان که خود را پیروان حضرت موسی علیه السّلام می دانند نیز، منتظر موعودند.در آثار دینی یهود، و اسفار تورات، و دیگر کتابهای انبیاء آنان، همواره به موعود اشاره شده است.چون یهودیان، به حضرت مسیح علیه السّلام ایمان نیاوردند، و در نتیجه موعود آنان هنوز ظهور نکرده است. اگر در مجموع آنچه در آثار مقدّس یهودی نظیر کتابهای دانیال پیامبر، صَفَنیای پیامبر و اشعیای پیامبر آمده تأمل شود، چهره سه موعود، در آنها ترسیم می شود:حضرت مسیح علیه السّلام، حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم و حضرت مهدی (عج).از آنجا که این قوم، نه به حضرت مسیح علیه السّلام و نه به حضرت محمّد صلّی الله علیه و آله و سلّم، به هیچ کدام نگرویدند، باید از دیگر منتظران،منتظر تر باشند، و بیشتر به انتظار و آمادگی برای ظهور فکر کنند و از این همه ظلم و خیانت و انسان کشی دست بردارند و از عواقب ظلم و ستم بترسند.در روایات آمده که جماعتی از یهودیان گرد «دجّال» را می گیرند و با ظهور مهدی (عج) و فرود آمدن عیسی و کشته شدن دجّال، آنان نیز قتل عام می شوند و دامنه تاریخ و دامن بشریّت از وجود آن جماعت ناپاک، پاک می گردد. («خورشید مغرب»، ص ۵۵و ۵۶)

یهودیه

طبق روایات اسلامی «یهودیّه» نام روستائی است که «دجّال» ملعون از آنجا خروج خواهد کرد. («جهان در آینده»، ص ۲۴۶)

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحیم

جاهِدُوا بِأَمْوالِکُمْ وَ أَنْفُسِکُمْ فی سَبیلِ اللَّهِ ذلِکُمْ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :

الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه

ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...

د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز)طراحی سیستم های حسابداری ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...

ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت : ۲۳۷۳ شناسه ملی : ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳- (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵(۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳ ، شماره کارت :۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳و شماره حساب شبا : IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید

ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹